

## قانون تجارت افغانستان

### باب اول

#### احکام عمومی

#### فصل اول

مقدمه:

ماده ۱- احکام قوانین تجارتی درباره تمام معاملات تجاریه جاریست.

ماده ۲- مسایل تجارتی ذریعه مقاوله نامه های معتبره قانونی و در صورتیکه چنین مقاوله موجود نباشد به موجب صراحت و یا دلالت قوانین تجارتی حل و فصل میگردد. اگر باین ترتیب حل و فصل شده نتواند عرف و عادات تجارتی تطبیق میگردد. عرف و عادات محلی و خصوصی بر عرف و عادات عمومی ترجیح داده میشود. در صورت نبودن عرف و عادات احکام قوانین دیگری که به آن استناد میشود تطبیق میگردد.

تبصره

ترجیح عرف و عادات خصوصی و محلی بر عرف و عادات عمومی، عبارت است از اینکه عرف و عادات تجارتی هر محل تابع معاملات حوزه محلی خودش می باشد، نه تابع معاملات مناطق دیگر هرگاه عرف و عاداتیکه در حل و فصل معاملات تجارتی موثر واقع شده بتواند در یک حوزه محلی موجود نباشد به عرف و عادات نزدیک ترین محل استناد شده می تواند.

ماده ۳- اگر در این قانون صراحت دیگری موجود نباشد رعایت ترتیب مندرجات ماده (۲) مجبوریست.

#### فصل دوم

#### تجارت و اهلیت تجارتی

ماده ۴ - هر فرد که سن هجده را تکمیل و برای تصرفات حقوقی اش از حیث شخصیت و نوع تجارت موانع قانونی موجود نباشد میتواند تجارت نماید.

ماده ۵ - اگر تجارت خانه بیک صغیر انتقال یابد در صورتیکه محکمه مربوطه تجارتی در ادامه تجارت از طرف ولی و یا وصی او فایده تصور کند میتواند ولی و یا وصی را به ادامه آن اجازه بدهد اگر ولی و یا وصی دارای اهلیت قانونی برای اجرای تجارت نباشد و یا از اجرای تجارت منع شده باشد به او اجازه داده نمیشود تا این که وصی یا ولی دیگری که برای تجارت صالح باشد تعیین شود.

ماده ۶ - حکم ماده (۵) درباره دیگر فاقدین اهلیت حقوقی هم مرعی است.

ماده ۷ - تمام اشخاصیکه بموجب اصولنامه ترفیع و تقاعد مامورین، مامور موظف دولت شمرده میشوند از تجارت مستقیم ممنوع میباشد.

ماده ۸ - هر شخص اعم از افراد و شرکت ها که حایز اهلیتتجارتی بوده بنام خود بیک و یا چند معامله تجارتی اشتغال ورزیده و این شغل را پیشه معتاد قرار بدهد تاجر شمرده میشود.

ماده ۹ - شخصیکه برای اشتغال به معاملات تجارتی محلی را انتخاب و اقناع نموده ذریعه متحد المال و جراید و امثال آن به اهالی اعلان نماید اگر تجارت را برای خود پیشه معتاد هم اتخاذ نکند تاجر شمرده میشود.

ماده ۱۰ - شخصیکه تصادفا یک معامله تجارتی را اجرا نماید دارای صفت تاجر شده نمیتواند. لیکن معامله که اجرا شده تابع احکام قانون تجارت است.

ماده ۱۱ - دولت و بلدییه ها میتوانند تجارت کنند. لیکن دارای صفت تاجر شده نمیتوانند مگر معاملات تجارتی ایشان تابع احکام این قانون است.

ماده ۱۲- اشخاصیکه تجارت ایشان از سرمایه نقدی زیادت مستند بمساعی بدنیه بوده و یا حاصل کار و کسب شان آنقدر جزئی باشد که تنها مکفی معیشت گردد چه سیار و چه در یک دکان و یا در یک محل معین بازار ثابت باشند تاجر کوچک شمرده می شوند.

ماده ۱۳- تاجرهای کوچک به اتخاذ عنوان و داشتن دفاتر تجارتي و موضوعاتیکه نظر بقانون تجارت ثبت آن لازم است مجبور نبوده و همچنان تحت قاعده افلاس نمی آیند.  
تبصره:

تجار کوچک کسانی شناخته میشوند که در طبقات اصنافی شامل بوده وجوازنامه صنفی را داشته باشند.  
فصل سوم

#### معاملات تجارتي

ماده ۱۴- اشخاص تاجر یا غیر تاجر که اموال منقول را بمقصد فروش و یا اجاره دادن بدیگری خریداری مینماید و آن امورا منقول را بحالت اصلی آن و یا بشکل دیگری تبدیل نموده بفروشد و یا اجاره بدهند این فروش و اجاره از معاملات تجارت محسوب میشود.

ماده ۱۵- اشخاص تاجر و غیر تاجر که اموال منقوله را به ثبت اجاره دادن از کسی اجاره بگیرند، اجاره دادن چنین اموال منقوله از معاملات تجارتي محسوب میشود.

ماده ۱۶- اشخاص تاجر و یا غیر تاجر که برای اجاره دادن بشخص دیگری مستخدم میگیرند اجاره دادن عمل و کار مستخدمی که باین نیت گرفته شده باشد از معاملات تجارتي محسوب میشود.

ماده ۱۷- اگر صاحب زمین و یا دهقان محصولات ارضیه خود را و یا مالدار محصولات حیوانیه خود را بفروشد از معاملات عادیه است و همچنین اگر یک دهقان بر طبق صنعت زراعیه خود شکل محصولات ارضیه خود را بوسیله یکدستگاه تبدیل کند و با یک صنعتکار خودش و یا توسط استخدام عمله و یا استعمال ماشین آثار صنعتی خود را تولید نموده بفروشد و یا یک مولف اثر تالیف شده خود را نشر نماید و بفروشد. همه این ها از امور عادیه محسوب میشوند لیکن اگر کسی بمقصد فروش و یا تبدیل شکل محصولات زراعیه و حیوانیه خود را موسسه را بطور دایم باز کند که دارای اوصاف یک موسسه صنعتی تجارتي باشد معاملات این موسسه از معاملات تجارتي محسوب می شود.

ماده ۱۸- معاملات ذیل از معاملات تجارتي است:

- ۱- تعهد تهیه هر نوع اموال منقوله و بدمه گرفتن و قبول هر نوع اعمال و انشاءات.
- ۲- تأسیس فابریکه تدویردستگاه مطبعه - عکاسی - نشریات و فروش کتب.
- ۳- افتتاح تیاتر، سینما، تماشاگاه ها و کشودن مقامات عمومیه مانند هتل و سرای ها و طعام خانه ها و امثال آنها و دفاتر تهیه کارگران و لیلام خانه ها.

۴- نقلیات مسافرین و حیوانات و اشیاء در خشکه ، انهار و هوا.

۵- توزیع آب، گیس، برق و تأسیس مخابراتی تیلیفونی .

ماده ۱۹- معاملات ذیل بدون رعایت نیت طرفین معامله تجارتي محسوب می شود.

۱- کمیسه کاری.

۲- دلالی.

۳- معاملات برات و حجت (اعماز محرر بنام و محرر بحامل) و چک.

۴- معاملات صرافی.

۵- معاملات بانکهای خصوصی و عمومی.

۶- معاملات حساب جاری و مقاولات مربوط به آن.

- ۷ - معاملات راجع به سندات گروهی و رسیدات که در مقابل امواع موضوعه در گداهای عمومی تجاری موجود شده باشد.
- ۸ - تشکیل شرکت های تجاری و خرید و فروش سهام.
- ۹ - عقد هر نوع بیمه در مقابل مخاطرات خواه باجرت عقد شود و خواه با شرایط متقابله.
- ماده ۲۰ - تمام معاملات یک تاجر تجاری محسوب میشود مگر اینکه ثابت شود که معامله عادی است.
- ماده ۲۱ - اگر عقدی تنها برای یکی از طرفین تجاری باشد و در قانون تجاری بر خلاف آن صراحتی موجود باشد در باره تکالیفی که از عقد مذکور برای تمام عاقدین تولید شده باشد احکام قانون تجارت تطبیق میگردد.
- ماده ۲۲ - تکالیف اشخاص تاجر و غیر تاجر که از معاملات دیگر متولد و یا معاملات متذکره این فصل ماهیتا قابل قیاس باشد تابع احکام قانون تجارت است.
- ماده ۲۳ - تمام معاملاتی که مرتبط به معاملات مذکوره این فصل باشد از معاملات تجاری محسوب است.

## فصل چهارم

### ثبت تجارت

- ماده ۲۴ - یک دایره بنام ثبت تجارت در تحت نظارت محاکمیکه مکلف بر حل و فصل دعاوی تجاری میباشند موجود است.
- ماده ۲۵ - دایره ثبت تجاری تحت نظارت رئیس محکمه مربوطه بیک مامور مسئول و مکلف محول میشود.
- ماده ۲۶ - در صورت تعدد محاکم تجاری در یک موضوع دایره ثبت تجاری بامر مقام ذیصلاحیت بیکی از محاکم مذکور مربوط میگردد.
- ماده ۲۷ - موضوعات و معاملاتی که نظر بقانون تجارت و سایر قوانین لازم است به ثبت برسد راسا یا با اثر ابلاغ مقامات مربوطه و یا خواهش و مراجعت علاقمندان دیگر ثبت و قید میگردد هر گونه تغییرات که در مسایل مذکور واقع شود مطابق اصول ثبت و قید میشود.
- ماده ۲۸ - مطالبیکه تجار و شرکت های تجاری به ثبت آن مکلف اند قرار ذیل است:
- الف - اسم (شخص یا شرکت)
  - ب - ولدیت.
  - ج - محل تولد و تاریخ آن.
  - د - تابعیت شخص یا شرکت
  - ه - عنوان تجارت
  - و - موضوع تجارت
  - ز - نوع شرکت و تاریخ تاسیس آن و همچنین مرکز اصلی شرکت.
  - ح - سرمایه شرکت (تجار انفرادی ازین فقره مستثنی است).
  - ط - اشخاصیکه در امور تجارت خانه یا شرکت دارای صلاحیت امضاء اند.
  - ی - سایر خصوصیاتیکه ثبت آن (اصولا) اجباری قرار داده شده باشد.
- ماده ۲۹ - طوریکه اشخاص علاقمند خواهش ثبت و قیت را میکنند بخواهش ورثه یا قایم مقام قانونی ایشان نیز ثبت بعمل می آید. در صورتیکه صلاحیت خواهش قید و ثبت باشخاص متعدد تعلق داشته باشد اگر مطابق خواهش یکی از آنها معامله ثبت و قید اجرا شود چنان محسوب می شود که از طرف همه خواهش شده است.
- ماده ۳۰ - طوریکه معاملات قید و ثبت با اثر مراجعه شخصی علاقمند ان و یا با اثر مراجعه وکیل قانونی شان اجراء میشود بهمان صورت با اثر ارسال اوراق و اسناد رسمیه که رسما ترتیب شده و حاوی مطالبه ثبت باشد هم اجرا میگردد.

ماده ۳۱- خواهش قند و ثبت باید در مدتیکه قانون مقرر نموده است بعمل آید.

اگر در قانون یک مدت برای آن تصریح نشده باشد در ظرف یکماه بعد از تکمیل وثایق اجرای آن لازم است. نسبت کسانیکه مکلف به ثبت بوده و خارج از محل ثبت اقامت دار ند نظر به بعد مسافه برای هر ۱۲ میل یک روز علاوه میشود.

ماده ۳۲- ثبتیکه قابل اعلان می باشد تا زمانیکه کدام جریده مخصوصه برای اعلانات قانونیه تاسیس گردد در جراید رسمی یا خصوصی که در آن محل موجود باشد نشر میگردد و اگر در آن محل جریده رسمی یا غیر رسمی موجود نباشد در جریده که در نزدیک ترین محل نشر میشود اعلان میگردد به استثنای خصوصیاتیکه اعلان آنها قانونا بطور مختصر مجاز است مراتب ثبت کلمه به کلمه درجه و نشر میشود اگر تمام مندرجات اعلانات در یک روز اکمال نگردد آخرین تاریخ نشر تاریخ تکمیل اعلان شمرده میشود.

بر تمام درخواست ها بیان نامه ها که وثیقه ثبت را تشکیل میدهد و جراید یکه اعلان در آنها نشر گردیده نمره و تاریخ دفتر ثبت تحریر و حفظ میشود.

ماده ۳۳- موضوعاتیکه حل آن بحکم یک محکمه مربوط باشد یا مامورین ثبت راجع به ثبت قطعی آن متردد باشند قرار خواهش علاقمند بصورت موقتی بدفتر ثبت قید میگردد. چنین موضوعات که بصورت موقتی ثبت میشود اگر در ظرف ششماه قطعیت آن باثر مراجعه علاقمندان باثبات رسیده نتواند قید موقتی از دفتر حذف میشود. اگر قطعیت آن اثبات شود قرار اصل اصول ثبت بصورت قطعی قید میشود.

ماده ۳۴- اگر موضوعاتیکه در دفتر ثبت قید شده باشد تماما یا قسمتاز بین برود و رفع شود. مطالب قید شده در اثر مراجعه تحریری علاقمندان آن که مستند به وثایق لازمه باشد نظر بایجاب تماما و یا قسمتاز دفتر حذف میگردد مطالبیکه ثبت و قید آن قابل اعلان است حذف و ابطال آن نیز اعلان میشود.

ماده ۳۵- راجع به اجرای ثبت و قید و تعدیل با حذف ثبت از طرف علاقه مندان به محکمه مربوطه دایره ثبت بر علیه اجرا آتی که مامورین ثبت مینمایند اعتراض شده میتواند. این اعتراض از طرف محکمه مورد غور واقع و فیصله درباره آن داده میشود. و اگر اجراءات مامور ثبت بر حقوق شخص ثالث موثر باشد محکمه اعتراض را بحضور معترض و شخص ثالث بشکل یک دعوی اصولی تدقیق و در آن باره حکم صادر میکند.

ماده ۳۶- هر شخص میتواند مندرجات ثبت تجارت و تمام اوراق محفوظ متعلق ثبت و قید را مطالعه و تدقیق و صورت مصدق آنها را طلب و اخذ کند.

تبصره:

حق التصدیق در همهچہ موارد قرار ذیل اخذ میگردد:

الف - برای هر دفعه مطالعه (یک افغانی)

ب - برای گرفتن سواد غیر مصدق (پنج افغانی)

ج - برای گرفتن سواد با تصدیق (بیست افغانی)

ماده ۳۷- کسانیکه مکلف به ثبت یک موضوع باشند و مکلفیت خود را در ظرف مدت معینه آن ایفاء نکند ضامن جبران خساره و ضرری میباشند که ازین رهگذر به شخص دیگری وارد شود علاوه باثر پیشنهاد مامور ثبت و حکم محکمه که دایره ثبت به آن ربط دارد به جزای نقدی نیز مجازات میشوند. چنین اشخاص میتوانند از فیصله محکمه به مرافعه و تمیز مراجعه نمایند و برای قبول مرافعه و تمیز خواهی شرط است که مبلغ محکوم به را یا در صندوق محکمه توزیع کند و یا در آن باره ضمانت بدهد.

ماده ۳۸- موضوعاتیکه در دایره ثبت تجارت ثبت و قید گردیده باشد در مقابل اشخاص ثالث موثر است. لیکن موضوعاتیکه ثبت آن قانونا مقتضی است اگر ثبت نشده باشد ولو بصورت خصوصی اعلان هم گردیده باشد در مقابل اشخاص ثالث موثر نمیشد مگر اینقدر است که راجع به موضوعاتیکه ثبت نگردیده باشد مکلف میتواند در مقابل اشخاص دیگر در موضوع های قابل ثبت مطلع بودن آنها را ادعا و به ثبوت برساند.

ماده ۳۹ - اشخاصیکه موضوعاترا با سوء نیت، خلاف حقیقت ثبت بنمایند بجزای نقدی و یا جزای حبس محکوم میگرددند و یا هر دو جزا درباره ایشان یکجا تطبیق میشود.

و برای مدتی از حق انتخاب بعضویت اطاقهای تجارتي و صنعتی و معاملات در بروسه ها محروم میگرددند. حق طلب جبران خساره و ضرر اشخاصیکه به نسبت جرم مذکور متضرر گردیده اند محفوظ می باشد و عند المراجعه متضرر محکمه میتواند رسیدگی بنماید.

## فصل پنجم

### عنوان تجارتي

ماده ۴۰ - هر تاجر مجبور است تا اوراق و معاملات متعلقه تجارت خود را در تحت یک اسم معین که عنوان تجارت تعبیر میشود اجرا و امضا نمایند.

ماده ۴۱- هر تاجر چه منفردا و چه با شریک خصوصی که اجرای تجارت مینماید و همچنان تمام شرکتهای تجارتي مجبورند که عنوان تجارت خود را در محلیکه اجرای تجارت مینمایند و یا مرکز آنها واقع است به دایره ثبت تجارت ثبت و اعلان نمایند.  
ماده ۴۲ - عنوان تجارت بایست از اسم شخص تاجر و اسم فامیلی او مرکب بوده و شرط است از عناوینی که قبلا" ثبت گردیده است واضعا" متمایز باشد - یک تاجر میتواند بعنوان تجارت خود تزییداتی را که خواسته باشد بنماید ولی نمیتواند چنان تزییداتی بکند که راجع به هویت شخص او یا در مورد وسعت - اهمیت و یا وضعیت مالی تجارت تاجر مذکور و یا درباره موجودیت یک شریک نزد اشخاص ثالث یک فکر غلط و مغایر حقیقت را تولید نماید.

ماده ۴۳ - عنوان شرکت (تضامنی) عبارت است از اسمای تمام شرکاء و یا اقلا از اسم یکی از شرکاء با کلمه تضامنی.  
عنوان شرکت های تضامنی مختلف (کوماندیت) خواه عادی و خواه سرمایه آن منقسم باسهام باشد به ترتیبیکه در ماده(۴۲) ذکر گردیده اقلا از اسم یکی از شرکائی که مسئولیت او غیر محدود باشد با کلمه تضامنی مختلط تشکیل می یابد. عنوان شرکت های سهامی عبارت است از موضوع شرکت باضافه کلمه سهامی در شرکت های سهامی اسمای شرکاء و یا اشخاص دیگر بعنوان شرکت داخل شده نمیتواند

ماده ۴۴ - در صورتیکه یک تاجر عنوان تجارت خود را اصولا در یک محل ثبت کرده باشد تاجر دیگر ولو دارای اسمی باشد که همین عنوان را تشکیل میدهد تا وقتیکه تزییداتی به منظور تغیر این اسم از عنوان ثبت شده ما قبل نکند در همان محل نمیتواند که همان اسم را بحیث عنوان تجارت اتخاذ و یا جهت اجرای یک مقصد تجارتي استعمال نماید. همچنان اگر یک تاجر و یا شرکت تجارتي بخواهد غیر از محلیکه عنوان تجارت خود را در آن ثبت کرده در کدام محل دیگر یک شعبه افتتاح نماید در صورتیکه کدام تاجر و یا شرکت تجارتي تحت همان عنوان در همان محل ثبت شده باشد موسس شعبه جدید مجبور است در عنوان تجارت شعبه خود چنان تزیید بنماید که از عنوان ثبت شده ما قبل همان محل واضحا تفریق شود.

ماده ۴۵- طوریکه تملیک عنوان تجارت با تفکیک آن از تجارت خانه جایز نیست همچنان در تملیک یک تجارت خانه اگر عنوان تجارت صراحتا و یا ضمنا داخل شود عنوان تجارت تملیک نمیکرد.

ماده ۴۶ - شخصیکه عنوان را با یک تجارت خانه یکجا تملیک می کند طوریکه از تعهدات شخص تملیک دهنده که در تحت همان عنوان اجرا کرده مسئول است.

همچنان بر تمام حقوقیکه از تجارت آن وارد میشود مالک میگردد مقاولاتی که خلاف این اساس میباشد بشرط این که بدایره ثبت تجارت ثبت گردد و یا رسما بعلاقه مندان اطلاع داده شود معتبر است مسئولیت متذکره این ماده بعد از پنج سال سر از تاریخ تملیک ساقط میشود.

ماده ۴۷ - شخصیکه یک تجارت خانه را بدون عنوان تجارت تملیک میکند اگر در حین تملیک به اساس عقد مقاوله مسئولیت تعهدات تملیک کننده را بدمه نگرفته و آن را به ثبت نرسانیده باشد از تعهدات شخص تملیک دهنده مسئول نیست.

ماده ۴۸- شخصیکه یک عنوان تجارت را بر طبق ماده (۴۶) تملک میکند مجبور است به آن عنوان عیاره ئیرا که مشعر بر صفت خلفیت باشد ضم کند اگر بر خلاف این حکم رفتار شود شخص تملیک دهنده که باستعمال عنوان تجارت از طرف شخص تملک کننده موافقت نموده باشد از تعهداتی که تملک کننده در تحت همان عنوان اجراء میکند مسئول است مشروط باینکه باساس مراجعه دائنین به نسبت تعهدات شخص تملک کننده از طرف دایره (اجرائیه محکمه) تحصیل طلبات بعمل نیامده باشد.

ماده ۴۹- در صورت وفات یک شریک که اسم او در عنوان شرکت داخل باشد اگر وارثین قایم مقام ادامه شرکت را قبول کنند تغییر عنوان شرکت لازم نمیشود در صورت عدم شمول ورثه در شرکت نیز بشرط اینکه موافقه تحریری ایشان حاصل شود عین عنوان شرکت حفظ میگردد.

و همچنان در صورت خروج یک شریک از شرکت اگر تحریرا از او موافقه گرفته نشود ابقای اسم او در عنوان شرکت جائز نیست.

ماده ۵۰- در صورتیکه عنوان تجارت تبدیل شود احکام ماده (۴۱) تطبیق میشود.

ماده ۵۱- کسانیکه قصدا بر امتعه اشیاء - دوسیه ها - پاکت ها - مکاتیب - وسایل اوراق تجاریه - بسته های تجارتي و بارهای تجارتي - بغير حق عنوان تجارتي دیگری را وضع و یا امتعه را که عنوان تجارت غير بر آن وضع شده باشد دانسته می فروشند و یا برای فروش عرضه میکنند بشرطیکه در حکم ماده (۵۴) خللی وارد نشود بجزای نقدی یا به حبس و یا به هر دو مجازات میگردند. تعقیب جرائم متذکره این ماده بدعوی شخصی مربوط میباشد. بعد از اقامه دعوا مدعی میتواند از دعوا ابراء نماید. ابراء از دعوی شخصی دعوی حقوق عمومی را هم ساقط میکند.

ماده ۵۲- از متخلفین مواد (۴۰ - ۴۱ - ۴۲ - و فقره اخیر ماده ۴۳) و احکام ماده (۴۵) جزای نقدی گرفته میشود.

ماده ۵۳- تمام محاکم - مامورین اطاقهای تجارت و صنایع - مامورین دائره ثبت و مقامات ذیعلقه دیگر اگر در اثنای وظیفه آگاه شوند که یک عنوان تجارت ثبت نشده و استعمال آن مخالف مواد (۴۰ - ۴۱ - ۴۲ - ۴۳) واقع شده است مجبورند کیفیت را بمقامات مربوطه اخبار نمایند.

ماده ۵۴- بهر صورتیکه یک عنوان تجارت برخلاف احکام مندرجه این فصل استعمال شده باشد علاقه مندان میتوانند منع استعمال و در صورتیکه ثبت شده باشد ابطال آنرا تقاضا کنند علاوه بر این از استعمال مذکور خواه عمدی و خواه در اثر سهو باشد اشخاص متضرر میتوانند جبران خساره خود را دعوی کنند محکمه میتواند عند الاقتضاء بعد از استشاره از اهل خبرت احوال و کیفیات حادثه را تدقیق نموده درباره وجود و مقدار خساره نظر به قناعت خود حکمی صادر کند علاوه برین در صورتیکه شخص متضرر خواهش کند و متحمل مصارف آن نیز شود به نشر حکم نیز قرار داده میتواند.

## فصل ششم

### رقابت غیر قانونی

ماده ۵۵- اگر در علائم و اسمائیکه یک تاجر استعمال کند با علائم و اسمائیکه تاجر دیگر بطور مستحق استعمال مینماید اشتباه واقع شود استعمال چنین اسم و علامت برای تاجر اول الذکر ممنوع است. شخصیکه مخالف این حکم عمل میکند ولو هیچ گونه قصور نداشته باشد باز هم محکمه میتواند بر حسب درخواست شخص علاقمند امر رفع التباس را صادر کند.

ماده ۵۶- هر گونه حيله و دسیسه در امور تجارتي ممنوع میباشد.

ماده ۵۷- یک تاجر به قصد اجرای رقابت نمیتواند بچنان نشریات مخالف حقیقت به پردازد که به منفعت یا تجارت دیگری ضرر وارد کند.

ماده ۵۸- یک تاجر از اشاعات مغایر حقیقت راجع به منشاء و یا اوصاف امتعه و یا اهمیت تجارت خود به مقصود جلب مشتریان تاجر دیگری که امتعه هم جنس را می فروشد و همچنان از اعلان تصدیق نامه و مکافاتی که حایز آن نبوده باشد و از استعمال حیل و دسایس بمقصد مذکور ممنوع است.

ماده ۵۹- هیچ یک تاجر نمیتواند مامورین و مستخدمین تاجر و یا فابریکه دیگری را بمقصد اطلاع از مشتریان و جلب آنها بخود

تطمیع نماید.

ماده ۶۰ - تاجر نمیتواند به هیچ شخصی خلاف حقیقت شهادتنامه یا تصدیق حسن خدمت بمنظور اغفال تاجر دیگر بدهد.

ماده ۶۱ - تاجریکه مخالف احکام مواد فوق رفتار کند بجران خساره اشخاص متضرر مجبور است.

ماده ۶۲ - یک نماینده اطلاعاتی تجارتي که قصدا و یا در نتیجه یک غفلت سنیگینی درباره اخلاق یا اقتدار مالی یک تاجر معلومات خلاف حقیقت بدهد مسئول جبران خساره مادی و معنوی است که ازین رهگذر بتاجر مذکور عاید شود اظهار نماینده مذکور در تصیح آن معلومات مستلزم برائت او شده نمیتواند محکمه میتواند در عین زمان با فیصله نیکه درباره جبران خساره مینماید امر کند که مسئله مذکور بمصارف خود نماینده بیک جریده یا جراید متعدد نشر هم شود.

ماده ۶۳ - تاجریکه مرتکب افعال مندرجه این فصل میشود اگر با سوء نیت حرکت کرده باشد علاوه براینکه بجران خساره محکوم میگردد بجزای نقدی و حبس نیز مجازات میشود.

ماده ۶۴ - شخصیکه به جزاء یا جبران خساره محکوم میشود اگر فعلی را که موجب جزاء یا جبران خساره شده است مکررا مرتکب شود جزای او دو چند شده میتواند. دعوای جزا تنها بوسیله شکایت شخص ذیعلاقه با اطاق تجارت محل - اقامه میشود ابرا مدعی شخصی از دعوی حقوق عمومیه را ساقط میسازد.

## فصل هفتم

### دفاتر تجارتي

ماده ۶۵ - هر تاجر مجبور است سه دفتر یعنی دفتر دارائی دفتر کل و دفتر یومیه داشته باشد. علاوه برین مجبور است مینوت تمام مکاتیب و تلگرامات صادره و اصل تمام تلگرامات و مکاتیب وارده را با اوراق تادیات بصورت منظم حفظ نماید.

ماده ۶۶ - هر تاجر بر حسب لزوم و احتیاج معاملات تجاریه خود میتواند علاوه بر دفاتر متذکره فوق دفاتر دیگری هم ترتیب کند. لیکن این دفاتر تابع شرایطی که در مواد آتیه مذکور است نمیشد.

ماده ۶۷ - تاجر مکلف نیست خودش دفاتر تجاریه خود را ترتیب کند میتواند برای اینکار اشخاص دیگری را استخدام نماید. لیکن قیود مطالبی که از طرف مستخدم مذکور درین دفاتر درج و تحریر میشود در حکم قیود و مطالبی است که خود تاجر شخصا آنرا درج و تحریر نموده باشد.

ماده ۶۸ - دفاتریکه بر طبق ماده (۶۵) ترتیب آن لازمی است باید قبل از استعمال بصورت مجلد از طرف مالکین آن شخصا و یا بالواسطه به دایره ثبت که در محل همان تجارت خانه واقع است برای مهر و نشان تقدیم گردد - دایره ثبت بهر صفحه دفاتر برنگ ثابت نمره مسلسل را وضع و بمهر رسمی مهور و در اول و آخر کتاب تعداد اوراق را قید نموده بعد از نوشتن تاریخ در پهلوی مهرهای صفحه اول و آخر تصدیقا امضا نیز میکند.

ماده ۶۹ - در دفتر دارائی امور ذیل درج میشود:

۱ - نقودیکه تاجر در روز آغاز با قیمت های تخیمنی هر نوع اموال منقول و غیر منقول که به تجارت خود تخصیص میدهد و قیمت های اسهم و اسناد قرضه که نشر میدارد به اعتبار قیمت جاریه آنها که در تاریخ مذکور خرید و فروش میشود و تمام طلباتیکه قابل تحصیل شمرده میشود خواه از روی اسناد باشد و یا غیر آن.

۲- تمام دیونی که از تعهدات و ذرایع دیگر بدست می آید.

۳- پس از تعیین دارائی خالص که عبارت از مقدار دارائی بعد از وضع دیون می باشد تاجر مجبور است در آخر هر سال حسابی یک بیلانس را که حاوی مقدار دیون و دارائی مخصوص تجارت او باشد ترتیب و درین دفتر درج نماید.

بیلانس اقلا در سال یکبار باید ترتیب شود.

ماده ۷۰ - در آغاز تجارت بعد از ینکه سرمایه اصلیه تاجر که بموجب ماده (۶۹) تعیین مییابد در دفتر یومیه قید گردید. تمام معاملات کلی و جزئی دایر بداد و ستد چه متعلق معاملات تجاریه باشد و چه بمعاملات عادیه جدا جدا روزمره بترتیب تاریخ معامله

و همچنان مصارف شخصیه او قید و درج میشود.

ماده ۷۱ - تمام مراسلات صادره تجاریه دارای اصل و مینوت خواهد بود و همه مکاتیب و تلگرامهای صادره و وارده باصول اندیکاتور اجمالا قید و ثبت خواهد شد.

ماده ۷۲ - تصویبات شرکتهای در کتاب تصویباتیکه از طرف مجمع عمومی و هیئت مدیره در اثر مذاکره اتخاذ میشود با اسمای اعضائیکه در مذاکره حاضر بوده اند و تاریخ اجتماع و معلومات دیگری که موجب اطلاع کامل از جریان مذاکره و اخذ آراء شده بتواند قید و درج گردیده در ذیل این تصویبات اشخاصیکه در شرکت ماذون بامضاء میباشند امضاء میکنند.

ماده ۷۳ - تجار یا اخلاف ایشان که معاملات تجاریه ایشان را ادامه میدهند مجبور اند دفاتری را که نداشتن آن مکلف قرار داده شده اند (سر از تاریخ قید آخرین که در دفاتر مذکور میشود) و تلگرامات و مکاتیب را از تاریخ خود آنها تا مدت پانزده سال محافظه نمایند.

ماده ۷۴ - دفاتر و مکاتیب تجاریه در مسایل مربوطه به وراثت - شرکت یا افلاس در حال تسلیم چه از جانب محکمه و چه از جانب علاقه مندان تمام جهات و اقسام آن تدقیق شده میتواند.

ماده ۷۵ - در اثنای جریان دعاوی در موارد متنازع فیها محکمه میتواند بر حسب تشخیص خود یا برحسب خواهش یکی از طرفین به ارائه دفاتر و اوراق تجاریه امر بدهد.

ماده ۷۶ - اگر در نقل و ارائه دفاتر و مکاتیب تجاریه که حکم ارائه آن داده شده باشد بعلت بودن آن در حوزه قضاء محکمه دیگر غیر از محکمه که دعوی در آن دائر است مشکلاتی باشد محکمه اول الذکر رسماً سواد مصدقه قسمت های لازم را از محکمه مربوطه خواسته میتواند.

ماده ۷۷ - مسئولیتی که از عدم دارائی دفاتر ضروریه تجاریه و عدم ترتیب قانونی آن تولید میشود راساً بخود صاحب تجارت خانه عائد است و تاجر نمیتواند این قصور را بدوش دیگری افکنده خود را از مسئولیت بری سازد.

ماده ۷۸ - اگر دفاتر ضروریه تجاریه در اثر واقعاتی مانند حریق و آفات دیگری در ظرف مدتیکه محافظت آن مجبوری است ضایع شود لازم است کیفیت ضیاع در ظرف یکماه از طرف تاجر و یا وکیل او به محکمه مربوطه اخبار گردد. اگر محکمه درباره صحت ضیاع بعد از تحقیق قناعت حاصل کند به شخص مراجعت کننده تصدیق لازم را اعطا خواهد نمود.

ماده ۷۹ - در اختلافاتیکه بین تجار راجع بمعامله تجارتی پیدا میشود دفاتر قانونی تجارتی را میتوان در دایره شرایطیکه در مواد (۸۰ و ۸۴) تعیین شده است بحیث وسایل ثبوت قبول نمود.

ماده ۸۰ - مندرجات دفاتر قانونی تجارتی خواه باحکام قانون مطابق باشد خواه نباشد علیه صاحب آن و یا خلف آن و یا خلف اخیر الذکر دلیل شده می تواند مندرجاتی که بر له تاجر باشد در صورتیکه دفاتر تجاریه مطابق قانون ترتیب شده باشد معتبر میباشد. ماده ۸۱ - اگر مندرجات دفتر تاجری مطابق اصول بوده مخالف مندرجات دفتر یا اسناد تاجر دیگری باشد غیر حقیقی بودن هر یکی از آن به وثایق و دلایل معتبره با ثبات برسد قوه اثباتیه دفتر و اسناد ساقط میگردد.

ماده ۸۲ - اگر دفتر یکی از طرفین قانوناً منظم بوده دفتر طرف مقابل باصول موافق نباشد و یا هیچ دفتر نداشته باشد و یا نخواهد دفتر خود را ارائه دهد مندرجات دفتر تاجر اول الذکر علیه طرف مقابل دلیل شده میتواند لیکن اگر طرف مقابل ضد مندرجاتی را که بر علیه او استناد شده یا وثایق معتبره اثبات نموده بتواند مندرجات مستنده قوه اثباتیه خود را می بازد.

ماده ۸۳ - اگر یکی از طرفین مندرجات دفاتر تجاریه خصم را در حضور محکمه قبول کند در صورتیکه خصم از ارائه دفتر تجاریه خود امتناع ورزد محکمه میتواند در حق طرفیکه طالب ارائه است بقناعت خود فیصله بدهد.

ماده ۸۴ - زمانیکه محکمه مندرجات دفتر تجاریه را موافق اصول دیده بر له صاحب آن دلیل بگیرد میتواند بجهت اکمال قناعت وجدانی راجع بصحت مندرجات مذکوره و واجب الادا بودن حق مدعی بر ذمه مدعی علیه یک تحقیقات ضمنی مزید را اجرا و بعد از حصول قناعت فیصله لازم را بدهد. تحقیقات ضمنی محکمه به هیچوجه نباید بیش از ۱۵ روز طول بکشد.



## فصل هشتم

### نمایندگان تجار

ماده ۸۵ - کسیکه در محل اجرای تجارت یک تاجر و یا در یک محل دیگر مربوط بامور تجاری او از طرف تاجر بکار تجارت مکلف باشد نماینده تاجر گفته میشود.

ماده ۸۶ - تاجر تنها در حدود دایره اجازه که به نماینده خود داده باشد از معاملات و عقد مقاولات نماینده خویش مسئول میباشد و اگر نماینده مذکور را تاجر متعدد استخدام نموده باشند هر یک بنوبه خود مسئول میباشند و اگر نماینده از جانب شرکت تجاریه گماشته شده باشد مسئولیت شرکاء نظر به نوعیت شرکت تعیین میشود.

ماده ۸۷ - حق نمایندگی که بیک نماینده داده میشود یا صریح میباشد و یا ضمنی ورقه که متضمن نمایندگی صریح باشد در دایره ثبت محلی که در آن جا نماینده اجرای تجارت مینماید ثبت و اعلان میشود و در صورت عدم اجرای این مراسم احکام ماده (۸۸) تطبیق میگردد.

ماده ۸۸ - حق نمایندگی که بیک نماینده ضمناً داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث غیر حدود دانسته میشود و به نسبت هر نوع تجارتی که داده شده باشد تمام معاملاتی را که در ضمن آن تجارت اجرا میشود در بر میگیرد اگر نماینده با اشخاص ثالث اجرای معاملات نموده باشد و تاجر اثبات نموده نتواند که اشخاص ثالث از محدودیت حق نمایندگی او در زمان اجرای معامله اطلاع داشتند ادعای تاجر در باب - محدودیت نمایندگی نماینده مذکور بمقابل اشخاص ثالث معتبر نیست.

ماده ۸۹ - اگر نماینده دائماً بنام آمر خود یعنی صاحب تجارتخانه اجرای معامله میکند باید در اثنای امضاء نمودن در پهلوی اسم و شهرت خود اسم تاجر و شهرت او یا عنوان شرکت را بنویسد و کلمه (وکالتا) و یا معادل آن کلمه دیگری را علاوه کند. در حالیکه احکام این فقره را ایفاء نکند نماینده از معاملاتی که اجرا نموده شخصاً مسئول میشود و لیکن اگر اشخاص دیگر راجع به تجارتی که باو سپرده شده است معامله بکنند میتوانند عندالموقع بر علیه آمر نیز دعوی نمایند.

ماده ۹۰ - شخصی که بدون داشتن حق نمایندگی بصفهت نماینده یک تاجر اجرای معامله کند و تاجر معامله او را تصدیق ننماید مجبور به جبران خساره میباشد که ازین رهگذر بشخص ثالث صاحب حسن نیت وارد شود.

ماده ۹۱ - نماینده بدون موافقه صریح آمر خود نمیتواند به حساب خود یا دیگر شخصاً و یا بالاشتراک هیچیک معامله تجاریه را اجراء کند. نماینده که مخالف این حکم رفتار میکند اگر ضرری از معاملات او تولید شود مجبور به جبران خساره میباشد و در صورت منفعت تاجر میتواند منافع معاملات او را تملک کند.

ماده ۹۲ - سلب و یا تحدید حق نمایندگی صریح - تابع ثبت و اعلان است.

ماده ۹۳ - نماینده راجع به معاملات تجاریه که باو مفوض میباشد مانند قروض و غیره میتواند بنام آمر خود در محکمه اقامه دعوی کند و همچنان اقامه دعوی بر علیه نماینده نیز جائز است.

ماده ۹۴ - احکام این فصل بر نمایندگان تجارخانه ها و شرکتهای خارج که در داخل مملکت افغانستان بنام و حساب آنها اجرای معامله کنند نیز قابل تطبیق است.

## فصل نهم

### نمایندگان سیار تجاری

ماده ۹۵ - مستخدمی که برای اجرای معاملات تجاری یک تاجر به توسط مکتوب یا اعلان یا متحد المال یا وثایق دیگری مثل آن از طرف تاجر مجاز گردیده بمحل دیگر اعزام میگردند نمایندگان سیار تجاری گفته میشوند و آمرین شان از نتایجیکه در دایره ماذونیت ایشان از معاملات تجاریه متولد میشود مسئول میباشند.

ماده ۹۶ - احکام ماده (۸۹) به نمایندگان سیار تجاری نیز تطبیق میشود. لیکن زمانیکه این نمایندگان معاملاتی را اجرا کرده اند بخواهند امضاء کنند نمی توانند کلمه وکالتاً یا معادل آنرا استعمال نمایند بلکه مجبور اند فقط اسمای آمرین خود را درج کنند.

ماده ۹۷ - نمایندگان سیار تجارتي طوریکه اجازه ندارند بدل اموالی را که شخصا تسلیم نه نموده اند قبض کنند همچنان نمی توانند قیمت را تاخیر و یا مبلغ آنرا تنزیل بدهند ولی میتواند پیشنهاداتی را که بنام آمرین شان واقع شده باشد بنام ایشان قبولی و تدابیری را که برای حفظ منافع آمرین شان باشد اتخاذ کنند.

#### فصل دهم

##### مامورین فروش

ماده ۹۸ - اشخاصیکه در تجارتخانه ها مجاز بفروش اموال عمده و پرچون باشد مامورین فروش نامیده میشوند. مامورین فروش حق دارند قیمت اموالی را که در داخل شعبه فروش میفروشند مطالبه و اخذ نمایند در صورتیکه صلاحیت اخذ قیمت به (کسه) داده نشده باشد مامورین فروش تا تصدیقنامه و اجازه رسمی به امضای آمرین و صاحبان تجارتخانه نداشته باشند نمیتوانند در خارج تجارتخانه مطالبه و یا اخذ قیمت اموال را بنمایند.

#### فصل یازدهم

##### دلالی

ماده ۹۹ - اشخاصیکه بالمقاوله اجیر خاص هیچ یک از طرفین نبوده و در عقد مقاولات مروجه تجارتي فقط بالمقابل اجرت بین عاقدین وساطت و باین صورت تسهیل عقد معاملات تجاریه را برای خود پیشه اتخاذ نماید دلال نامیده میشود دلالاتها دارای حقوق مندرجه این فصل و تکالیف آن میباشد.

ماده ۱۰۰ - بجز در صورتیکه عاقدین از ترتیب سته صرف نظر کنند و یا نظر به جنس امتعه بنا بر عرف محلی لزوم ترتیب آن محسوس نشود دلال مجبور است که بعد از اجرای معامله بدون معطلی سته های سند) را حاوی اسامی و شهرت کامله عاقدین موضوع و شرایط مقاوله نوع و مقدار قیمت و زمان تسلیم امتعه موضوع مقاوله را بامضاء خود بطرفین اعطا کند.

ماده ۱۰۱ - درباره معاملاتیکه اجرای آن فوراً مشروط نباشد باید سته به امضاء طرفین عاقدین رسانیده شده و سته امضاء شده یکی از طرفین بطرف مقابل اعطاء شود در حالیکه یکی از طرفین از قبول و یا امضای سته استنکاف ورزد دلال فوراً بطرف مقابل واقعه را ابلاغ خواهد نمود.

ماده ۱۰۲ - دلال درباره صحت امضای طرفین که در اوراق معامله که توسط او واقع شده و همچنان از صحت امضای ظهر نویس اخیر که در هر نوع اسنادات محرر بامر باشد مسئول است.

ماده ۱۰۳ - دلالی که معامله بواسطه او اجرا میشود اگر سته را طوری ترتیب کند که معرفی یکطرف به طرف مقابل به آتیه موقوف گذاشته شده باشد درین صورت اگر طرف مقابل سته را قبول کند و بعداً طرف معلوم گردید و اعتراضات جدید هم واقع نشده باشد طرفی که سته را قبول نموده است بعقد واقعی یابند میگردد مدتیکه برای معلوم شدن طرف مجهول لازم است از روی عرف محلی و اگر چنین عرف وجود نداشته باشد مطابق ایجاب حال تعیین میگردد.

اگر طرف مجهول در مدت معینه معلوم نشود و یا معلوم شود بر علیه او اعتراضات جدید بعمل آید طرفی که سته را قبول نموده است حق دارد اجرای معامله را از شخص دلال طلب و بر علیه او دعوی کند. معهداً اگر در اثر مراجعه دلال فوراً از حق مذکور در اجرای معامله استفاده نمیکند بعد از آن دعوی او مسموع نیست. در صورتیکه دلال آن معامله را بالذات خودش ایفاء نموده باشد حقوقیکه از رهگذر عقد معامله عاید بطرف دیگر است بخودش منتقل میشود.

ماده ۱۰۴ - دلال مجبور است نمونه هر یک از امتعه را که مطابق نمونه ذریعه او فروخته میشود تا وقتی نزد خود محافظه نماید که معامله ختم گردد.

اگر طرفین از محافظت نمونه صراحتاً صرف نظر کنند و یا نظر به جنس امتعه بنا بر عرف محلی لزوم حس نشود دلال میتواند از محافظه نمونه مودوعه صرف نظر کند دلال برای اینکه بالاخره اتمام حجت نموده بتواند باید نمونه مورد معامله را نشانی نماید.

ماده ۱۰۵ - دلال برای قبول قیمت و یا جنس که در مقابله تصریح شده است صلاحیت ندارد.

ماده ۱۰۶ - دلال مکلف است مانند یک تاجر مدبر و راستکار حرکت نماید.

نسبت به خساراتیکه از غفلت او نشئت کند نزد هر یکی از طرفین مسئول میباشد.

ماده ۱۰۷ - طرفداری دلال از یک جانب باندازه که محل بیطرفی شود و یا انتفاع از جانب دیگر با سوء نیت حق مطالبه اجرت و مصارف دلالی را ساقط میسازد.

ماده ۱۰۸ - دلال متعاقب انعقاد معامله و یا اگر عقد مقید بر کدام شرط بوده و متعاقب تحقق شرط سته آن معامله را تسلیم نموده باشد حق طلب اجرت خود را دارد. این حق او از روز عقد معامله تا یکسال اعتبار دارد اگر معامله منعقد نشود و یا شرط معلقه تحقق نه نماید دلال نمی تواند از تشبثاتی که در آن باره نموده است اجرت طلب کند.

ماده ۱۰۹ - اندازه اجرت دلالی از روی مقاولات و مقررات و در صورت عدم آن نظر بعرف محلی تعیین میگردد.

ماده ۱۱۰ - اگر تادیه مصارف معقول از طرف دلال مشروط به نتیجه معامله نباشد دلال حق مطالبه آنرا دارد.

ماده ۱۱۱ - اگر طرفین راجع باجرت مقابله ننموده باشند و بر طرفین مقررات هم معین نباشد که اجرت را کدام یک متحمل شود از روی عرف محلی فیصله می شود در صورت فقدان چنین عرف لازم است طرفین بطور منصفه به پردازند.

ماده ۱۱۲ - دلال مجبور است معاملاتیرا که بوساطت او اجرا میشود هر روزه بترتیب تاریخ و هدایت ماده (۱۰۰) درج روزنامهچه کند هر معامله که درج میگردد هر روزه از طرف دلال امضاء می شود. احکام موادیکه راجع بطرز درج کردن و محافظه روزنامهچه تجاریه است درباره روزنامهچه دلال نیز جاری است راجع بمعامله که دلال در آن توسط نموده باشد مجبور است هر وقت که طرفین تقاضا کنند نقل روزنامهچه خود را که حاوی معامله مذکوره باشد بامضای خود بایشان بدهد.

ماده ۱۱۳ - محکمه برای اثبات خصوصیات دعوی میتواند نقل یا اصل سته و اوراق مثبته دیگر و روزنامهچه دلال را مطالبه کند.

ماده ۱۱۴ - دلایکه راجع به طرز درج و محافظه روزنامهچه خود مخالف احکام قانون حرکت کند به جزای نقدی محکوم میشود.

ماده ۱۱۵ - درباره اشخاصیکه بین تجار کوچک دلالی میکنند احکام عاید بسته و روزنامهچه که درین فصل مذکور است تطبیق نمیشود.

## شرکتهای تجارتي

### فصل اول

#### احکام عمومی

ماده ۱۱۶ - شرکت های تجارتي عبارت از اشتراک اشخاص است که به مقصد اجرای معاملات تجاریه در موضوع واحد یا متعدد به وجود می آید.

ماده ۱۱۷ - شرکت های تجارتي به انواع ذیل است:

الف - شرکت تضامنی (کولکتیف)

ب - شرکت تضامنی (کومانذیت)

ج - شرکت محدود المسئولیت (لیمیتد)

د - شرکت سهامی (انونیم)

ه - شرکت تعاونی (کوپراتیف)

ماده ۱۱۸ - شرکتهای تجارتي دارای شخصیت حقوقیه میباشد. بنابراین میتوانند در تحت عناوین خود به عقد مقاولات و اجرای معاملات پرداخته صفت داین و مدیون را اکتساب نمایند و نیز میتوانند باین صفت در محاکم اثبات وجود کنند و اموال منقول و غیر منقول را تصرف نمایند.

ماده ۱۱۹- موادیکه در شرکتهای تجارتي سرمايه شناخته ميشود قرار ذيل است:

الف - اموال منقول مادي مانند نفوذ اشياء حيوانات.

ب - اموال منقول غير مادي از قبيل امتياز - حق اختراع - اجازه نامه هاي مارک(تجارتي - صنعتي).

ج - هر گونه اموال غير منقول

د - منافع و حق استعمال اموال غير منقول و منقول

هـ - سعي و عمل

و - اعتبار تجارتي

ز - تجارت خانه

ماده ۱۲۰- تاسيسات حق کرايه اسم و عنوان - حق اختراع - مارک تجارتي و غيره از قبيل رسم و مودل هائیکه براي اجرائي صنعت تجارتي خدمت مي کند از عناصر تجارت خانه محسوب است.

ماده ۱۲۱- هر شريك بموجب تعهدیکه راجع بتاديه سرمايه بشرکت نموده در مقابل شرکت مدیون و مسئول است لذا شريکی که سرمايه متعهد خود را بشرکت در موعده معينه نه پردازد مسئول جبران ضرر و جبران خساره ايست که ازین رهگذر بشرکت عايد ميگردد.

ماده ۱۲۲- سرمايه که در ادای آن تاخير واقع شده اگر از قبيل سرمايه نقدي باشد بر علاوه جبران خساره عايده که در ماده ۱۲۱ ذکر شده از روز لازم التاديه بودن آن تاجر به تاديه تکت پولي قانوني مجبور است.

ماده ۱۲۳- اگر شريکی عوض سرمايه که بشرکت تعهد کرده است طلباتي را که بالای اشخاص دارد بشرکت حواله نمايد تا تحصيل طلبات از طرف شرکت بری الذمه شده نمی تواند. اگر طلبات مذکور موجب باشد در حالیکه بر خلاف آن مقاله موجود نباشد پس از بسر رسيدن موعده و اگر معجل باشد از تاريخ تاسيس شرکت الی مدت یکماه بايد تحصيل شود اگر در ظرف یکماه تحصيل نميگردد هر قدر روزیکه اضافه از آن بگذرد مجبور به تاديه تکت پولي است اگر یک قسمت طلبات تحصيل شده باشد راجع به قسمت متبقي همين حکم مدار اعتبار است.

ماده ۱۲۴- قيمت اشياءیکه به صورت سرمايه آورده می شود در مقاله بايد تعين شود اگر تعين نشده باشد قيمتي که در روز دادن اشياء در بازار يا بورس جاری است معتبر خواهد بود و در صورتیکه اشيا در بورس و بازار قيمت جاریه نداشته باشد قيمتي که از طرف اهل خبره تعين ميگردد نزد جانبين معتبر شمرده ميشود.

ماده ۱۲۵- ملکيت اموالیکه به صورت سرمايه آورده می شود اگر خلاف آن در مقاله حکمی موجود نباشد عايد بشرکت است.

ماده ۱۲۶- راجع به ادعای جبران ضرر و خساره تکت پولي که در مواد (۱۲۱ - ۱۲۲ - ۱۲۳) بيان شده اطلاع قبلي بجانب مقابل ضروري نيست اين مدعيات مانع حق فسخ شرکاء که در ماده (۱۷۵) مقرر شده نمی باشد.

ماده ۱۲۷- هر شريك موظف است که در اثنای رسيدگی بامور شرکت مثل امور شخصی خود با نهايت حسن نيت و دقت و بصيرت رفتار نمايد.

ماده ۱۲۸- هيچ يکی از شرکاء به نسبت کار خود از شرکت حق طلب اجرت را ندارد. ولی اگر در مقاله اخذ اجرت مقرر شده باشد مانعی نخواهد داشت که اجرت بگيرد.

ماده ۱۲۹- هر شريك مسئول و ضامن ضرري است که بحيله - خدعه - و تجاوز از صلاحيت و يا اهمال وظيفه خویش بشرکت وارد نموده باشد و اين ضرر را نمی توان با منافعیکه شريك مذکور در امور ديگر بشرکت تامين نموده باشد مجرا نمود.

ماده ۱۳۰- اجرتی که به مامورين و مستخدمين شرکت در مقابل خدمت ايشان پرداخته ميشود اگر تاديه آن قسماً و يا تماماً بصورت اشتراک در نفع مقرر شده باشد اين وضعيت بايشان صفت شريك را نمی بخشد.

ماده ۱۳۱- اگر صورت تقسيم نفع و ضرر در مقاله شرکت تصريح نگردیده باشد نفع و ضرر هر شريك به تناسب حصه سرمايه تقسيم ميشود.

ماده ۱۳۲ - اگر در مقاوله تنها صورت تقسیم نفع تعیین و از طرز تقسیم ضرر بحث نشده باشد ضرر هم مانند نفع تقسیم میشود اگر از تقسیم ضرر بحث شده صورت تقسیم نفع مسکوت عنه گذاشته شده باشد نفع هم مانند ضرر تقسیم میشود.

ماده ۱۳۳ - اگر در مقاوله شرکت نفع شرکت تنها بیکی و یا چندی از شرکاء در ضرر شرکت درج باشد شرط مذکور کان لم یکن است درین حال صورت تقسیم مجهول شمرده شده نفع و ضرر بموجب ماده (۱۳۱) در بین شرکاء تقسیم میگردد. تنها راجع به شریکی که مساعی خود را بحیث سرمایه بشرکت آورده و عدم اشتراک آن بضرر شرکت در مقاوله مشروط باشد این شرط معتبر است.

ماده ۱۳۴ - اگر یک شرکت از اختتام موعد معینه خود زیادتیر دوام کند چنان اعتبار داده میشود که دوام آن برای یک مدت غیر معین تمدید شده است.

## فصل دوم

### شرکت های تضامنی

#### حصه اول

ماده ۱۳۵ - شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت عنوان معین برای امور تجاری بین دو یا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل میشود. اگر دارائی شرکت برای تادیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکاء مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است.

ماده ۱۳۶ - شرکت های تضامنی باید دارای قرارداد تحریری باشند.

ماده ۱۳۷ - در قرارداد شرکت های تضامنی فقرات ذیل درج می شود.

- ۱- تاریخ قرارداد.
- ۲- اسم - شهرت - اقامتگاه و دیگر اوصاف ممیزه شرکاء اگر شرکت دیگری بشرکت داخل شده باشد عنوان شرکت مذکور.
- ۳- مرکز تجارت شرکت
- ۴- تضامنی بودن شرکت
- ۵- عنوان شرکت
- ۶- اسامی شرکائیکه بنام شرکت حایز صلاحیت امضاء میباشند با تصریح اینکه منفرداً و یا مشترکاً صلاحیت امضا را دارند.
- ۷- موضوع شرکت
- ۸- حصه سرمایه را که هر شریک تعهد کرده و قیمت های تخمینی قسمت سرمایه غیر نقدی با صورت تعیین قیمت آن.
- ۹- حصه اشتراک هر شریک در نفع و ضرر.
- ۱۰- تاریخ تاسیس و ختم شرکت علاوه ازین شرکاء میتوانند فقرات دیگری را که مفید بدانند هم در قرارداد درج کنند.

ماده ۱۳۸ - اشخاصیکه شرکت تضامنی را تشکیل میدهند مجبور اند که یک نقل قرارداد شرکت را از روز تشکیل شرکت تا یکماه در محلیکه مرکز شرکت واقع است به دایره ثبت تجارت ثبت و اعلان کنند.

ماده ۱۳۹ - شرکت تضامنی اگر خارج از حوزه محکمه ثبت تجارت خود شعبه تاسیس کند باید خصوصیات قرار داد خود را در دایره ثبت محل تاسیس شعبه نیز به ثبت برساند.

ماده ۱۴۰ - اگر در یک شرکت تضامنی بعد از ثبت و اعلان تبدلاتی در عنوان و اقامتگاه و یا موضوع تولید شود و یا شرکائیکه صلاحیت امضاء دارند تغییر نمایند و یا بعضی از شرکاء از شرکت خارج یا بعض شرکای دیگری داخل شوند و یا سرمایه شرکت تزئید و یا تنقیص شود و یا قبل از انقضای مدت معینه قرارداد شرکت منحل و یا بعد از انقضای مدت تمدید گردد و یا با شرکت دیگری ملحق شود راجع به این خصوصیات از طرف شرکت یک بیان نامه که بامضای تمام شرکاء رسیده باشد ترتیب و با اسنادیکه مثبت این تعدیلات است بعد از تصدیق محکمه مربوطه ثبت و اعلان میشود.

ماده ۱۴۱ - خصوصیاتیکه به موجب مواد (۱۳۸ - ۱۳۹ - و ۱۴۰) ثبت و اعلان آنها مقتضی است اگر از طرف شرکاء ثبت و اعلان

نشده باشد این خصوصیات را نمی توان بر علیه اشخاص ثالث استعمال نمود قبل از ثبت و اعلان اگر بنام شرکت به معاملات مبادرت ورزیده شده باشد شرکت بمقابل اشخاص ثالث مسئول است در صورتیکه مراتب ثبت و اعلان شرکت از طرف شرکاء اجرا نگردیده باشد و شرکاء از وجود شرکت انکار ورزند اشخاص ثالث میتوانند که با هر نوع بینه و قرائن وجود شرکت را اثبات کنند. ماده ۱۴۲ - اگر ثبت و اعلان یک شرکت تضامنی در ظرف مدتیکه در ماده ۱۳۸ ذکر شده اجرا نگردیده و بعداً هم ثبت نشده باشد هر یکی از شرکاء حق دارد انحلال شرکت را از محکمه مربوطه مطالبه کند شریک طالب انحلال بایست اولاً توسط شعبه ثبت کیفیت را بشرکاء اخبار نماید در حالیکه محکمه به انحلال شرکت قرار دهد حکم انحلال درباره شریک طالب انحلال از تاریخ اعلان جریان می یابد اگر شرکت بدین سبب منحل میگردد تا ختم ثبت و اعلان انحلال معاملاتیکه بنام شرکت اجراء میگردد بحقوق اشخاص ثالث خلل وارد نمی سازد.

#### حصه دوم

#### مناسبات بین شرکاء

ماده ۱۴۳ - در مناسبات بین شرکاء شرکت تضامنی مقررات مقوله معتبر است. و در خصوصیاتیکه صراحتاً و یا ضمناً در قرار داد مندرج نباشد احکام این فصل تطبیق میگردد. ماده ۱۴۴ - اداره شرکت را بموجب قرارداد و اگر در قرارداد صراحتی موجود نباشد بموجب اکثریت آرای شرکاء میتوان بیکی و یا چندی و یا تمام شرکا و یا خارج شرکت به شخصی و یا اشخاص متعدد تفویض نمود اگر حق اداره مطابق مقررات فوق بکسی داده نشده باشد برای اداره شرکت هر یکی از شرکاء صلاحیت دار شمرده میشود. ماده ۱۴۵ - وقتیکه صلاحیت اداره مدیر بموجب قرارداد شرکت تعیین شود شرکاء نمیتوانند آنرا محدود و یا مدیر را عزل کنند. اگر اسباب محققه موجود شود در اثر خواهش یکی از شرکاء با قرار محکمه صلاحیت اداره، تحدید و یا مدیر عزل شده میتواند مقصد از اسباب محققه اهمال و غفلت بزرگ مدیر در ایفای وظیفه و یا عدم اقتدار در امور اداره است. ماده ۱۴۶ - مدیریکه بموجب تصویب بعد از تحریر قرارداد تعیین شده باشد با اکثریت آراء شرکا عزل شده میتواند اگر برای عزل آن اکثریت آراء شرکاء حاصل نشود هر شریک حق دارد به محکمه مراجعه و با اسباب محققه عزل آنرا مطالبه کند. ماده ۱۴۷ - اگر اداره امور شرکت به تمام و یا چندی از شرکاء تفویض شده باشد هر یکی از ایشان منفرداً بآراء اداره امور شرکت مجاز است اگر بعضی از شرکائیکه مکلف بآراء اداره شرکت میباشد راجع با اجرای کدام معامله مخالفت کنند شرکاء دیگر که حق اداره شرکت را حایز میباشد میتوانند با اکثریت آراء معامله مذکور را اجرا کنند اگر در مقوله شرکت مصرح باشد که قرار شرکائیکه به اداره شرکت مکلف هستند باید بالاتفاق باشد باستثنای احوالیکه در تاخیر آن خطر ملحوظ است در هر امر اتفاق آراء لازم است در حالیکه بین مدیران اتفاق آراء حاصل نشود کیفیت به هیئت عمومی شرکاء تقدیم و تصویبیکه هیئت عمومی میدهد معتبر میباشد.

ماده ۱۴۸ - اموریکه بآراء شرکاء مربوط است عبارت از امور و معاملات عادی میباشد که اجرای آن برای مقصد و موضوع شرکت مقتضی است مدیر در صورتیکه برای شرکت فایده ملاحظه کند در مصالحه و حکمیت هم مجاز میباشد مگر معاملات مهم امثال اعانه بیع و انتقال اموال غیر منقول و ضمانت که خارج از معاملات عادی است به اتفاق شرکاء اجراء میگردد. ماده ۱۴۹ - اگر یک شریک از شرکت استقراض نموده و یا مبلغی را بنام شرکت تحصیل کرده باشد (در صورتیکه بر خلاف آن قرارداد موجود نباشد) و در زمان مناسب تادیه و تسلیم ننمایند علاوه از تادیه اصل پول مجبور به اعطای تکت پولی ایام معطلی نیز میباشد.

ماده ۱۵۰ - هیچ یکی از شرکاء نمیتواند بدون موافقه شرکاء دیگر حصه خود را به شخص خارج شرکت قسماً و یا کلیتاً منتقل سازد در صورت انتقال در مقابل شرکاء و اشخاص ثالث تاثیری ندارد و مسئولیت ناشیه از این عمل تنها به نقل دهنده راجعست. ماده ۱۵۱ - شریکی که در اداره شرکت مامور باشد بدون رضا و موافقت شرکای دیگر نمیتواند شخص دیگری را بصفت شریک در

شرکت داخل و یا عوض خود در اداره منصوب نمایند.

ماده ۱۵۲ - اگر در قرارداد تشکیل شرکت برای سرمایه تادیه شده شرط تادیه تکت پولی موجود باشد این شرط معتبر است.

ماده ۱۵۳ - مدت شرکت تاحیات شرکاء معتبر شمرده میشود. مگر اینکه در قرارداد طور دیگری تعیین گردیده باشد معهداً شرکتی که مدت آن غیر معین است اگر نظر بماهیت کاریکه موضوع اشتغال آنرا تشکیل میدهد مدت دوام آن قابل تحدید باشد شرکت مذکور تا انجام آن کار معتبر شمرده میشود.

ماده ۱۵۴ - یک شریک اگر مدیر هم نباشد حق دارد که از جریان امور شرکت و وضعیت مالی آن معلومات بگیرد. قراردادیکه این حق را ساقط نماید معتبر نیست.

ماده ۱۵۵ - تصویبات راجع به تبدیل و تعدیل قرارداد به اتفاق آرا شرکاء و در تصویب باقی امور اکثریت آرای شرکاء معتبر است مگر اینکه در قرار داد دیگر مقرر شده باشد.

ماده ۱۵۶ - مدیر در انتهای سنه حسابیه شرکت باساس بیلانس حسابات نفع و ضرر را ترتیب و مطابق آن حصه هر شریک را تعیین مینماید.

ماده ۱۵۷ - یک شریک را نمی توان بدون اتفاق شرکاء به اکمال حصه ئیکه از تناقص سرمایه باو تعلق میگیرد مجبور نمود ولی اگر در قرار داد طور دیگری مقرر نشده باشد مقدار تناقص سرمایه شرکاء از مفاد سال های آتیه تکمیل شده میتواند.

ماده ۱۵۸ - شریک نمیتواند معامله جداگانه را از نوع معامله تجاریه شرکتی که عضو آنست (بدون موافقه شرکاء) بحساب خود و یا دیگری اجرا کند. بهمین صورت در شرکت دیگریکه به عین همان معامله تجاری مشغول باشد بصفت عضو مسئول نیز داخل شده نمیتواند. اگر شرکای یک شرکت جدید التاسیس مطلع شوند که یکی از شرکاء در حین داخل شدن بشرکت بحیث عضو مسئول دریک شرکت دیگر شامل است در اینحال اگر شرکاء صراحتاً راجع به قطع رابطه عضویت او از شرکت دیگر تصویبی نکنند چنان محسوب میشود که اشتراک او در شرکت دیگر مورد قبول واقع شده است.

ماده ۱۵۹ - اگر یک شریک مخالف حکم ماده (۱۵۸) حرکت کند شرکت میتواند که از شریک مذکور طلب خسارت کند و یا در عوض خسارات معاملاتی را که شریک مذکور بنام خود و یا اشخاص ثالث اجرا کرده است بنام شرکت حساب کند. ترجیح یکی ازین دو مطالب موقوف بر فیصله شرکاء است. اگر شرکاء بعد از حصول اطلاع از شرکت شریک بشرکت دیگری و یا انجام معاملات او بعد از مرور ششماه اعتراض نمایند حق اعتراض شان ساقط میشود. استفاده از حق فوق مانع حق مطالبه نسبت به انحلال شرکت نمیشود.

حصه سوم

مناسبات شرکاء با اشخاص ثالث

ماده ۱۶۰ - شرکت تضامنی در مقابل اشخاص ثالث از تاریخ ثبت و اعلان موجود شمرده میشود.

ماده ۱۶۱ - حق تمثیل شرکت بمقابل شرکاء و اشخاص ثالث متعلق باشخاصی است که واجد صلاحیت اداره میباشند. مگر اینکه در قرار دادیکه ثبت و اعلان گردیده بر خلاف آن شده باشند.

ماده ۱۶۲ - شخصیکه صلاحیت تمثیل شرکت را داشته باشد میتواند بنام شرکت هرگونه معاملات حقوقیه را اجرا و بنام شرکت امضاء نماید هر شرطیکه این حق را تحدید نماید درباره اشخاص ثالث (صاحب حسن نیت) معتبر نیست. لکن اگر در قرارداد شرکت که ثبت و اعلان گردیده است اعتبار امضای شرکای متعدد بنام شرکت شرط گذاشته شده باشد این شرط معتبر است. ماده ۱۶۳ - در معاملاتیکه از طرف مدیران بنام شرکت بعمل آمده باشد شرکت صفت دائن و مدیون را اکتساب مینمایند. این معاملات بنام شرکت چه صراحتاً واقع شده باشد چه ضمناً فرق ندارد.

ماده ۱۶۴ - شرکاء از دیون و تعهدات شرکت جمعاً و با تمام دارائی خود مسئول اند که مخالف این اساس باشد (بمقابل اشخاص ثالث) معتبر نیست.

ماده ۱۶۵ - به نسبت دین و تعهدات شرکت اقامه دعوی اولاً بر علیه خود شرکت میشود اگر شرکت منحل گردیده و یا از تعقیبات قانونیکه بر علیه شرکت اجراء شده باشد کدام ثمره حاصل نشود بر علیه شرکاء هم اقامه دعوی میشود در عین حال دائن میتواند ذریعه محکمه ادعای تحت مراقبت گرفتن اموال شخص شرکاء را بنماید.

ماده ۱۶۶ - فیصله که از محکمه خاص بر علیه شرکت صادر شود درباره شرکاء تطبیق نخواهد شد.

ماده ۱۶۷ - در صورت تصفیه و یا افلاس شرکت تضامنی دائنین شرکت در اخذ حقوق خود از دائنین شخصی شرکاء مقدم میباشند.

ماده ۱۶۸ - افلاس شرکت موجب افلاس شرکاء محسوب نمیشود لیکن در صورتیکه دارائی شرکت مفلس طلبات دائنین شرکت را کفایت نکند دائنین میتوانند باقی طلبات خود را از شرکاء مطالبه کنند و اگر دارائی شرکاء نیز طلبات دائنین را کفایت نکند محکمه میتواند حکم بر افلاس شرکاء صادر نماید. در بین دائنین شخصی کسانیکه قانوناً حق ترجیحی دارند در استفاده از دارائی شرکاء هم مقدم میباشند.

ماده ۱۶۹ - شرکاء از بابت سرمایه خود نمیتوانند از دارائی شرکت مفلس استفاده کنند ولی میتوانند طلبات دیگر خود را مثل دائنین شرکت مطالبه نمایند.

ماده ۱۷۰ - شخص مدیون شرکت نمیتواند دین خود را با طلبی که بالای یکی از شرکاء دارد مجرا کند. همچنین یکی از شرکاء هم نمیتواند که دین خود را که در نزد شرکت دارد با طلبی که در نزد مدیون شرکت دار است مجرا نماید لیکن دائن شرکت اگر بموجب مواد (۱۶۵ - ۱۶۸) از شرکت باستحصال طلب موفق نگردد و به شرکاء مراجعت کند شریکی که طرف مطالبه دائن واقع میشود اگر از دائن مذکور طلبی داشته باشد ممکن است دین او در مقابل شرکت به مدیونینش در برابر شریک محسوب و مجرا شود.

#### حصه چهارم

راجع به انحلال - تجزیه - اخراج

شرکاء و الحاق بشرکت دیگر

ماده ۱۷۱ - شرکت تضامنی بصورت های ذیل منحل میشود:

۱- با ختم مدت شرکت.

۲- بانفاد شرکاء (در صورتیکه در قرارداد باکثرت آراء تصریح نشده باشد).

۳- در صورت اعلان افلاس از طرف محکمه و یا توافق دائنین و شرکاء در افلاس.

۴- بموجب قرار محکمه مبنی بر اسباب محققه و مهمه که از طرف یک و یا چند نفر شرکاء ادعاء شده باشد.

۵- با انجام یافتن موضوع شرکت.

۶- با اعلام انحلال شرکت از طرف یکی از شرکاء مستند بصلاحت معین که در مقاوله شرکت مندرج باشد.

۷- در شرکتهائیکه مدت آن غیر معین است با اعلام انحلال شرکت از طرف یکی از شرکاء.

۸- در صورت ضیاع دو ثلث سرمایه شرکت (در حالیکه از طرف شرکاء به اکمال سرمایه و یا اکتفاء سرمایه متباقیه تصمیم اتخاذ نشود).

۹ - الحاق بشرکت دیگر.

ماده ۱۷۲- بعد از انحلال شرکت مدیران نمیتوانند بنام و حساب شرکت منحل شده اجراء معامله کنند اگر اجراء کنند مسئولیت متولده از آن بطور غیر محدود بمدیران شرکت راجع میشود تا زمانیکه کیفیت انحلال اصولاً ثبت و اعلان نشود مسئولیت کافه شرکاء در مقابل اشخاص ثالث باقی است.

ماده ۱۷۳- اگر در قرارداد شرکت شرطی باشد که یک یا چند علل موجب انحلال را بی اثر بدانند معتبر است ولی اگر بدون تعیین



بطور مطلق علل و اسباب انحلال را بی اثر دانسته باشد اعتبار ندارد.

ماده ۱۷۴- در شرکتهای که برای مدت غیر معین تاسیس شده باشد هر شریک میتواند که اقلا ششماه قبل از ختم سال معامله شرکاء را بذریعه اطلاعیه که توسط شعبه ثبت صادر میشود اطلاع داده و شرکت را منحل کند.

ماده ۱۷۵- در شرکتهائیکه مدت آنها معین یا غیر معین باشد مطابق خواهش یک شریک بواسطه اسباب محققه محکمه میتواند به انحلال شرکت قرار دهد.

اسباب محققه که موجب انحلال شرکت میگردد قرار ذیل است:

- ۱- عدم امکان وصول به مقصد شرکت بنابر پیش آمدن بعضی علل.
  - ۲- خیانت یک شریک چه در امور اداره و چه در تنظیم حسابات.
  - ۳- عدم ایفای وظایف اصلی که بیک شریک تفویض شده است.
  - ۴- سوء استعمال عنوان و یا اموال شرکت از طرف یک شریک برای منافع شخصی
  - ۵- عدم قابلیت و اهلیت یک شریک در اثر مرض دائمی و یا علل دیگری در اجرای امور شرکت.
- ماده ۱۷۶- برای اینکه تقاضای انحلال به نسبت عدم ایفای تعهد تادیه سرمایه مسموع شده بتواند لازم است بشریکی که این وظیفه را ایفا نکرده قبلا اخطار فرستاده شده باشد.

ماده ۱۷۷- شرکتی که مدت آن معین و یا با حیات یک شریک محدود باشد بعد از فوت شریک و یا انقضاء مدت معین در صورتیکه معاملات ادامه یافته باشد برای مدت غیر معینی متشکل محسوب میشود.

ماده ۱۷۸- اگر در مقابله مندرج باشد که در صورت وفات یا افلاس و یا محجوریت یکی از شرکاء شرکت منحل شمرده میشود وارث متوفی و یاقایم مقام قانونی دارائی مفلس و یا وکیل قانونی محجور بلا تاخیر باید واقعه را بشرکاء تبلیغ کند اگر تاخیر کارها خطری موجود باشد متصدیان قانونی امور شرکت تا وقتیکه شرکاء متفقا تصویب اتخاذ می نمایند با اداره امور شرکت ادامه دهند. بهمین صورت هم هر یک از شرکاء مجبور اند اموری را که به آنها سپرده شده موقتا اجرا نمایند درین صورت تا مدتیکه اداره موقتی دوام کند شرکت موجود شمرده میشود.

ماده ۱۷۹- در صورت وفات یک شریک اگر راجع به دوام شرکت با ورثه متوفی در قرارداد صراحت نباشد شرکاء میتوانند باتفاق ورثه متوفی ادامه کار شرکت را تصویب کنند اگر ورثه از اشتراک آن صرف نظر نمایند دیگر شرکاء میتوانند سرمایه و حقوق آنها را پرداخته بادامه شرکت به پردازند.

ماده ۱۸۰- در صورت وفات یک شریک اگر دوام شرکت بین وارثین متوفی و سایر شرکاء در قرارداد تصریح شده باشد ورثه بدوام و عدم دوام خود به صفت شریک تضامنی در شرکت مختارند و اگر اشتراک خود را بشرکت قبول کنند شرکاء دیگر به قبول آن مجبور اند لیکن اگر ورثه متوفی بودن خود را بصفت شریک تضامنی در شرکت موافقه نمایند میتوانند خواهش نمایند تا باندازه سرمایه و حقوق مورث خود بصفت شریک محدود المسئولیت قبول شوند در قبول ورود این خواهش شرکاء دیگر آزاد هستند.

ماده ۱۸۱- ورثه متوفی مجبورند در ظرف یکماه از تاریخ وفات شمول و عدم شمول خود را به صفت شریک تضامنی در شرکت اظهار نمایند در ظرف مدت مذکور ورثه بصفت شریک محدود المسئولیت در شرکت شناخته میشود اگر بعد از ختم این مدت ورثه بصفت شریک محدود المسئولیت شامل نشده باشند به صفت شریک شناخته میشوند نسبت به ورثه صغار متوفی چه در قرارداد مقرر شده باشد یا نباشند بصفت شریک تضامنی شناخته نمی شود ولی در صورت مطالبه ولی و یا وصی صغیر اگر در دیگر شرکاء قبول کنند بصفت شریک محدود المسئولیت شامل میشوند.

ماده ۱۸۲- در حال محجوریت یکی از شرکاء هم احکام مواد (۱۷۹ الی ۱۸۱) تطبیق میشود.

ماده ۱۸۳- در حال افلاس یکی از شرکاء (در صورتیکه در قرارداد شرکت بدیگر صورت مقرر نشده باشد) شریک مفلس از شرکت اخراج میگردد و درین صورت راجع بحقوق مفلس یا وکیل قانونی او تسویه میشود.

ماده ۱۸۴- اگر به نسبت علیحده متعلق به شخص یک شریک باشد انحلال شرکت تقاضا شده باشد در اثر خواهش شرکاء دیگر

محکمه میتواند پس از تدقیق باخراج شریک مذکور و دوام شرکت قرار خود را صادر نماید.

ماده ۱۸۵ - اگر یکی از شرکاء انحلال شرکتی را که مدت آن غیر معین است تقاضا نماید شرکای دیگر میتوانند انحلال را قبول نکرده آن شریک را اخراج و شرکت را بین خود ادامه بدهند.

ماده ۱۸۶ - در شرکت هائیکه مدت آن معین است اگر یک شریک بااستناد حقوقیکه بموجب ماده (۱۷۵) دارد انحلال شرکت را به توسط دایره ثبت بشرکاء اعلام کند احکام ماده (۱۷۹) درین مورد نیز تطبیق میشود.

ماده ۱۸۷ - اگر شرکت متشکل از دو نفر باشد و یکنفر اخراج گردد محکمه میتواند بموجب خواهش شریک باقیمانده مستند باسباب موجه بدون حکم انحلال و یا تصفیه تمام دارائی و دیون شرکت را بشریک باقیمانده تخصیص بدهد درین صورت درباره شریکی که خارج شده احکام ماده (۱۹۰) تطبیق میگردد.

ماده ۱۸۸ - اگر در یک شرکتی که مرکب از دو نفر باشد دائن شخصی یکی از شرکاء حق انحلال را که بموجب ماده (۱۹۵) حایز است استعمال کند و یا یکی از شرکاء افلاس نماید دیگر میتواند در حدود اجازه ماده (۱۸۷) امور و معاملات شرکت را بحساب خود ادامه بدهد.

ماده ۱۸۹ - اگر انحلال شرکت بنا بر سببی غیر از افلاس باشد تمام شرکاء مکلفند که بموجب ماده (۱۷۴) کیفیت انحلال شرکت را ثبت و اعلان کنند. این حکم در صورت خارج شدن یک شریک از شرکت هم معتبر است اگر انحلال شرکت و یا خروج شریک ناشی از وفات باشد مراسم مذکور از طرف تمام شرکاء با اشتراک ورثه متوفی اجرا میشود.

ماده ۱۹۰ - حصه شریکی که از شرکت اخراج میگردد و یا خود خارج میشود اگر بر خلاف آن در مقاوله صراحتی موجود نباشد از تاریخکه تقاضای اخراج بعمل می آید از دارائی شرکت تعیین میشود.

ماده ۱۹۱ - در صورتیکه بموجب ماده (۱۹۰) حصه شریکی معین شد وجه نقد تادیه میگردد.

ماده ۱۹۲ - حصه شریکی که اخراج میگردد و یا خود طلب خروج میکند اگر وقت تسویه در قرارداد معین باشد در آنوقت و اگر معین نباشد در وقت ترتیب اولین بیلانس که بعد از خروج شریک بعمل می آید تصفیه میگردد.

ماده ۱۹۳ - شریکی که اخراج میگردد و یا خود خارج میشود بحقوق و تکالیفی که از معاملات قبل از خروج بوجود می آید اشتراک میکند ولی نمیتواند اجرای معاملاتی را که قبلاً بان تثبیت شده و شرکاء با کمال آن تصویب کرده اند مانع شود اگر تصفیه امور فوراً ممکن نباشد در اخیر سنه حسابیه میتواند حسابات امور را که در ظرف سال ختم شده طلب کند همچنین میتواند درباره وضعیت معاملات جاریه در ختم سنه حسابیه از شرکا کسب معلومات نماید.

ماده ۱۹۴ - اخراج و یا خروج یک شریک از شرکت در مقابل اشخاص ثالث از تاریخ ثبت و اعلان معتبر است و قبل از تاریخ ثبت و اعلان مسئولیت آن در مقابل اشخاص ثالث باقی است.

ماده ۱۹۵ - دائن شخصی یک شریک در صورتیکه از اموال شخصی مدیون استحصال حق نتواند میتواند عندالتصفیه حصه شریک مدیون را بذریعه محکمه تحت مراقبت گرفته و انحلال شرکت را (مشروط بر اینکه ششماه قبل اخبار نموده باشد) با خیر سنه حسابیه تقاضا نماید. قبل از آنکه درباره انحلال حکم صادر شود شرکت و یا سائر شرکاء میتوانند حق دائن را ادا کرده حکم انحلال را ساقط بنمایند.

ماده ۱۹۶ - اگر دائن شخصی یک شریک مطابق ماده (۱۹۵) حق انحلال را استعمال بکند شرکاء دیگر میتوانند باخراج شریک مدیون راجع بدوام شرکت تصمیم گرفته بدائن ابلاغ نمایند در این صورت شریک مدیون در اخیر سال حسابیه از شرکت اخراج میشود.

ماده ۱۹۷ - دو شرکت و یا شرکتهای متعدد تضامنی میتوانند با یک دیگر ملحق و یک شرکت جدید تضامنی تشکیل کنند و یا بیک شرکت تضامنی موجود ملحق گردند.

ماده ۱۹۸ - برای الحاق شرکتهای تضامنی بایدتصاویر جداگانه از طرف شرکتهای مربوطه بعمل آمده و ثبت و اعلان گردد.

ماده ۱۹۹ - هر یکی از شرکتهای ملحقه مجبور اند بیلانس خود را بصورت متحد الشکل ترتیب و اعلان کند و درعین حال ترتیبی

را که برای تادیه دیون اتخاذ مینمایند تصویب و یا بیلاس ضمیمه نمایند.

ماده ۲۰۰- تصویبی که راجع به الحاق بعمل می آید از تاریخ اعلان تا سه ماه بعد نافذ میگردد.

اگر شرکت های ملحقه دیون خود را تادیه یا مبلغی را که معادل دیون شان باشد بیک معتبری تودیع کنند و یا دائنین بالحق شرکتها راضی شوند لازم نیست که مدت سه ماه انتظار کشیده شود. رسیدیکه در مقابل مبالغ معادل دیون از بانک اخذ میشود نیز باید ثبت و اعلان گردد. هر یکی از دائنین شرکت های ملحقه در ظرف سه ماه در خصوص الحاق به محکمه مربوطه اعتراض کرده میتواند و تا زمانیکه از حق اعتراض صرف نظر نکنند و یا قرار محکمه درباره دائن معترض کسب قطعیت ننماید الحاق صورت نخواهد گرفت.

ماده ۲۰۱- اگر در ظرف مدتیکه در ماده (۲۰۰) تعیین شده است اعتراض واقع نشود معامله الحاق کسب قطعیت مینماید شرکتی که باقی میماند و یا جدید تشکیل میشود قایمقام شرکت سابق بوده کافه حقوق و دیون بان انتقال می یابد. اگر از الحاق شرکتها شرکت جدیدی بوجود آمده باشد ثبت و اعلان آن ضروری است.

#### حصه پنجم

#### تصفیه شرکتهای تضامنی

ماده ۲۰۲- اگر در قرار داد شرکت راجع به تصفیه صراحتی موجود نباشد تصفیه مطابق احکام این قسمت بعمل می آید.

ماده ۲۰۳- تصفیه یک شرکت تضامنی عاید بمامورین تصفیه است که صورت انتخابات آنها در مواد آتیه نشان داده شده است.

ماده ۲۰۴- مامورین تصفیه ممکن است قبلا از طرف شرکاء انتخاب و در قرارداد شرکت درج شود و یا بعدا با تصویب انتخاب شوند همینطور بعد از انحلال هم باتفاق نظر شرکاء میتوانند تعیین شوند در غیر آن تمام شرکاء میتوانند تعیین شوند در غیر آن تمام شرکاء و یا وکیل قانونی ایشان مامور به تصفیه شمرده میشوند در صورت انحلال با مراجعه هر یکی از شرکاء ممکن است مامورین تصفیه از طرف محکمه مربوطه تعیین شود.

ماده ۲۰۵- مامورین تصفیه چه از طرف شرکاء باشد و چه از طرف محکمه ممکن است از بین شرکاء و یا از خارج انتخاب شوند.

ماده ۲۰۶- تعدد مامورین تصفیه مجاز است. اگر حسب مقاله شرکت یا با تصویبی که بعدا بعمل آمده در تصفیه منفردا مجاز نباشند لازم است که متفقا اقدام کنند اگر به اقدام انفرادی مجاز باشند لازم است کیفیت ثبت و اعلان شود.

ماده ۲۰۷- یک مامور تصفیه وظیفه خود را بمامور تصفیه دیگر و یا به شخص ثالث سپرده نمی تواند ولی برای ایفای بعضی امور معاملات معینه میتوانند از بین خود یکی یا چندی را و یا یک شخص ثالث را صلاحیت بدهند.

ماده ۲۰۸- در شرکتی که معاملات آن در حالت تصفیه می باشد ابلاغ و مراجعات از طرف اشخاص ثالث بیکی از مامورین تصفیه کافی است. در موارد یکه برای منافع شرکت وقوع خطری متصور نباشد امور معاملاتی را که یکی از مامورین تصفیه اجرا کند معتبر است.

ماده ۲۰۹- شرکت های تضامنی بعد از انحلال هم الی ختم معاملات تصفیه برای امور تصفیه موجود شناخته میشوند.

ماده ۲۱۰- یک شرکت تضامنی که در حال تصفیه میباشد باید در تمام اوراق و اسنادیکه بنام شرکت تنظیم میگردد جمله (تصفیه شرکت تضامنی ....) علاوه شده و در ذیل مامور و یا مامورین صلاحیت دار تصفیه امضاء نمایند. در غیر آن مسئولیت بشرکت متوجه نخواهد شد.

ماده ۲۱۱- حق رجحان دائنین شرکت تضامنی باموال شرکت بالمقابل دائنین شخصی شرکاء بعد از انحلال شرکت هم محفوظ است.

ماده ۲۱۲- اگر دارائی شرکت در حالت تصفیه کافی برای تسویه دیون آن نباشد و موجبات افلاس موجود گردد محکمه میتواند در چنین حالت حکم بافلاس صادر نماید.

ماده ۲۱۳- اگر مامورین تصفیه بموجب قرارداد شرکت و یا تصویب شرکاء قبل از انحلال از بین خود شرکاء انتخاب شده باشند

باتفاق آراء تمام شرکاء عزل شده میتوانند در صورت عدم حصول اتفاق آراء باثر مراجعه و خواهش هر یکی از شرکاء از طرف محکمه بنابر علل قابل قبول عزل شده میتوانند.

ماده ۲۱۴- مامورین تصفیه که بعد از انحلال از بین شرکاء انتخاب گردیده باشند به اتفاق شرکای دیگر معزول شده میتوانند در صورت عدم حصول اتفاق آراء باثر مراجعه و خواهش هر یکی از شرکاء بااستناد اسباب قابل قبول از طرف محکمه عزل خواهند شد. ماده ۲۱۵- مامورین تصفیه که از شرکاء نبوده مطابق قرار داد شرکت و یا بر حسب تصویب شرکاء انتخاب شده باشند بهر صورت باتفاق شرکاء عزل شده میتوانند در صورتیکه اتفاق شرکاء حاصل نشود باثر مراجعه و خواهش هر یکی از شرکاء از طرف محکمه عزل شده میتواند.

ماده ۲۱۶- مامور تصفیه نیکه از طرف محکمه تعیین شده باشند عزل آن منحصرأ مربوط بمحکمه است.

ماده ۲۱۷- اگر مامورین تصفیه قبلاً انتخاب گردیده باشند در وقت انحلال شرکت و اگر بعد از طرف شرکاء و یا محکمه تعیین گردیده باشند حین انحلال مدیران شرکت را دعوت و باشترک آنها و در صورت عدم اجابت مدیران خود ایشان یک دفتر که حاوی دارائی شرکت باشد با یک بیلانس تنظیم می کنند اگر مامورین تصفیه لازم بدانند می توانند برای تعیین قیمت اموال شرکت به اهل خبره مراجعه کنند بیلانس و دفتر دارائی که تنظیم میشود با حضور مامورین تصفیه از طرف مدیران شرکت امضاء میشود. مامورین تصفیه بعد از امضای دفتر تمام اموال را که در دفتر دارائی مذکور قید است با دیگر اوراق و دفاتر شرکت منحل شده تحت تصرف خود میگیرند.

ماده ۲۱۸- مامورین تصفیه مکلف اند که برای محافظه تمام اموال و حقوق شرکت منحل شده تدابیر لازم را اتخاذ نمایند.

ماده ۲۱۹- مامورین تصفیه معاملاتی را که در زمان دوام شرکت آغاز گردیده ولی هنوز ختم نشده باشد انجام میدهند و دیون و سرمایه تعهدات شرکت را نقداً و اگر دائنین موافقت کنند جنساً تادیه منیامند و طلبات شرکت را تحصیل و دارائی جنسی آنرا به نقد تبدیل می کنند و الحاصل تمام امور و معاملاتی را که برای حصول دارائی شرکت و تقسیم بین شرکاء لازم است اجرا میکنند. ماده ۲۲۰- حق تمثیل شرکتی که در حال تصفیه میباشد در محاکم یا دیگر مقامات بمامورین تصفیه عاید است.

ماده ۲۲۱- مامورین تصفیه نمی توانند یک معامله جدیدی را که از ایجابات تصفیه نباشد اجرا کنند اگر نماینده مسئولیتی که از معامله مذکور نشئت کند کلیتاً بمامورین تصفیه مربوط است.

ماده ۲۲۲- مامورین تصفیه اگر فایده شرکت منحل شده را در موردی ملاحظه کنند به مصالحه و تعین حکم مجاز اند.

ماده ۲۲۳- مامورین تصفیه میتوانند اموال منقوله شرکت منحل شده را نظر بایجاب منفعت شرکت بطور مزایده و یا بدون مزایده بفروشند. اما اموال غیر منقوله شرکت را اگر موافقت عمومی شرکاء بدیگر صورت نباشد منتها به مزایده فروخته میتوانند وجود صغیر و یا محجور در بین شرکاء مانع فروش اموال منقوله و غیر منقوله شده نمی تواند.

ماده ۲۲۴- مامورین تصفیه می توانند معاملاتی را که موضوع شرکت را تشکیل میدهد اگر تصفیه از طرف شرکاء تعیین شده باشد مطابق فیصله شرکاء و اگر از طرف محکمه مقرر شده باشد باتفاق نظر شرکاء و تصویب محکمه آن معاملات را موقتاً اجرا کنند. ماده ۲۲۵- مامورین تصفیه مجبوراند که دیون موجهه شرکت تضامنی در حال تصفیه را بصورت تنزیل (دسکونت) معجلأ تادیه کنند دائنین نیز مجبور به قبول این طرز تادیه میباشند.

ماده ۲۲۶- اگر دارائی شرکت تضامنی به تسویه تمام دیون کافی نباشد مامورین تصفیه میتوانند برای تکمیل دیون شرکت بشرکاء مراجعه کنند.

ماده ۲۲۷- اگر شرکاء متفقاً تصویب نکنند مامورین تصفیه نمی توانند اموال شرکت را بطور مجموعی بفروش برسانند.

ماده ۲۲۸- صلاحیت های قانونی مامورین تصفیه ممکن است باتفاق شرکاء و یا قرار محکمه (هر مقامیکه آنرا تعیین کرده باشد) توسیع و یا تحدید شود درین صورت کیفیت ثبت و اعلان میشود اگر مسئله تحدید صلاحیت ثبت و اعلان نگردیده باشد درباره اشخاص ثالث صاحب حسن نیت بی تاثیر است.

ماده ۲۲۹- مامورین تصفیه در اثنای تصفیه مقید به تصویبی میباشند که شرکاء متفقاً راجع به تصفیه بعمل می آورند در صورت

افلاس یا وفات و یا محجوریت یکی از شرکاء احکام ماده (۲۳۰) تطبیق میشود.

ماده ۲۳۰- حق اشتراک در تصویب هائی که راجع به تعیین و یا عزل و یا اعطای تعلیمات بمامورین تصفیه بعمل می آید در صورت افلاس و وفات، محجوریت شریک بوقیل قانونی و ولی آنها عاید است ورثه به اتفاق وکیل تعیین میکنند و در صورتیکه اتفاق حاصل نشود تعیین وکیل مربوط به محکمه است.

ماده ۲۳۱- مامورین تصفیه می توانند از دارائی نقدی شرکت مقداری را که برای دیون معجله و مؤجله مثبت و متنازع فیه کفایت نماید نگهداشته بقیه آنرا در بین شرکاء تقسیم کنند.

ماده ۲۳۲- مامورین تصفیه برای تامین صحت معاملات تصفیه به ترتیب دفاتر لازمه بصورت منظم مکلف اند.

ماده ۲۳۳- مامورین تصفیه مجبور اند در اثر مراجعه شرکاء راجع به وضعیت موجوده امور تصفیه شفاهاً و یا کتباً معلومات بدهند.

ماده ۲۳۴- مامورین تصفیه در صورت خواهش شرکاء مجبور اند تمام اوراق و دفاتر راجع به شرکت و تصفیه را با آنها ارائه نمایند مامورین تصفیه نمی توانند شرکا را از اخذ نقل دفاتر و اوراق مذکور منع کنند.

ماده ۲۳۵- مامورین تصفیه مجبور اند مبالغ زاید از یکهزار افغانی را که در اثنای تصفیه حصول میشود بیک بانک معتبری تودیع نمایند.

ماده ۲۳۶- در ختم تصفیه مامورین تصفیه مجبور اند راجع به معاملات تصفیه بشرکا حساب بدهند.

ماده ۲۳۷- تمام احکام قرارداد شرکت که عاید بمامورین تصفیه باشد با مقرراتیکه از طرف شرکاء و محکمه راجع به تعیین، تبدیل و عزل مامورین تصفیه وضع میگردد ثبت و اعلان میشود.

ماده ۲۳۸- در ختم تصفیه مامورین تصفیه نظر به قرارداد و یا احکام قانونی که بیلانس حاوی حصص شرکاء در خصوص سرمایه و نفع ضرر و سایر اقلام دارائی و بدهی تنظیم کرده بشرکاء تقدیم میکنند اگر شرکاء در ظرف یک ماه توسط محکمه اعتراض نمایند بیلانس کسب قطعیت مینماید بعد از انقضاء این مدت در صورتیکه شرکاء از اخذ حصه مقرر خود امتناع ورزند مامورین تصفیه حصه هر یک را علیحده علیحده بنام هر شریک بیک بانک معتبر تودیع می نمایند.

ماده ۲۳۹- دارائی خالص شرکت مطابق قرارداد و یا مطابق تصویبی که بعداً بعمل آمده از طرف مامورین تصفیه تقسیم میشود در صورتیکه بر خلاف آن در قرارداد صراحت و یا تصویبی از طرف شرکاء نباشد باید این تقسیم بصورت نقدی بعمل آید.

ماده ۲۴۰- طوریکه مامورین تصفیه در اجراآتیکه مغایر احکام این قانون باشد در مقابل شرکاء و اشخاص ثالث جمعاً مسئول اند همچنان در معاملات اشخاصیکه تعیین و استخدام میکنند در صورتیکه مغایر احکام معینه قانون باشد نزد شرکاء و اشخاص ثالث جمعاً مسئول میباشند.

ماده ۲۴۱- مامورین تصفیه که از بین شرکاء تعیین و انتخاب میشوند اگر در قرارداد و یا تصویبی که بعداً اتخاذ میشود شرط نشده باشد نمیتوانند معاش و اجرت بگیرند ولی مامورین تصفیه اگر از خارج تعیین شده باشند ولو از اجرت و معاش ذکری هم نشده باشد مستحق اخذ معاش و اجرت میباشند.

ماده ۲۴۲- در ختم تصفیه اوراق و دفاتر بیک جای معتمدی که از طرف شرکا تعیین شده باشد تودیع میگردد و تا ۱۰ سال حفظ میشود. اگر درین خصوص اتفاق نظر حاصل نشود محل معتمد را محکمه تعیین میکند.

## فصل سوم

### شرکت تضامنی مختلط

#### حصه اول

#### ماهیت و طرز تشکیل شرکت تضامنی

#### مختلط

ماده ۲۴۳- شرکتیکه در تحت عنوان معین بمقصد اجرای تجارت تشکیل میشود و مسئولیت یک یا چند نفر از شرکاء آن در مقابل

دائین شرکت غیر محدود و مسئولیت شریک یا شرکاء دیگر آن بیک سرمایه معین محدود باشد شرکت مذکور تضامنی مختلط (کوماندیت) نامیده میشود.

سرمایه شرکائی را که تابع مسئولیت محدوده باشند ممکن است به سهام تقسیم کرد.

ماده ۲۴۴- اگر بر خلاف آن درین فصل مقرر نشده باشد احکام راجع بشرکت تضامنی مختلط هم معتبر است. اگر تعیین شده نتواند که شرکت تضامنی مختلط میباشد یا تضامنی درین صورت شرکت تضامنی دانسته میشود.

ماده ۲۴۵- در قرارداد شرکت تضامنی مختلط علاوه بر خصوصیات مندرجه ماده (۱۳۷) اسامی شرکای محدود المسئولیت با مقدار سرمایه که هر کدام آنها داده اند و یا تعهد نموده اند نیز درج گردیده ثبت و اعلان میشود.

ماده ۲۴۶- یک شریک محدود المسئولیت (غیر از اختراع علمی و فنی خود) نمی تواند کار و عمل و اعتبار و یا صنعت خویش را بحیث سرمایه تقدیم کند.

حصه دوم

مناسبات شرکاء با یکدیگر

ماده ۲۴۷- در مناسبات بین شرکای شرکت تضامنی مختلط (اگر صراحتی در قرارداد بر خلاف آن نباشد) احکام این قسمت تطبیق می شود.

ماده ۲۴۸- شرکای محدود المسئولیت به اداره امور شرکت صلاحیت ندارند و نمیتوانند شرکائی را که صلاحیت اداره را دارند از اجرای وظیفه منع کنند ولی درباره معاملات خارج از صلاحیت اشخاص اداره کننده میتوانند رای بدهند.

ماده ۲۴۹- هر شریک محدود المسئولیت ماذون است در اخیر سال دفتر دارائی و بیلانس و اوراق شرکت را بالذات یا بمعرفت اهل خبره تدقیق و کنترل نماید در صورت اعتراض بر علیه اهل خبره باثر مراجعت شریک محدود المسئولیت اهل خبره از طرف محکمه تعیین میشود.

ماده ۲۵۰- احکام ماده (۱۵۸) در منع شرکای شرکت تضامنی از اجرای معاملاتی که موضوع شرکت را تشکیل میدهد در مورد شرکای محدود المسئولیت جریان نمی یابد ولی اگر شرکای محدود المسئولیت یک موسسه ای را که معاملات آن موضوع شرکت را تشکیل میدهد تاسیس نمایند و یا با یک شخص دیگر که چنین موسسه باز کرده باشد شرکت کنند و یا بیک شرکت موجود که همین نوع معامله را می نماید داخل شوند در اوراق و دفاتر شرکت حق تدقیق را نخواهند داشت.

ماده ۲۵۱- مسئولیت یک شریک محدود المسئولیت باندازه سرمایه ایست که تادیه و یا تعهد کرده است.

ماده ۲۵۲- شریک محدود المسئولیت در اخیر سنه حسابیه میتواند حصه مفاد را و اگر در قرارداد تصریح شده باشد تکت پولی خود را نیز بگیرد لیکن اگر شرکت نقص کرده باشد تا زمانیکه تلافی شود تکت پولی داده نمیشود اما در سنه آتیه بعد از اكمال نقص سرمایه از متباقی مفاد تکت پولی سالهای گذشته پرداخته میشود.

ماده ۲۵۳- شرکای محدود المسئولیت مجبور نیستند که تکت پولی و مفادی را که قبلاً اخذ کرده اند برای جبران ضررهائی که بعداً واقع می شود اعاده نمایند.

ماده ۲۵۴- شریک محدود المسئولیت که نظر به بیلانس مرتب و منظم مفاد و یا تکت پولی اخذ کرده باشد مجبور به اعاده آنها نمیشود.

ماده ۲۵۴- در صورت وفات یک شرکت محدود المسئولیت ورثه قائم مقام متوی شمرده میشود.

ماده ۲۵۶- اگر شریک محدود المسئولیت حق خود را در شرکت بدون اجازه سایر شرکاء کلاً و یا بعضاً به شخص دیگری واگذار نماید مشتری حق دخالت در اداره و تدقیق در امور شرکت را نخواهد داشت.

حصه سوم

مناسبات شرکاء باشخاص ثالث

ماده ۲۵۷- شریک محدود المسئولیتی که اسم آن در عنوان شرکت داخل شده بمقابل اشخاص ثالث بصورت غیر محدود مسئول شمرده میشود.

ماده ۲۵۸- مسئولیت اداره و نمایندگی شرکت های تضامنی مختلط شرکائیکه مسئولیت ایشان غیر محدود باشد عائدات حدود این صلاحیت تابع احکامی است که راجع بشرکتهای تضامنی مقرر شده است. اگر در قرارداد شرکت منع نباشد شریک محدود المسئولیت ممکن است از طرف مدیر و یا مدیران شرکت برای مسایل معینی وکیل انتخاب شود. درین صورت مسئولیتی که از ایفای معاملات وی نشئت کند عاید بشرکت است. شریک محدود المسئولیت که از حدود وکالت خود تجاوز میکند و یا بدون وکالت اجراءات نماید مسئولیتی که از معامله وی نشئت میکند عاید بشخص خودش میباشد.

ماده ۲۵۹- اعطای مشورت از طرف شرکت محدود المسئولیت استعمال حق تفتیش و مراقبت در امور شرکت و اشتراک به تعیین و عزل مامورین در احوالیکه قانوناً معین شده است و استخدام در داخل شرکت یامور فرعی موجب مسئولیت غیر محدود شرکاء محدود المسئولیت نمیگردد.

ماده ۲۶۰- شرکای محدود المسئولیت از مبالغ متعده باندازه ئیکه در ذمت آنها باقی باشد در مقابل دائنین شرکت مسئول اند لیکن دائنین تا وقتیکه شرکت منحل و یا تعقیبات اصولی بر علیه آن عقیم نمانده باشد بشرکای محدود المسئولیت مراجعه نمی توانند در صورت افلاس شرکت دائنین به مجموع دارائی آن حق مطالبه دارند.

ماده ۲۶۱- در صورت افلاس شرکت تضامنی مختلط طلبات دائنین شرکت از طلبات دائنین شخصی شرکاء مقدم میباشد.

ماده ۲۶۲- اگر دارائی شرکت طلبات دائنین را کفایت نکند دائنین میتوانند برای طلبات متباقیه خود باموال شخصی هر شریک غیر محدود المسئولیت مراجعه نمایند و درین حال دائنین شرکت با دائنین شخصی شرکا حقوق مساوی دارند.

ماده ۲۶۳- نسبت به دارائی شریک محدود المسئولیت که افلاس کرده باشد شرکت تضامنی مختلط و دائنین شخصی او حقوق مساوی دارند.

ماده ۲۶۴- احکام مواد راجع به انحلال و تصفیه شرکت های تضامنی درشرکتهای تضامنی مختلط نیز تطبیق میشود.

ماده ۲۶۵- شخصیکه بالای شرکت طلب داشته و از طرف دیگر مدیون یک شریک محدود المسئولیت باشد که هنوز حصه سرمایه خود را تادیه نکرده ممکن است این قرض را با دین شریک محدود المسئولیت محسوب نماید.

فصل چهارم

شرکت سهامی (انونیم)

حصه اول

ماهیت و صورت تشکیل شرکتهای سهامی

(انونیم)

ماده ۲۶۶- شرکت سهامی شرکتی است که در تحت یک عنوان معین برای معاملات تجارتي تشکیل شده سرمایه آن معین و منقسم با اسهام بوده و اندازه مسئولیت هر شریک باندازه سهم آن محدود باشد.

ماده ۲۶۷- شرکتهای سهامی یا بصورت آنی و یا تدریجی تشکیل میشود اگر موسسین تمام اسهام شرکت را تعهد و یا اخذ کنند شرکت سهامی بصورت آنی تشکیل مییابد. اگر موسسین تمام اسهام را به عهده خود نمیگیرند شرکت سهامی بصورت تدریجی تشکیل یافته و درین صورت برای تعهد متباقی اسهام با اهالی اعلان و مراجعه میگردد.

ماده ۲۶۸- برای تشکیل یک شرکت سهامی اقلأ وجود پنج نفر موسس صاحب سهم شرط است.

ماده ۲۶۹ - در شرکتهای سهامی سهم دارائیکه اساسنامه شرکت را تنظیم و امضاء میکنند و بنام سرمایه مبلغی بطور نقدی و یا غیر نقدی تادیه می کنند موسس شمرده میشوند.

ماده ۲۷۰ - موسسین باید اساسنامه را تنظیم و امضا کنند اساسنامه بایستی دارای مواد ذیل باشد:

۱. عنوان شرکت و مرکز آن.

۲. نوع و ماهیت معاملات و موضوع شرکت.

۳. تعیین مقدار سرمایه و نوع اسهام قیمت هر سهم و شرایط تادیه سهام.

۴. منافع مخصوصه که از مفاد برای موسسین و اعضای هیئت مدیره و یا اشخاص دیگر تادیه میشود.

۵. طرز انتخاب هیئت مدیره و هیئت نظار و وظایف و صلاحیت اداره و امضای ایشان.

۶. شکل انعقاد بمجمع عمومی و ترتیب دعوت سهامداران وقت اجتماع - شروط اجرای مذاکرات تصویب و اتخاذ رای

۷. قید مدت دوام شرکت اگر شرکت محدود بیک مدت باشد.

ماده ۲۷۱ - نقل اساسنامه که بموجب ماده (۲۷۰) ترتیب میگردد بوزارت اقتصاد ملی تقدیم و برای تشکیل شرکت اجازه حاصل میشود.

ماده ۲۷۲ - بعد از اجازه اگر شرکت تدریجاً تشکیل میشود موسسین اعلانی محتوی مطالب ذیل نشر می دارند:

۱. موضوع و مدت شرکت

۲. تعیین قیمت هر سهم و مقدار سرمایه و منافع خصوصی که برای موسسین و یا اشخاص دیگر بموجب اساسنامه تادیه میشود.

۳. دارائی جنسی که عوض سرمایه داده میشود.

۴. اگر خرید موسسه ای تجویز شده باشد قیمت آن.

۵. محل و صورت انعقاد مجمع عمومی تاسیس.

ماده ۲۷۳ - تقاضای اشتراک بسرمایه شرکت در دو نسخه قرار ذیل تنظیم میشود:

۱- خلاصه محتویات ماده (۲۷۲)

۲- اسم و شهرت و اقامتگاه اشخاصیکه اشتراک را تعهد میکنند.

۳- مقدار سهمیکه اخذ آنرا تعهد نموده اند بحروف تاریخ تعهد.

۴- قبول مندرجات اساسنامه - اگر در ظرف مدت معین شرکت تشکیل نشود تعهد اشتراک کننده یی اثر است. تقاضای اشتراک با فرستادن مکاتبی که امضای اشتراک کننده تصدیق شده باشد هم بحیث تقاضای اشتراک قبول شده میتواند.

ماده ۲۷۴ - مجموع اسهامیکه در مقابل سرمایه شرکت صادر میگردد باید حقیقتاً و تماماً تعهد و اقلأ ربع قیمت هر سهم نقداً تادیه شود،

ماده ۲۷۵ - صدور اسناد سهم کمتر از قیمت مقرر آن جایز نیست.

ماده ۲۷۶ - در صورتیکه پرداخت ربع قیمت اسهام که تادیه آن قانوناً مقتضی است در حین تعهد شرط نشده باشد موسسین

میتوانند بعد از تکمیل و اختتام تعهدات باشخاصیکه اشتراک را تعهد کرده اند با ارسال مکتوب راجستری و نیز ذریعه جراید اعلان

کرده و تادیه ربع اسهام متعهدده شان رادر ظرف مدت معین تقاضا کنند کسانیکه اشتراک را تعهد کرده اند اگر در ظرف مدت

مذکور ربع قیمت را تادیه نکنند موسسین مختار اند که علاقه آن اشخاص را از شرکت قطع و یا ایشان را بایفای تعهد مجبور سازند

در صورتیکه علائق متعهدین با شرکت قطع گردد کسانیکه بعوض آنها متعهد میشوند موظفند که ربع قیمت سهام را تادیه کنند و

تا وقتیکه ربع قیمت اسهام تادیه نشود شرکت تشکیل شده نمیتواند.

ماده ۲۷۷ - ربع قیمت اسهامیکه از طرف تعهد کنندگان تادیه میشود بیک بانک معتبر تودیع میگردد. در صورت تشکیل شرکت

بموجب ارائه سندی از طرف هیئت مدیره که حاوی ثبت و اعلان شرکت و اجازه مقام مربوطه باشد پول جمع آمده بشرکت تادیه

میشود ولی در حال عدم تشکیل شرکت پول مذکور با اشخاصیکه آنرا تودیع نموده اند بموجب ارائه سند اعاده میگردد. ربع قیمت



- اسهامیکه بانک تودیع شده است بهیچ صورت به موسسین داده نمیشود.
- ماده ۲۷۸- بعد از تعهد تمام سرمایه شرکت و تادیه قیمت معین اسهام موسسین باید در ظرف ده روز بارسال مکتوبهای راجستری به آدرس معینه هر سهم دار و اعلان بجراید مجمع عمومی تاسیس را باجتماع دعوت نمایند. ارسال این مکاتیب و نشر اعلان باید اقلأ پانزده روز قبل از وقت اجتماع بعمل آید و مطالب ذیل در آن مندرج باشد:
- ۱- تصدیق تعهد اشتراک تمام اسهام و تادیه ربع قیمت.
  - ۲- انتخاب اهل خبره برای تعیین قیمت اجناسیکه عوض سرمایه داده شده و اشتراک کدوم موسسه که به قرار اساسنامه مجاز باشد.
  - ۳- پیشنهاد راجع به منافع مخصوصه که برای موسسین شرط شده باشد.
  - ۴- اگر اعضای هیئت مدیره در اساسنامه پیش بینی نشده باشد تعیین اعضای هیئت مدیره.
  - ۵- تعیین هیئت نظار:
- ماده ۲۷۹- مجمع عمومی تاسیس در روز معین اجتماع نموده در اطراف مسایل متذکره ماده (۲۷۸) مذاکره و تصویب می کنند. تصاویم مجمع در صورتی معتبر خواهد بود که اقلا اشخاصیکه نصف سرمایه شرکت را تمثیل نمایند حاضر باشند هر سهم برای سهم دار حق یک رای را میدهد و تصویبات باکثرت آرای موجوده معتبر میباشد.
- ماده ۲۸۰- موسسین با سایر سهم دارانیکه جنسی را عوض سرمایه میدهند و یا موسسینیکه منافع مخصوص را برای خود پیش بینی نموده اند در مذاکراتیکه راجع به تعیین قیمت اجناس و یا تثبیت منافع مخصوصه بعمل می آید حق رایی ندارند.
- ماده ۲۸۱- اگر اولین اعضای هیئت مدیره شرکت به موجب اساسنامه تعیین نگردیده باشد از طرف مجمع عمومی موسسین از بین سهامداران انتخاب می شوند.
- انتخاب اولین هیئت نظار مخصوصا مربوط به مجمع عمومی تاسیس بوده تعیین آن ذریعه اساسنامه جایز نیست. امور نظارت بدو نفر یا بیشتر از سهامداران یا خارج آن تفویض می شود.
- ماده ۲۸۲- در مجمع عمومی تاسیس که بموجب ماده (۲۷۹) منعقد میگردد در تعیین اهل خبره جهت قیمت سرمایه های جنسی و موسسه هائیکه خریده میشود حضور اقلأ دو ثلث سهم داران سرمایه نقدی شرکت شرط است تصویبات باکثرت آراء اتخاذ می شود در صورتیکه تکمیل نصاب مذاکره ممکن نباشد اهل خبره نظر بخواهش موسسین از طرف محکمه مربوطه تعیین میشود.
- ماده ۳۸۳- بعد از تنظیم راپورت از طرف اهل خبره موسسین مجمع عمومی تاسیس را به ترتیب و موعدیکه در ماده (۲۷۸) ذکر است مجدداً به اجتماع دعوت مینماید و به دعوت نامه یک یک قطعه صورت راپورهای اهل خبره را ضمیمه میکند صلاحیت مجمع عمومی تاسیس بمذاکره و اتخاذ تصویب تابع نصاب اکثریت است که در ماده (۲۷۹) توضیح شده است.
- ماده ۲۸۴- مجمع عمومی تاسیس راپورهای اهل خبره را مطالعه و توضیحات اشخاصیکه سرمایه جنسی داده اند و مالکینی که موسسات خود را میفروشدند استماع می نماید قمیتی را که در راپورت اهل خبره ذکر شده قبول و یا رد کرده و یا موافقت مالکین آنرا تعدیل می نمایند.
- ماده ۲۸۵- در مجمع عمومی تاسیس که برای تدقیق راپور اهل خبره دعوت شده اگر نصاب تکمیل نشود موسسین یک (ورقه رویداد مجلس) تنظیم و بذریعه مکاتیب راجستری به سهامداران ارسال و بجراید اعلان میدارند درین حال مجلس آئینده بعد از یکماه دعوت باجتماع خواهد شد.
- ماده ۲۸۶- اگر در مجمع عمومی تاسیس اتفاق آراء حاصل نشود مخالفین میتوانند علل اختلاف عقیده خود را تحریر نمایند.
- ماده ۲۸۷- موسسین نمیتوانند در اساسنامه مقرراتی درج نمایند که بموجب آن اسهام بلا عوض (مجانی) و یا پول نقد که باعث تنقیص سرمایه شرکت گردد به خود تخصیص دهند.
- ماده ۲۸۸- پس از اجرای مقررات ماده (۲۷۹) و (۲۸۴) موسسین در ظرف ۱۵ روز بیان نامه متضمن اجرای شرایط مقتضیه تشکیل شرکتهای سهامی اساسنامه شرکت آویز بانک راجع به تادیه ربع قیمت سهام رویداد مجمع عمومی تاسیس راپور اهل خبره راجع به تعیین قیمت سرمایه جنسی یا کدوم موسسه و اگر معامله مربوط به امتیازی باشد امتیاز نامه و یا نقل مصدق آنرا به محکمه تجارتهای

مربوطه تقدیم مینمایند.

محکمه اسناد مربوطه را تدقیق و اگر لازم شود از موسسین تحقیق و اگر نواقص دیده شود تکمیل و تا یکماه پس از تاریخ تقدیم اوراق تشکیل شرکت را تصدیق میکند.

ماده ۲۸۹ - تشکیل شرکتی که بموجب ماده (۲۸۸) تصدیق شده باشد به دایره مربوطه تجارتنی ثبت میگردد.

ماده ۲۹۰ - شرکتیکه بموجب ماده (۲۷۹) ثبت و اعلان نشود قانوناً متشکل شمرده نمیشود و قبل از ثبت و اعلان به اجرای معاملات شروع نمی تواند.

ماده ۲۹۱ - کسانیکه متعهد اشتراک بسرمایه شرکت شده باشند اگر قبل از تشکیل قانونی شرکت اسهام خود شان را به دیگری انتقال بدهند معتبر نیست.

ماده ۲۹۲ - در شرکت هائیکه بصورت آنی تشکیل می شود شرکاء یک اساسنامه که حاوی ماده (۲۷۴) راجع به تعهد تمام سهام و فقرات ۴ و ۵ ماده (۲۷۸) و مقررات ماده (۲۷۰) باشد تنظیم مینمایند اگر در جزء سرمایه جنس یا کدام موسسه خریداری شده باشد اهل خبره برای تعیین قیمت از طرف محکمه تجارتنی تعیین می شود.

ماده ۲۹۳ - اگر سهامداران شرکت های سهامی که بطور آنی تشکیل میشوند بخواهند اسهام خود را برای فروش بعامه عرضه دارند مجبور برعایت احکام مواد (۲۷۲) و (۲۷۳) میباشند.

ماده ۲۹۴ - از ضرر و خساره که در نتیجه عدم صحت اظهار نامه یا اوراق متذکره ماده (۲۸۸) و دیگر اسناد تولید شود موسسین و آنهائیکه در تحریر این اوراق اشتراک میکنند جمعاً مسئول اند.

ماده ۲۹۵ - اگر تمام سهام یک شرکت تعهد نگردیده و قیمت آن تادیه نشده باشد ولی خلاف حقیقت تعهد و تادیه شده وانمود شود موسسین و اشخاصیکه درین فعل با ایشان اشتراک نموده باشند مجبورند که چنین اسناد را بحساب خود گرفته و قیمت آنرا تادیه نمایند.

ماده ۲۹۶ - اگر موسسین و یا کسان دیگر در تعیین قیمت سرمایه جنسی و یا خرید موسسه ای بشرکت حيله نمایند مکلف اند ضرر و خساره که بشرکت ازین راه وارد میشود مجتمعاً جبران کنند.

ماده ۲۹۷ - اعضاء هیئت نظار و هیئت مدیره دوره اول مکلفند تدقیق کنند که در تشکیل شرکت کدام خلاف رفتاری واقع نشده باشد. اگر درین خصوص مسامحه نمایند و ضرری وارد شود در صورتیکه از موسسین جبران نشده باشد اعضاء هیئت و نظار جمعاً مسئول شمرده میشوند.

ماده ۲۹۸ - مسئولیت موسسین اعضاء هیئت مدیره و نظار بعد از انقضای پنجسال از تاریخ ثبت طبق تصویب مجمع عمومی شرکاء قابل صلح و ابراء دانسته میشود مشروط بر اینکه ابراء مذکور به تصویب ده یک آراء که از سرمایه نمایندگی کند بعمل آمده باشد.

ماده ۲۹۹ - حق مطالبه جبران خسارات را که شرکت در مقابل موسسین و یا اعضاء هیئت مدیره و نظار دارا میباشد بعد از انقضای مدت پنجسال ساقط میشود.

ماده ۳۰۰ - موسسین از باعث تعهدات وسایل معاملاتیکه برای تاسیس شرکت اجرا کرده اند در مقابل اشخاص ثالث مسئول اند. اگر شرکت تشکیل شده باشد موسسین میتوانند برای جبران این مصارف بشرکت رجوع کنند. دریافت مصارف فوق از شرکت مربوطه به تصدیق مجمع عمومی تاسیس است. اگر تاسیس شرکت بنابر کدام علتی صورت نگرفته باشد مصارف مذکور عاید بموسسین بوده حق رجوع به سهم داران ندارند.

حصه دوم

هیئت مدیره

ماده ۳۰۱ - شرکتهای سهامی دارای هیئت مدیره ایست که اقلاً از سه نفر مرکب میباشند اعضاء هیئت مدیره از میان سهامداران از

طرف مجمع عمومی انتخاب میشود تعیین اولین اعضای هیئت مدیره ذریعه اساسنامه شرکت هم ممکن است.

ماده ۳۰۲- هر یک از اعضای هیئت مدیره مجبور است یک مقدار سهام خود را که قیمت آن معادل یک فیصد سرمایه اصلی باشد بشرکت تودیع نماید اگر یک فیصد سرمایه شرکت متجاوز از (دو صد) هزار افغانی باشد تودیع زیادتر از این مبلغ مجبوری نیست تا زمانیکه اعضای هیئت مدیره از مسئولیت های زمان تصدی خود از مجمع عمومی برائت حاصل نکنند سندات سهام مودوعه ایشان نه بدیگری انتقال و نه از شرکت اخذ شده میتواند برای این مقصد اسناد مذکور بحیث ضمانت مهر گردیده در خزانه شرکت حفظ میشود.

ماده ۳۰۳- اعضای هیئت مدیره حداکثر برای سه سال انتخاب میشوند اگر در اساسنامه شرکت تجدید انتخاب اعضاء منع نشده باشد انتخاب مجدد آنها جایز است.

ماده ۳۰۴- اعضای هیئت مدیره در هر سال از میان خود رئیس و در صورت لزوم معاون رئیس را انتخاب میکنند.

ماده ۳۰۵- اگر یکی از اعضای هیئت مدیره بنا بر علل قانونی بر طرف شود هیئت مدیره بطور موقتی شخص دیگری را که دارای شرایط قانونیه باشد انتخاب مینمایند و باید در اولین اجتماع مجمع عمومی این موضوع را برای تصویب پیشنهاد کنند.

ماده ۳۰۶- اگر اعضای هیئت مدیره ذریعه اساسنامه شرکت هم تعیین شده باشند عندالایجاب با تصویب مجمع عمومی عزل شده میتوانند، درینصورت از امتیازات و منافعیکه به حیث عضو هیئت مدیره داشتند بهره مند شده نمیتوانند.

ماده ۳۰۷- اداره شرکت سهامی و نمایندگی آن در خارج شرکت مربوط به هیئت مدیره است.

ماده ۳۰۸- هیئت مدیره حقدارند هر نوع معاملات حقوقیه را که در داخل مرام شرکت باشد بنام آن اجرا و امضا کنند هیئت مدیره در صورت ملاحظه منفعت شرکت بمصالحه و ارجاع به حکمیت مجاز است.

ماده ۳۰۹- برای اعتبار اوراق و اسنادیکه بنام شرکت سهامی تنظیم میشود در صورتیکه در اساسنامه صلاحیت امضاء تخصیص داده نشده باشد امضاء تمام اعضای هیئت مدیره لازم است.

ماده ۳۱۰- کسانیکه بنام شرکت صلاحیت امضاء دارند مجبور اند که بعد از قید عنوان شرکت ذیل آن امضاء نمایند.

ماده ۳۱۱- اعضای هیئت مدیره در مذاکراتیکه به منفعت شخصیه شان تعلق داشته باشد اشتراک نمیتوانند درین حال اینطور اعضاء مجبور اند علاقه را که بموضوع دارند به مجلس اظهار دارند و در جریان مجلس ثبت نمایند.

اعضای هیئت مدیره که مخالف این احکام حرکت کنند مجبور به تضمین ضرری میباشند که بشرکت وارد میشود اگر اکثر اعضای هیئت مدیره بموضوع مذاکره از جنبه شخص ذی نفع باشند مسئله در اولین مجمع عمومی تقدیم می شود.

ماده ۳۱۲- اعضای هیئت مدیره بدون اذن مجمع عمومی بنام و حساب خود و یا بنام و حساب شخص دیگری بالذات یا بالواسطه یک معامله تجارتي را با شرکت نمی توانند.

ماده ۳۱۳- هیچ یک از اعضای هیئت مدیره نمی توانند بدون اجازه مجمع عمومی در معامله تجارتي از نوع معامله تجارتي شرکت مربوطه خود اشتغال کند و همچنین نمی تواند شخصا بصفت عضو مسئول در یک شرکت دیگری که بهمین نوع معامله مصروف میباشد داخل شود.

شرکت میتواند از هر عضو هیئت مدیره که مخالف این حکم حرکت نموده باشد مطالبه خساره کند و یا معامله را که بنام خود عقد نموده باشد در بدل خساره بنام شرکت محسوب دارد و تقاضا کند منافعیکه از معاملات مذکور حاصل شده باشد بشرکت عاید گردد. در اتخاذ تصویب راجع به مطالب فوق اعضای هیئت مدیره که مسئول اند شرکت نمیتواند ، استفاده از حقوق مذکور برای شرکت تا مدت یکسال از تاریخ وقوع معامله محفوظ است.

ماده ۳۱۴- اگر سرمایه شرکت به نصف تنزل کند هیئت مدیره برای اتخاذ تصویب راجع به تکمیل سرمایه بمقدار اصلی و یا اکتفا بمقدار متباقی و یا برای انحلال شرکت مجمع عمومی را بصورت فوری دعوت میکند اگر تنها یک ثلث سرمایه باقیمانده باشد و مجمع عمومی راجع به تکمیل سرمایه و یا اکتفاء به ثلث آن تصمیم نگیرند شرکت منحل شمرده میشود اگر دیون شرکت از دارائی آن زیادتر باشد هیئت مدیره مجبور است از محکمه رسیدگی و اعلان افلاس را تقاضا کند.

ماده ۳۱۵ - هیئت مدیره مکلف است دفاتر لازمه را ترتیب کرده و در موعد معین بیلانس سنه گذشته را بطور واضح و منظم تهیه دیده و اقلا ۱۵ روز قبل از اجتماع مجمع عمومی برای تدقیق سهامداران حاضر دارد.

ماده ۳۱۶ - تمام مصارفیکه به نسبت تاسیس اداره شرکت بعمل آمده باشد در حساب مربوطه مصرف سنویه قید میگردد لیکن مصارفیکه برای تاسیسات ابتدائی و یا احداث یک شعبه جدید و یا توسیع معاملات قرار اساسنامه و یا تصویب مجمع عمومی بعمل آمده باشد حداکثر تا پنجسال در حساب مصرف ادامه مییابد باینصورت در بیلانس هر سنه باید مقدار مصارف همان سنه درج شود. قیمت‌های اموال منقول و بناها و ماشین های شرکت که هر سال نشان دادن آن در بیلانس لازم است عبارت است از قیمت خرید بعد از وضع استهلاک اگر این اموال بیمه شده باشد مصارف بیمه در بیلانس نشان داده میشود.

ماده ۳۱۷ - هیئت مدیره مجبور است در ختم هر سنه حسابیه علاوه بر بیلانس راپورتی درباره وضعیت تجارتي - مالی و اقتصادی شرکت و خلاصه معاملات عمده سال ترتیب دهد و همچنین پیشنهادی راجع به فیصدی توزیع منافع و تشکیل ذخیره تقدیم نماید.

ماده ۳۱۸ - اگر در اساسنامه شرکت طور دیگری مقرر نشده باشد مجالس هیئت مدیره اقلا با حضور بیش از نصف اعضاء رسمی تلقی شده و تصاویب با اکثریت آراء اعضاء موجوده معتبر است.

رای دادن اعضاء به وکالت یکدیگر جایز نیست در صورت تساوی آراء موضوع بجلسه آینده موکول میشود اگر در جلسه آینده نیز آراء مساوی باشد موضوع رد شده محسوب می گردد. مذاکرات جلسه هیئت مدیره توسط یک منشی که از بین اعضاء و یا از خارج انتخاب میشود بطور منظم بدفتر ثبت میگردد لازم است تصویبها از طرف اعضاء موجوده امضاء شود و اعضائیکه مخالف تصویب میباشند سبب مخالفت خود را در تصویب درج مینمایند.

ماده ۳۱۹ - اگر در اساسنامه طور دیگری مقرر نشده باشد برای هر روز اجتماع به اعضاء هیئت مدیره که در جمله هیئت عامل شامل نباشند حق الزحمه حضور داده میشود. اگر مقدار حق الزحمه در اساسنامه تعیین نگردیده باشد از طرف مجمع عمومی تعیین میشود.

ماده ۳۲۰ - اعضاء هیئت مدیره از معاملاتیکه بنام شرکت انجام داده باشند شخصا مسئول شمرده نمیشوند مگر در مواد آتی که در نزد شرکاء و اشخاص ثالث مسئول خواهند بود:

۱- عدم صحت تصدیق تادیات شرکاء در بدل سند سهام

۲- عدم حقیقت مفاد یکه توزیع و تادیه میگردد.

۳- عدم وجود دفاتریکه قانونا وجود آن لازمست و یا عدم نظم آن.

۴- عدم اجرای فیصله ئیکه از طرف مجمع عمومی بعمل می آید.

۵- عدم ایفای تمام وظایفی که از روی قانون و یا بر حسب اساسنامه شرکت بدوش ایشان گذاشته شده باشد. در صورتیکه شرکت یکی از وظایف فقرات پنجگانه را بیکی از اعضاء هیئت مدیره تفویض نموده باشد مسئولیت تنها بخود همان عضو متوجه بوده به سایر اعضاء ربطی نخواهد داشت.

ماده ۳۲۱ - اعضاء هیئت مدیره که جدیدا تعیین میشوند مجبورند معاملات غیر اصولی اعضاء سابق را که آگاه شوند به هیئت نظار اطلاع دهند و الا در مسئولیت ایشان شریک شمرده خواهند شد.

ماده ۳۲۲ - اعضائیکه بموجب ماده (۳۲۱) در معاملات غیر اصولی هیئت مدیره سابق اظهار مخالف کرده سبب مخالفت خود را در رویداد مجلس درج و به هیئت نظارت نیز تحریرا خبر دهند و یا بنابر معذرتی در اثنای مذاکره همان معامله حاضر نباشند از مسئولیت بری میباشند.

ماده ۳۲۳ - اگر یکی از اعضاء هیئت مدیره بصورتی از صور با دسیسه یا بیانات مغایر حقیقت درباره وضعیت حاضر شرکت اشخاص ثالث را اغفال کند شخصا مسئول ضرری می باشد که ازین رهگذر وارد میشود.

ماده ۳۲۴ - مسئولیت دعاوی که بموجب مواد (۳۲۰) و (۳۲۱) بر علیه اعضاء هیئت مدیره متوجه میشود از تاریخ وقوع معامله پس

از پنج سال ساقط میشود.

ماده ۳۲۵- در صورتیکه مجمع عمومی به اقامه دعوی بر علیه اعضاء هیئت مدیره تصویبی بعمل آورده باشد مطابق آ، اجرا میشود اگر مجمع عمومی عدم اقامه دعوی را تصویب ولی سهامدارانیکه ده درصد سرمایه شرکت را مالک باشند برین تصویب مخالفت کنند شرکت از تاریخ تصویب و خواهش مخالفین مجبور است تا مدت یکماه دعوی را اقامه نماید. اقامه دعوی در موردفوق بنام شرکت به هیئت نظار تعلق دارد اگر اقامه دعوی به آرای سهم دارانیکه ده فیصد سرمایه را نمایندگی میکند صورت بگیرد سهامداران مذکور ممکن است از خارج وکیل تعیین کنند سهامدارانیکه به اقامه دعوی رای میدهند مجبورند سهام خود را بنام تامین خساره شرکت تا ختم دعوی بیک بانک معتبری بطور امانت بگذارند در حال رد دعوی سهم داران مذکور بجبران خساره شرکت مکلف میباشند.

ماده ۳۲۶- اجراءات امور شرکت اگر بموجب اساسنامه و یا تصویب مجمع عمومی بمدیریکه از اعضاء هیئت مدیره نباشد سپرده شود درین حال مدیر مذکور مثل عضو هیئت مدیره از عدم ایفای وظایفی که در ماده (۳۲۰) بیان شده در مقابل شرکاء و اشخاص ثالث مسئول میباشدند قید شرط دیگری مغایر این حکم در اساسنامه و یا ادعای اینکه مدیر مذکور زیر اثر هیئت مدیره میباشدند مسئولیت او را از بین نمی برد.

ماده ۳۲۷- اعضاء هیئت مدیره از قصور یا از طرف مدیر صادر شد مسئول نمیباشند ولی اگر اعضاء هیئت مدیره اشخاص را که اهلیت نداشته باشند بکار مقرر نمایند و یا راجع به امور و معاملات سوء آنها مسامحه کنند و یا در امریکه صلاحیت نداشته باشند اجازه کار بدهند البته نزد شرکاء مجتمعا مسئول خواهند بود معذالک اعضاء هیئت مدیره ئیکه بموجب ماده (۳۲۲) درین نوع تقصیرات عدم اشتراک شان را ثابت نمایند از مسئولیت بری خواهند بود.

ماده ۳۲۸- اگر در اساسنامه بصورت دیگری مقرر نشده باشد هیئت مدیره میتواند مدیران را عزل و نصب نمایند صورت عزل و نصب اعلان میشود.

ماده ۳۲۹- مدیرها اجرای بعضی معاملات را که بدان مجاز باشند میتوانند بدیگری تفویض کنند ولی وظیفه مدیریت خود را نمیتوانند بدیگری بسپرنند.

ماده ۳۳۰- مدیرها برای مدتیکه بیشتر از مدت وظیفه اعضاء هیئت مدیره باشد تعیین شده نمیتوانند و مثل اعضاء هیئت مدیره عزل شان در هر وقت ممکن است. مدیریکه از بین سهامداران انتخاب و عزل گردیده باشد نمی تواند ادعای خساره کند.

ماده ۳۳۱- هیئت مدیره شرکت سهامی علاوه بر دفاتر تجارتي که به ترتیب آن مجبورند موظف اند دفاتر ذیل را هم ترتیب دهند:

۱- دفتر مخصوص سهامداران که در آن اسم - ولدیت - شهرت - عنوان و مسکن سهامداران قید باشد.

۲- تادیات در مقابل سرماییکه در اول تشکیل شرکت داده شده و یا بعدا تزئید یافته باشد.

۳- کتاب رویداد مجامع عمومی

۴- کتاب تصویبات هیئت مدیره

ماده ۳۳۲- اگر در اساسنامه راجع مقرری مامورین طور دیگری مقرر نباشد انتخاب و مقرری آنها از وظایف هیئت مدیره است.

ماده ۳۳۳- اگر یکی از اعضاء هیئت مدیره یا نظار شرکت را افلاس کند و یا اهلیت قانونیه آنها سلب شود و یا به جنحه و جنایت محکوم گردند صلاحیت شان در واری از امور شرکت ختم و عوض شن شخص دیگری انتخاب میشود.

ماده ۳۳۴- هیئت مدیره میتواند صلاحیت و اقتداری را که دارند با اکثریت آراء بیک یا چند نفر خود تفویض نمایند.

حصه سوم

هیئت نظار

ماده ۳۳۵- اگر در اساسنامه شرکت طور دیگری مقرر نشده باشد هیئت نظار شرکتهای سهامی مرکب از دو نفر میباشدند هیئت نظا از شرکاء و یا غیر شرکاء دفعه اول برای مدت یکسال از طرف مجمع عمومی تاسیس شرکت و بعدا برای حداکثر سه سال از طرف

مجمع عمومی انتخاب میشوند.

هیئت نظار یکه مدت انتخاب شان باختتام میرسد مجددا انتخاب شده میتوانند هیئت نظار به عضویت هیئت مدیره انتخاب شده نمی توانند همچنان بصف مامور معاملات شرکت را اداره کرده نمی توانند اعضای هیئت مدیره که وظایف ایشان خاتمه می یابد تاوقتیکه از مجمع عمومی براثت حاصل نمایند عضو هیئت نظار انتخاب شده نمی توانند.

ماده ۳۳۶- مجمع عمومی برای تدقیق بعضی موضوعات معینه میتواند هیئت نظار جداگانه انتخاب کند.

ماده ۳۳۷- کسانیکه با اعضای هیئت مدیره خویش و قرابت نسبی داشته باشند مثل پدر - پسر - کاکا - ماما - خسر - دامات عضو هیئت نظار انتخاب شده نمی توانند و اگر انتخاب شده باشند مجبور به استعفا میباشند.

ماده ۳۳۸- اعضای هیئت نظار در هر زمان از طرف مجمع عمومی عزل و عوض ایشان دیگری نصب شده میتواند و اگر عضوی از بین سهامداران انتخاب گردیده باشد نسبت بعزل خود دعوی خساره نمی تواند.

ماده ۳۳۹- تعیین و تبدیل هیئت نظار از طرف هیئت مدیره بدایره ثبت تجارت ثبت گردیده اعلان میشود.

ماده ۳۴۰- اگر یکی از اعضای هیئت نظار به علتی از علل از اجرای وظیفه بازماند اعضای دیگر نظار برای رسیدگی به وظیفه او تا موقع اولین اجتماع مجمع عمومی یک عضو دیگر را انتخاب میکنند و در صورتیکه اعضای هیئت نظار مرکب از دو نفر باشد عضو کمبود را محکمه تعیین و تا انعقاد اولین مجمع عمومی اجرای وظیفه میکند.

ماده ۳۴۱- هیئت نظار بوظائف ذیل موظف میباشند:

۱- باتفاق اعضای هیئت مدیره تنظیم شکل بیلانس و تعیین چگونگی وضع سهام.

۲- تدقیق جریان امور دفاتر شرکت اقلا شش ماه یک مرتبه

۳- تفتیش خزانه شرکت اقلا سه ماه یک مرتبه بصورت ناگهانی و غیر منتظر.

۴- موجودی هر نوع اوراق قیمت دار که بصورت رهن یا تضمینات و یا بطور امانت در خزانه شرکت گذاشته شده باشد و تطبیق آن بدفاتر مربوطه اقلا ماه یک مرتبه.

۵- تدقیق رعایت مقررات اساسنامه راجع بدعوت و اجتماع مجمع عمومی

۶- تدقیق بیلانس سنوی

۷- نظارت اعمال اعضای هیئت مدیره در پرتو احکام قانون ومقررات اساسنامه شرکت.

۸- دعوت مجمع عمومی عادی و یا فوق العاده در صورت اهمال هیئت مدیره.

۹- حضور در مجالس عمومی.

۱۰- نظارت معاملات تصفیه.

ماده ۳۴۲- هیئت نظار مکلف اند تا در اخیر هر سال مالی دوباره راپور و سایر اوراقیکه هیئت مدیره راجع بوضعیت شرکت و بیلانس و حسابات دیگر و توزیع مفاد ترتیب میکند مطالعات خود را به مجمع عمومی بسپارند.

ماده ۳۴۳- صلاحیت هیئت نظار که در مواد (۳۳۵ و ۳۴۲) درج است بذریعه اساسنامه شرکت تحدید شده نمیتواند.

ماده ۳۴۴- هیئت نظار مجبورند در صورت ظهور عواملی مهم و فوری مجمع عمومی را باجتماع فوق العاده دعوت کنند.

ماده ۳۴۵- هیئت نظار مکلفند که وظایف خود را بحسن صورت اجرا نمایند و الا نزد مجمع عمومی مسئول میباشند حق دعوی راجع به مسئولیت هیئت نظار از تاریخ ظهور مسئولیت هیئت نظار از تاریخ ظهور مسئولیت بعد از مرور پنجسال ساقط میشود.

ماده ۳۴۶- هر سهم دار راجع به امور شرکت بر علیه هیئت مدیره و مدیران شرکت میتواند به هیئت نظار مراجعه کند.

هیئت نظارت مجبوراند نسبت بموضوعی که بایشان مراجعه شده تحقیقات کنند اگر در نتیجه تحقیقات ادعا صحت پیدا کند

کیفیت را در راپور سالانه خود به مجمع عمومی درج میکنند در صورتیکه مراجعین از ده فیصد سرمایه شرکت نمایندگی کنند

هیئت نظار مطالعات و نظریات خود را به نسبت واقعه اعم از اینکه صحت دارد یا ندارد در راپور درج می نمایند و در صورتیکه لازم باشد میتوانند مجمع عمومی را باجتماع فوق العاده دعوت کنند مراجعینیکه به هیئت نظار مراجعت میکنند لازم است مقدار

اسهامی را که معادل ده فیصد سرمایه شرکت باشد بیک بانک معتبر بطور تضمین بگذارند این اسهام تا ختم اولین اجتماع مجمع عمومی در بانک حفظ میشود.

ماده ۳۴۷ - اعضای هیئت نظارت میتوانند در مذاکرات هیئت مدیره حاضر شده پیشنهادهاتی را که مناسب بدانند به هیئت مدیره و یا مجمع عادی و فوق العاده تقدیم دارند ولی اعضای نظار در مجالس هیئت مدیره و مجمع عمومی حق رای ندارند.

#### حصه چهارم

##### مجمع عمومی

ماده ۳۴۸ - اجتماعی مجمع عمومی شرکتهای سهامی یا بطور عادی و یا بصورت فوق العاده میباشد اجتماع عادی بعد از ختم هر دوره حسابیه در ظرف چهارماه و اقلا در سال یکبار انعقاد مییابد درین اجتماع بموجب ماده (۳۵۸) در اطراف موضوعاتی که درج آنها در آئینده لازم است بحث و مذاکره میشود در صورت لزوم مجمع عمومی به اجتماع فوق العاده دعوت میشود.

ماده ۳۴۹ - دعوت مجمع عمومی برای اجتماع عادی و اجتماع فوق العاده به هیئت مدیره مربوط است هیئت نظار هم میتواند بموجب ماده (۳۴۴) مجمع فوق العاده را دعوت بانعقاد کند.

ماده ۳۵۰ - اگر در اساسنامه طور دیگر قید نشده باشد مجمع عمومی در محلیکه مرکز شرکت است با اجتماع دعوت میشود.

ماده ۳۵۱ - اگر در اساسنامه طور دیگری قید نشده باشد ارباب سهام در مجمع عمومی به تناسب سهم خود حق رای دارند سهامدارانیکه مالک سهم معینه نباشند میتوانند بطور مشترک اسهام خود را بحد نصاب رسانیده از بین خویش شخصی را کتبا نماینده معرفی و بمذاکرت مجمع عمومی اشتراک کنند.

ماده ۳۵۲ - برای تشکیل مجمع عمومی (باستثنای موضوعاتی که درین قانون مقرر شده) نصابیکه اساسنامه تعیین میکند معتبر است ولی مشروط بر اینکه این نصاب از ۱ - ۴ حصه سرمایه کمتر نباشد. اگر نصاب در اجتماع اول حاصل شده نتواند به فاصله ۱۵ روز مجمع دو باره با اجتماع دعوت میشود سهامدارانیکه در اجتماع دوم حضور بهم میرسانند در مذاکرات اعطای رای صلاحیت دارند تصاویر با کثرت آراء (چه اصالتا باشد و چه وکالتا) معتبر است.

ماده ۳۵۳ - هیچ یکی از سهامداران به موضوعیکه شخصا ذیعلقه باشد رای ندارد.

ماده ۳۵۴ - سهامدارانیکه اقلا دارای بیست فیصد سهام شرکت باشند میتوانند تقاضای کتبی و مستند در انعقاد مجمع عمومی بدهند هیئت مدیره مکلف است که بموجب این تقاضا مجمع عمومی را با اجتماع فوق العاده دعوت کند درینصورت موادی که مذاکره آن تقاضا شده است به آئینده مجلس داخل میشود ممکن است در اساسنامه مقرر شود که سهامدارانیکه ده فیصد از سرمایه شرکت را نمایندگی کنند هم بتوانند این حق را در احضار مجمع عمومی استعمال نمایند.

ماده ۳۵۵ - در صورتیکه به تقاضای کتبی سهامداران طبق ماده (۳۵۴) از طرف هیئت مدیره و یا بموجب ماده (۳۴۶) از طرف هیئت نظار ترتیب اثر داده نشود محکمه تجارتي محل شرکت میتواند با اثر مراجعه سهامداران مذکور مجمع عمومی را دعوت و موضوعاتی را که خواهش نموده اند جزو آئینده قرار دهد در اینصورت در اعلان اجتماع باید اجازه محکمه هم تصریح گردد. در حال مراجعه به محکمه هم حکم فقره اخیر ماده (۳۴۶) تطبیق میشود.

ماده ۳۵۶ - دعوت مجمع عمومی برای اجتماع به ترتیب و شکلی که در اساسنامه ذکر شده اجرا میشود و اقلا یکماه قبل از زمان اجتماع به سهامداران اطلاع داده میشود.

ماده ۳۵۷ - برای اینکه مالکین سهام بی اسم بتوانند در مجمع عمومی رای بدهند لازم است که سهام و اسناد خود را ده روز قبل از روز اجتماع بشرکت بسپارند.

ماده ۳۵۸ - اعلانات و دعوت نامه های انعقاد مجمع عمومی لازم است که حاوی آئینده ذیل باشد:

۱- قرائت راپورهاییکه از طرف هیئت مدیره و هیئت نظار ترتیب داده میشود.

۲- تصدیق یا تعدیل یا رد بیلانس و حساب نفع و ضرر و پیشنهاد توزیع مفاد.

- ۳- اگر طور دیگری تعیین نشده باشد تعیین حق الزحمه و منافع اعضای هیئت مدیره و هیئت نظار.
- ۴- انتخاب مجدد و یا تبدیل اعضای هیئت مدیره و نظارتیکه مدت خدمت شان ختم شده باشد موضوعاتیکه در آجندة قید نشده باشد مورد مذاکره قرار داده نمیشود.
- تبصره: در صورت لزوم مواد دیگری هم درج آجندة شده میتواند.
- ماده ۳۵۹- هر سهامداریکه حق رای داشته باشد میتواند قبل از ده روز اجتماع مجمع دفتر دارائی و حساب نفع و ضرر و بیلانس و راپورهای هیئت نظار و هیئت مدیره را در مرکز شرکت تدقیق کرده و نقل راپور و بیلانس را اخذ کند.
- تبصره: ممکن است راپورت هیئت مدیره و نظار یا بیلانس و حساب نفع و ضرر قبلا چاپ و حین انعقاد مجمع به سهامداران توزیع گردد.
- ماده ۳۶۰- در اجتماع مجمع عمومی جدولی ترتیب میشد که اسامی و محل اقامت و مقدار سهام سهامداران و یا وکلای شانرا که حاضر شده اند نشان بدهد این جدول از طرف رئیس و منشی امضاء شده و در جزء دیگر اوراق مجمع بدوسیة مخصوصی حفظ میگردد.
- ماده ۳۶۱- رئیس مجمع از طرف خود مجمع عمومی انتخاب می شود.
- ماده ۳۶۲- در اثر درخواست اکثریت سهامداران و یا اقلیتی که دهم حصه سرمایه شرکت را نمایندگی کند مذاکره راجع به بیلانس برای (۱۵) روز به تعویق انداخته شده میتواند.
- ماده ۳۶۳- یک نقل تصویبات مجمع عمومی عادی و فوق العاده با جدول اسامی سهامدارانیکه قرار ماده (۳۶۰) با اجتماع حاضر شده اند و اسناد مثبتة دعوت که مجمع بقرار قانون منعقد شده ترتیب گردیده و با رویداد مجلس برای ثبت در دایره ثبت تجارتي ارسال میگردد.
- ماده ۳۶۴- اگر سهامدارانیکه دارای ده یک سرمایه شرکت باشد ادعا کنند که در تاسیسات شرکت و یا معاملات آن سؤ استعمالات وجود دارد یا احکام قانون و مقررات اساسنامه شرکت اخلاص میشود میتوانند برای تحقیق آن از مجمع عمومی تقاضا کنند که هیئت نظار خصوصی تعیین شود در صورت رد این تقاضا از مجمع عمومی میتوانند به محکمه رجوع کنند ولی درینصورت لازم است که مصارف لازمه را قبلا تادیه و سهامی را که مالک اند بیک بانک معتبر تودیع نمایند. در صورتیکه این درخواست از طرف محکمه رد گردد و یا با در نظر گرفتن نتایج تحقیقات بی مورد دیده شود سهامدارانیکه سؤنیت ایشان در این امر به ثبوت برسد برای ضرریکه شرکت ازین حیث متحمل گردیده باشد جمعا مسئول اند.
- ماده ۳۶۵- تصدیق بیلانس از مجمع عمومی متضمن برائت اعضای هیئت مدیره و هیئت نظار است با اینهمه اگر در مندرجات بیلانس غموض و پیچیدگی وجود داشته باشد اعضای هیئت مدیره و نظار نمی توانند باتصدیق آن از طرف مجمع برائت حاصل کنند .
- ماده ۳۶۶- تصویباتیکه از طرف مجمع عمومی بعمل می آید راجع به شرکائیکه در اجتماع حاضر نباشند و یا رای مخالف بدهند نیز معتبر است .
- ماده ۳۶۷- بر علیه تصویبات مجمع عمومی (که مغایر احکام صریحه قانون و یا اساسنامه شرکت باشد) از تاریخ صدور الی سه ماه میتوان بمحکمه که در محل شرکت بوده و به فیصله معاملات تجاریه مکلف باشد مراجعت و اعتراض کرد حق اعتراض عاید است به :
- ۱- سهامدارانیکه در اجتماع حاضر بوده لیکن با تصویب مخالف و مخالفت خود را بورقه رویداد درج کرده اند یا بصورت غیر قانونی از دادن رای محروم شده باشند و یا دعوت با اجتماع بصورت قانونی بعمل نیامده باشد.
  - ۲- هیئت مدیره.
  - ۳- هر یکی از اعضای هیئت مدیره و هیئت نظار در صورتیکه تصویب برایشان موجب تولید مسئولیت گردد اگر اعتراضات از تصویب عمومی متعدد باشد محاکمه آنها واحد است و بنابراین تا ختم مدت اعتراض رسیدگی بشکایات معطل میشود. محکمه باثر



درخواست علاقمندان میتواند از اعتراض کنندگان ضماناتی را در مقابل ضرر احتمالی شرکت تقاضا کند تعیین مقدار ضمانات مربوط به محکمه است اگر اعتراض از جانب هیئت مدیره باشد از طرف شرکت هیئت نظار نمایندگی میکند.

ماده ۳۶۸ - در صورت اعتراض بر علیه تصویب مجمع بر طبق ماده (۳۶۷) محکمه میتواند بعد از خواستن توضیح از اعضای هیئت مدیره و هیئت نظار اجرای تصویب را که بر علیه آن اعتراض واقع شده باشد تاخیر کند.

ماده ۳۶۹ - حکم محکمه راجع به فسخ تصویبی که مورد اعتراض است بعد از آنکه صورت قطعیه را بخود بگیرد درباره تمام سهامداران معتبر شمرده میشود. هیئت مدیره مجبور است تا یک نقل حکم مذکور را فوراً ثبت و اعلان کند.

ماده ۳۷۰ - اگر ثابت شود که اعتراض اشخاص بر علیه تصویب مجمع عمومی بنابر سؤ نیت بوده است از ضرر و خساره که ازین سبب بشرکت وارد میشود اشخاص مذکور جمعا مسئول اند.

ماده ۳۷۱ - اگر در اساسنامه خلاف آن مقرر نشده باشد مجمع عمومی میتواند مقررات اساسنامه را تعدیل کند ولی در تزئید سرمایه شرکت و تبدیل تابعیت اتفاق آراء سهامداران شرط است. در مذاکرات اجتماعاتیکه برای تعدیل اساسنامه بعمل می آید شخصیکه مالک یکسهم هم باشد حق اشتراک و رای دارد اگر در اساسنامه قیدی بر خلاف این امر باشد معتبر نیست. اشخاصی که دارای زیادهتر از یک سهم باشند اگر در اساسنامه بر خلاف آن هم مقرر شده باشد آراء به تناسب سهام معتبر خواهد بود.

ماده ۳۷۲ - در اجتماعات مجمع عمومی که مربوط به تبدیل موضوع معامله و یا نوع شرکت باشد حضور سهم دارانیکه اقلاً از سه ربع سرمایه شرکت نمایندگی کنند شرط است برای اعتبار تصویباتیکه در این اجتماعات اتخاذ میشود اتفاق دو ثلث آرائیکه اصالتاً و یا وکالتاً داده شود ضروری است. اگر در اجتماع اول حضور نمایندگی سه ربع سرمایه ممکه نشود هیئت مدیره میتواند بار دوم مجمع عمومی را دعوت کند این دعوت مجمع به فاصله پانزده روز به جراید اعلان میشود و درین مرتبه حضور تعداد ارباب سهامیکه نصف سرمایه را نمایندگی کنند کافیهست. در اعلانات و دعوتنامه هائیکه برای دعوت به اجتماع بمالکین سهام با اسم تحریر میگردد رویداد مذاکرات و تاریخ انعقاد و نتیجه مذاکرات سابقه هم درج میشود. اگر نصاب مذاکره در اجتماع دوم هم کافی نگردد اجتماع سوم در داخل مدت اجتماع دوم بانعقاد دعوت میشود.

برای این اجتماع حضور و نمایندگی از ثلث سرمایه شرکت کافی است ولی براغی اعتبار تصویبات شرط است که دو ثلث آرائیکه اصالتاً یا وکالتاً حاضر شده اند رای داده باشند.

ماده ۳۷۳ - تصویبی که از طرف مجمع عمومی راجع به تعدیل مواد اساسنامه شرکت بعمل می آید قبل از ثبت و اعلان به محکمه تجارتهی محلی که مرکز شرکت باشد معتبر نیست.

ماده ۳۷۴ - در صورتیکه مجمع عمومی برای تعدیل مواد اساسنامه دعوت باجماع میشود باید متن تعدیل هم بموجب ماده (۳۵۶) بعلاقه مندان اعلان شود.

ماده ۳۷۵ - تاوقتیکه سرمایه ابتدائی شرکت تادیه نشده مجمع عمومی نمیتواند به صدور سهام جدید و تزئید سرمایه تصمیم بگیرد.

ماده ۳۷۶ - در صورتیکه مجمع عمومی درباره تزئید سرمایه شرکت با صدور سهام جدید تصمیم بگیرد اسناد مربوط پس از تکمیل مراسم قانونیه با یک بیان نامه مشترک هیئت مدیره و هیئت نظار بوزارت اقتصاد ملی سپرده شده پس از تصدیق مقام وزارت مراتب به محکمه تجارتهی ثبت و اعلان میشود.

ماده ۳۷۷ - در صورتیکه بدل سهام جدید جنس باشد بموجب مقرراتیکه درین باره در ابتدای تاسیس شرکت پیش بینی شده اجرا میشود.

ماده ۳۷۸ - اگر تزئید سرمایه مطابق احکام قانون بعمل نیامده باشد بی اثر بوده و هیئت مدیره ونظار در مقابل شرکت و اشخاص ثالث از این حیث جمعا مسئول شمرده میشوند.

ماده ۳۷۹ - اگر در تصویب مجمع عمومی راجع به تزئید سرمایه ممانعتی موجود نباشد هر یکی از سهامداران میتوانند از سهام جدید به تناسب سهمی که در سرمایه شرکت دارند باخذ سهام به پردازند. هیئت مدیره سهام صادره را که بسهمداران داده میشود

اعلان میکنند و در اعلان راجع به قبول و یاد سهامداران یک مدتیکه کم از چهار هفته نباشد تعیین میشود.  
ماده ۳۸۰- تصویبی که از طرف مجمع عمومی راجع به تنقیص سرمایه بعمل می آید باید ترتیب و طرز اجرای تنقیص را هم در برداشته باشد.

ماده ۳۸۱- بعد از اعلان و ثبت تصویب مجمع عمومی راجع به تنقیص سرمایه دائنین بذریعه سه مرتبه اعلان در جراید دعوت میشوند علاوه به داینینی که نزد شرکت معلوم است دعوت نامه های علیحده هم فرستاده میشود.  
قبل از ختم تاریخ اعلان اخیر دائنینکه طلبات ایشان ثابت شود در صورت درخواست قروض ایشان پرداخته میشود برای تصفیه معاملات به سهامداران تادیه بعمل نمی آید.

ماده ۳۸۲- در تنقیص سرمایه اگر تنزیل سهام بطور مبادله یا تاپیه نمودن و یا صورت دیگری مناسب دیده شده باشد این ترتیب اعلان میشود سهامی را که با وجود اطلاع آورده نشده باشد ممکن است ابطال نمود ولی در اعلانیکه در مورد اعاده سهام بشرکت بعمل می آید باید صریحا راجع بابطال اخطار داده شود.

ماده ۳۸۳- بعد از آنکه معاملات راجع به تنقیص سرمایه انجام یافت کیفیت از طرف هیئت مدیره بدایره ثبت تجارت ثبت و اعلان میگردد.

حصه پنجم

اسناد سهم

ماده ۳۸۴- سندات سهم با اسم و یا بی اسم میباشد.

ماده ۳۸۵- قبل از ثبت شرکت سندات سهم و یا اسناد موقتی که عوض اسناد سهام میباشد صادر شود.

ماده ۳۸۶- در صورتیکه خلاف آن در اساسنامه شرکت مقرر نشده باشد لازم است که سندات سهم با اسم باشد.

ماده ۳۸۷- اگر در اساسنامه شرکت شرطی راجع به تبدیل نیافتن سهام با اسم به سهام بی اسم و یا بالعکس درج گردیده باشد معتبر است.

ماده ۳۸۸- برای تبدیل سهام با اسم به سهام بی اسم شرط است که تمام قیمت آن پرداخته نشده باشد و اگر قیمت سهام یا اسم از قیمت محرز آن زیاد باشد مبلغ زاید باید اخذ شود.

ماده ۳۸۹- سندات سهمیکه قیمت آن تماما پرداخته نشده باشد و اسناد موقتیکه قبل از سندات سهم بسهم داران برای معلوم ساختن حق اشتراک ایشان داده میشود باید که با اسم باشد.

ماده ۳۹۰- هر سند سهم در مقابل شرکت غیر قابل تقسیم است اگر ملکیت سند سهم متعلق بچند نفر باشد میتواند حقوق خود شانرا در مقابل شرکت تنها بواسطه تعیین وکیل تثبیت کنند.

۳۹۱- سندات سهم باید دارای امضای شخصی باشد که بنام شرکت صلاحیت امضا را دارد در سند سهم عنوان شرکت ، تاریخ اعلان تاسیس و تعداد سندات سهم با مقدار سرمایه شرکت و قیمت های سهام شود - امضاء بشکل تاپه یا مهر هم مجاز است.

ماده ۳۹۲- هر سند سهم باید اقلا (صد) افغانی قیمت داشته باشد سند صدور سند سهم کمتر از یکصد افغانی مجاز نیست مگر بشرطیکه در اساسنامه طور دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۳۹۳- در سندات سهم با نام باید اسم - پیشه و مسکن مالک نوشته شده و از طرف شرکت در دفتر مخصوص قید شود.

ماده ۳۹۴- اگر بر خلاف آن در اساسنامه شرکت پیش بینی نشده باشد سندات سهم با نام را میتوان بدون موافقت شرکت بدیگری انتقال داد.

ماده ۳۹۵- سند سهم با نام را میتوان با ظهر نویسی و یا با سند تحریری جداگانه بدیگری انتقال داد و برای اعتبار این انتقال بمقابل شرکت و اشخاص ثالث لازم است که از طرف شرکت بدفتر مخصوص قید شود و قید در اثر نشان دادن سند سهم و با سند انتقال از طرف گیرنده سهم عملی میشود.

ماده ۳۹۶ - تصاحب و انتقال اسنادات سهم بی نام در مقابل شرکت و اشخاص ثالث تنها به تصرف معتبر شناخته می شود.

ماده ۳۹۷ - سهمداریکه قیمت یک سند سهم را تادیه نمیکند از روزیکه لازم الادا میباشند به پرداخت تکت پولی قانونی آن خساره که ازین حیث بشرکت وارد شده باشد مجبور است مقررره ایکه راجع به تادیه یک مبلغ معین بنام جبران خساره از رهگذر معطلی پرداخت قیمت اسنادات سهم در اساسنامه شرکت مندرج باشد معتبر است .

ماده ۳۹۸ - در صورتیکه یک سهمدار قیمت سهم خود را تماما و یا قسما در وقت معین آن نپرداخته باشد اگر در اساسنامه شرکت مقرراتی وجود نداشته باشد هیئت مدیره میتواند بقرار آتی اقدام نماید.

سهمدارانیکه در پرداخت قیمت اسناد سهم تاخیر کنند برای ایشان در روزنامه ها دو اخطار در ظرف یکماه داده میشود هر اخطار بفاصله ۱۵ روز که در هر مرتبه سه روز متوالیا نشر شد بعمل می آید.

اگر از تاریخ اعلان اخیر در ظرف یکماه قیمت پرداخته نشود به سهمدار مذکور دو اخطار دیگر به فاصله های ده روز ابلاغ می شود که در صورت عدم پرداخت تمام حقوق اشتراک خود را از دست خواهد داد.

سهمدارانیکه در وقت معینه پول را نپردازند اگر در اساسنامه بر خلاف آن مقرر نشده باشد حق اشتراک را ضایع میکنند این کیفیت هم بصورت جداگانه اعلان میشود.

بعد از اجرای این ترتیب شرکت اسهام مربوطه را بقیمت بورس و یا بطور مزایده بفروش رسانده اسناد سابق را باطل و عوض آن اسناد جدید اعطا می نماید. در این اسناد مبالغ تادیه شده و اقساط باقیمانده درج میگردد اگر مبلغ تحصیل شده از درک فروش اسناد سهمیکه بموجب این ماده فروخته میشود از مبلغ معین سند مذکور کم باشد فرق آن از مالک اول سند گرفته می شود.

ماده ۳۹۹ - در حال فروش یک سند سهم با نام که قیمت آن تماما پرداخته نشده باشد مالک اول و کسانیکه بعدا سند را خریده اند از مبلغ باقی سند مذکور در مقابل شرکت جمعا مسئول میباشند.

مسئولیت انتقال دهندگان از تاریخ درج انتقال در دفتر شرکت بعد از سه سال ساقط میشود قبل از پرداخت بقیه مبلغ سند سهم انتقال دهنده حق دارد بیکی از انتقال دهندگان بعد از خود و یا آخرین دارنده سند برای مبلغی که تادیه نموده است رجوع کند.

ماده ۴۰۰ - قبل از تشکیل قطعی شرکت سهامی انتقال اسنادات سهم بدیگری جائز نیست.

ماده ۴۰۱ - انتقال اسنادات سهمی که مقابل جنس داده شده باشد بعد از مرور دو سال از تشکیل شرکت ممکن است.

ماده ۴۰۲ - اگر یک سند سهم و سند موقتی طوری پوسیده و خراب شده باشد که استعمال آن غیر ممکن ولی مندرجات اصلی و علامه فارقه آن بلا تردد قابل فهم باشد صاحب آن حقدار با پرداخت مصارف از شرکت سند سهم وسند موقت جدید طلب نماید.

باب سوم - اسناد تجارتي

(فصل اول)

(برات)

حصه اول - «تحریر و شکل برات»

ماده ۴۷۱ - برات باید محتوی شرایط ذیل باشد:

۱- کلمه برات در متن سند بهر زبانیکه برات تحریر شده باشد.

۲- امر تادیه مبلغ معین بلا قید و شرط.

۳- اسم مخاطب (تادیه کننده برات)

۴- موعد تادیه

۵- محل تادیه

۶- اسم شخصی که مبلغ در وجه او و یا حواله کردش باید تادیه شود.

۷- محل و تاریخ تحریرات.

۸- امضای صادر کننده برات.

ماده (۴۷۲) را حاوی نباشد ماهیت برات را نخواهد داشت به استثنای حالاتیکه در فقرات ذیل ذکر گردیده است:

- ۱- براتیکه موعد تادیه در آن ذکر نشده باشد عند الرویت قابل تادیه دانسته میشود.
  - ۲- در براتیکه محل تادیه ذکر نباشد محللیکه بعد از اسم مخاطب تحریر شده باشد محل تادیه شناخته میشود.
  - ۳- براتیکه محل صدور در آن ذکر نشده باشد محللیکه بعد از اسم صادر کننده مذکور باشد محل صدور شناخته میشود.
- ماده ۴۷۳- برات را میتوان قابل تادیه بامر صادر کننده یا در وجه صادر کننده یا بحساب شخص ثالث تحریر کرد.
- ماده ۴۷۴ - تادیه برات را میتوان در اقامتگاه شخص ثالث چه در محل سکونت مخاطب باشد و چه در محل دیگری مشروط نمود.
- ماده ۴۷۵ - براتی که عند الرویت و یا در مدت معینی بعد از ارائه قابل تادیه باشد صادر کننده میتواند شرط گذارد که مبلغ تادیه - تکت پولی دانسته باشد. در براتهای دیگر شرط تکت پولی معتبر نیست. مقدار تکت پولی باید تعیین شده باشد در صورت عدم تعیین تکت پولی معتبر نیست اگر تاریخ دیگری مقرر نشده باشد تکت پولی از تاریخ تحریرات حساب خواهد شد.
- ماده ۴۷۶ - در براتیکه مبلغ هم بحروف و هم بارقام تحریر شده باشد اگر بین هر دو تفاوت موجود شود مبلغیکه با حروف تحریر گردیده معتبر است.
- در براتیکه مبلغ تنها با حروف و یا تنها با ارقام مکرر تحریر شده باشد و در بین آنها تفاوت موجود شود به مبلغ اقل اعتبار داده میشود.
- ماده ۴۷۷ - امضای اشخاصیکه واجد صلاحیت و اهلیت در برات نباشند باعتبار امضای اشخاص واجد صلاحیت اثری وارد نمیتواند.
- ماده ۴۷۸ - کسانیکه برات را بناءو حساب شخصیکه وکالت او را ندارد امضاء کنند هر نوع مسئولیت راجع با آن برات بایشان عاید است. در باره وکیلی که از حدود صلاحیت خود تجاوز کند نیز عین همین حکم معتبر است.
- ماده ۴۷۹ - قبول و تادیه برات تحت ضمانت صادر کننده است صادر کننده ممکن است خود را از ضمانت قبول وارهاند ولی شرطیکه متضمن ابراء از ضمانت تادیه باشد معتبر نیست.

حصه دوم

ظهر نویسی

- ماده ۴۸۰ - برات بموجب ظهر نویسی قابل انتقال میگردد. اگر صادر کننده برات جمله قابل انتقال نیست و با یک جمله دیگریک عین معنی را افاده کند نوشته باشد برات مذکور بطریق ظهر نویسی نقل شده نتوانسته تابع احکام طلبات غیر قابل انتقال است. برات را میتوان به مخاطب و صادر کننده و یا مسئولین دیگری ظهر نویسی نمود با ظهر نویسی کافه حقوق متولد از برات انتقال می یابد.
- ماده ۴۸۱ - ظهر نویسی لازم است از هر گونه قید و شروط عاری باشد. هر شرطیکه ظهر نویسی با آن متعلق باشد بلا اثر میباشد و ظهر نویسی یک قسمت از وجه برات باطل است.
- ماده ۴۸۲ - ظهر نویسی یا بر خود برات و یا بر یک ورقه دیگر ملصق ببرات نوشته میشود ظهر نویسی لازم است از طرف ظهر نویس امضا شود. اگر در ظهر نویسی اسم حامل ذکر نگردیده باشد و یا ظهر نویس در ظهر برات یا ورقه ملصق برات تنها به امضاء اکتفا نموده باشد این ظهر نویسی صحیح و معتبر است. (ظهر نویسی سفید).
- ماده ۴۸۳ - اگر ظهر نویسی از نوع ظهر نویسی سفید باشد حامل آن میتواند:
- ۱- ظهر نویسی را بنام خود یا بنام شخص دیگری بنویسد.
  - ۲- برات بطور ظهر نویسی سفید نقل و یا بیک شخص دیگری تکرارا ظهر نویسی کند.
  - ۳- بدون پر کردن جای سفید آن و یا بدون ظهر نویسی برات را بشخص دیگری نقل دهد.
- ماده ۴۸۴ - اگر بر خلاف آن قیدی نباشد ظهر نویس متکفل قبول و تادیه برات سات.

ظهر نویس میتواند اجرای یک ظهر نویس هیچ ضمانتیرا در مقابل شخصیکه بعد از آن برات باو ظهر نویسی شده باشد ندارد. ماده ۴۸۵ - اگر ظهر نویسی سفید را یک ظهر نویسی کامل (بنام شخص معین) تعقیب کند امضاء کننده ظهر نویسی اخیر برات چنان تلقی میشود که بتوسط ظهر نویسی سفید مالک برات است ظهرنویسهای خط زده شده معتبر نیست. اگر ذو الیدی یک شخص بنابر سببی از برات زایل شده باشد حامل آن در صورتیکه حقوق خود را اثبات بتواند مالک آن شمرده میشود. ماده ۴۸۶ - اگر حامل برات علیه مسئولین دعوی کند مدعی علیه نمیتواند باستناد معاملات یا حاملین سابق یا صادر کننده دفع مسئولیت کند.

ماده ۴۸۷ - اگر ظهر نویسی حاوی یکی از عباره های ذیل باشد (برای تحصیل است) (برای قبض است) و یا وکالتا یا عباره دیگری را که دلالت بر وکالت نماید حامل با اینکه واجد کافه حقوق متولده از برات است شهر نویسی آن را فقط بحیث وکیل میتواند اجرا نماید.

درین حال مسئولین اینگونه برات نمیتوانند پیش از آن ادعائیکه در برابر ظهر نویس موکل دارند در مقابل حامل پیش کنند. وکالتی که در ظهر نویسی موجود میباشد با مرگ شخص موکل و یا بنا بر زایل شدن اهلیت قانونی ساقط نمیشود. ماده ۴۸۸ - در حالیکه در ظهر نویسی عبارت های (برای تضمین است) و یا (برای رهن است) و یا تعبیراتیکه معنی ضمانت و یا رهن از آن فهمیده شود موجود باشد حامل میتواند از تمام حقوق متولده از این برات استفاده کند اما ظهر نویسی برات از طرف او تنها حکم ظهر نویسی از طرف وکیل را دارد. ماده ۴۸۹ - ظهر نویسی که بعد از انقضای مدت اجراء شود در حکم ظهر نویسی است که قبلا اجرا شده باشد. اگر بر خلاف آن حکمی موجود نباشد ظهر نویسی بیتاریخ چنان محسوب میشود که قبل از ختم میعاد اعتراض تحریر شده باشد.

حصه سوم

«قبولی»

ماده ۴۹۰ - برات را قبل از رسیدن موعد از طرف حامل و یا از طرف هر ذو الید دیگری به محل اقامتگاه مخاطب برای قبولی میتوان ارائه نمود.

ماده ۴۹۱ - صادر کننده میتواند در برات برای قبولی مخاطب شرط مرور مدتی را قید کند و یا بدون مدت مکلفیت حامل را در اخذ قبولی تحریر نماید. براتیکه تادیه آن به اقامتگاه و یا بعد از ارائه تادیه آن بمرور مدتی مقید نشده باشد صادر کننده میتواند آن را (غیر قابل قبول) بنویسد. همچنان صادر کننده میتواند شرط بگذارد که ارائه برای قبول قبل از تاریخ معین بعمل آمده نمیتواند در صورتیکه از طرف صادر کننده قید (غیر قابل قبول) درج نشده باشد هر ظهر نویس میتواند با تعیین یک مدت و یا بدون تعیین مدت برات را برای قبول مشروط نماید.

ماده ۴۹۲ - در برات هائیکه تادیه آن یک مدت معین بعد از ارائه مشروط باشد لازم است از تاریخ برات الی ظرف شش ماه ارائه شود. صادر کننده میتواند این مدت را کم یا زیاده نماید از طرف ظهر نویس مدت تنها تقلیل شده می تواند.

ماده ۴۹۳ - براتیرا که حامل برای قبولی ارائه میکند مجبور نیست بمخاطب تسلیم کند مخاطب میتواند فردای روزیکه برات باو ارائه شده باشد برای بار دوم طالب ارائه گردد.

اگر حامل اعتراض کند و در جواب بمطالبه بار دوم استناد نشود علاقه مندان نمیتوانند قبول ننمودن مطالبه دوم را ادعا کنند.

ماده ۴۹۴ - قبول به عبارت (قبول گردیده است) و یا به عبارت دیگری که مفید همین معنی باشد افاده میشود و از طرف مخاطب امضاء میگردد محض امضای مخاطب بر روی برات هم در حکم قبول است در حالیکه تادیه برات بعد از ارائه در یک مدت معین و یا ارائه آن در ظرف یک مدت معین برای قبولی مشروط باشد اگر حامل درج تاریخ روز ارائه را تقاضا نکند هر روزی که قبولی در آن واقع شده باشد تاریخ همان روز درج میشود.

اگر مخاطب در حین قبول تاریخ درج نکرده باشد لازم است حامل برای محافظه حقوق خود در مقابل ظهر نویسها و در مقابل صادر

کننده ه با تنظیم یک ورقه اعتراض (پروتست) که در وقت و زمان معین تحریر شده باشد این غلت را اثبات کند.  
ماده ۴۹۵ - قبول باید بدون قید و شرط باشد ولی مخاطب میتواند جزئی از مبلغ محتویه برات را قبول نکند. تمام قیود دیگری که در قبول درج میشود اگر مندرجات برات را تعدیل نماید در حکم عدم قبول است. معذالک قبول کننده بشرط در حدود شرطیکه نوشته مسئول است.

ماده ۴۹۶ - اگر برات طوری صادر شده باشد که در محل غیر اقامتگاه مخاطب قابل تادیه باشد و نام شخصیکه باو تادیه میشود در آن تصریح نشده باشد چنان محسوب میشود که قبول کننده تعهد نموده که وجه برات را شخصا در محل تادیه ادا نماید.  
ماده ۴۹۷ - شخصیکه برات را قبول میکند مسئول تادیه آنست در صورت امتناع از تادیه اگر حامل صادر کننده برات هم باشد بموجب مواد (۵۱۸-۵۱۹) همه حقوق قابل مطالبه را میتواند دعوی کند.

ماده ۴۹۸ - اگر قبول کننده قبولی را بروی برات نوشته باشد و قبل از تسلیمی برات بحامل آنرا خط بزند چنان محسوب میشود که از قبول امتناع نموده است. ولی اگر مخاطب این قبول را بحامل و یا بیکی از اشخاص امضاء کننده برات تحریرا اخبار و بعد از آن قبولی خود را خط زده باشد در دایره قبول خود مسئول است.

#### حصه چهارم

##### ضمانت

ماده ۴۹۹ - تادیه یک برات جزو و یا وکلا توسط ضمانت تامین شده میتواند تضمین ممکن است از طرف شخصی ثالث و یا یکی از امضاء کنندگان بوده باشد.

ماده ۵۰۰ - ضمانت یا در برات و یا در یک ورقه ملحقه درج میشود.

ضمانت یا عبارت (برای ضمانت است) و یا عبارت شبیه آن افاده میشود و از طرف ضامن امضاء میگردد. امضای اشخاص دیگر غیر از صادر کننده و مخاطب بر روی برات افاده ضمانت را میکند در ضمانت باید تصریح گردد که بحساب کدام شخص ضمانت شده است و اگر تصریح نگردیده باشد بحساب صادر کننده شمرده میشود.

ماده ۵۰۱ - ضمانت کننده باندازه شخصیکه ضامن او شده است مسئول است. اگر برات بشکل قانونی ترتیب نشده باشد ضامن از تعهد خود بری میباشد اگر ضامن وجه برات را تادیه کند حق دارد علیه شخص ضمانت شده و اشخاص دیگری که نزد شخص ضمانت شده مسئولیت دارند رجوع کند.

#### حصه پنجم

##### موعد

ماده ۵۰۲ - برات را میتوان بشرايط ذیل صادر نمود:

۱- در مدت معین بعد از ارائه .

۲- در مدت معین بعد از تاریخ برات.

۳- در تاریخ معین.

تبصره: براتهای خارج از مواعد فوق یا براتهاییکه تادیه آن مقید باقسط شده باشد باطل است.

ماده ۵۰۳ - براتییکه تادیه آن به ارائه مشروط باشد لازم است در موقع ارائه تادیه گردد و براتهاییکه تادیه آن در یک مدت معین بعد از ارائه لازم باشد حتما باید در ظرف مدتی که برای ارائه جهت قبول مشرول باشد ارائه شود.

ماده ۵۰۴ - براتییکه وعده تادیه آن در یک مدت معین بعد از ارائه میباشد وقت تادیه آن را تاریخ قبول و یا تاریخ اعتراض تعیین میکنند. در حالیکه اعتراض نشده باشد نسبت به شخص قبول کننده برات که قبولی او بیتاریخ باشد روز اخیر مدتییکه ذریعه قانون یا قرارداد برای ارائه تعیین گردیده اعتبار داده میشود.

ماده ۵۰۵ - برائیکه بیک و یا چند ماه بعد از تاریخ صدور و یا بعد از ارائه واجب التادیه میباشد میعاد تادیه آن تاریخ مقابل همان ماهی است که در آن تادیه صورت میگیرد.

و اگر تاریخ مقابل موجود شده نتواند روز اخیر ماه موعده تادیه شمرده میشود اگر برات برای تادیه در یک یا چند ماه و نیم اصدار شده باشد اول باید ماه های کامل را حساب نمود. اگر موعده برات ابتدای ماه و نهایت ماه تعیین شده باشد مقصد ازین تعبیرات اول پانزدهم و روز اخیر ماه است.

ذکر هشت یا پانزده روز ه و یک و یا دو هفته نبوده بلکه هشت و یا پانزده روز حقیقی است تعبیر نیم ماه به ۵ ۱ روز اطلاق میشود. ماده ۵۰۶ - اگر از نظر میعاد تادهی تقویم محل صدور برات با تقویم محل تادیه اختلاف داشته باشد تقویم محلت ادیه معتبر است. اگر موعده پرداخت برات با تعطیل تصادف کند باید روز بعد از تعطیل تادیه شود. همین قاعده در مورد سایر اوراق تجارتنی نیز رعایت خواهد شد.

#### حصه ششم

##### تادیه

ماده ۵۰۷ - حامل مجبور است بروزیکه برات قابل تادیه میباشد و یا منتهی تا دو روز کار بعد از آن به مخاطب رجوع نماید.

ماده ۵۰۸ - در حالیکه مخاطب وجه برات را تادیه میکند از حامل تقاضا مینماید که به برات رسید تحریر و آنرا تسلیم کند. در صورت تادیه قسمی برات رد نمیشود ولی مخاطب میتواند تقاضا نماید که در برات برای قسمت تادیه شده باو رسید داده شود.

ماده ۵۰۹ - حامل برات قبل از حلول موعده بگرفتن وجه برات مجبور نمیشود.

مخاطبیکه قبل از حلول موعده برات را تادیه میکند ضرر این تادیه بخودش متوجه خواهد شد. شخصیکه در حلول موعده برات را تادیه میکند بری الزمه میشود مشروط براینکه حيله و یا غفلت فاحش در تادیه بعمل نیامده باشد.

شخص تادیه کننده به تدقیق انتظام و توالی ظهر نویسی ها مجبور است لیکن بتدقیق صحت امضای ظهر نویسان مکلف نخواهد بود.

ماده ۵۱۰ - اگر برات پولی که در محل تادیه رایج نباشد صادر گردد و صادر کننده پولی را که تادیه آن در برات ذکر گردیده شرط نگذاشته باشد مخاطب میتواند که پول متداول محل تادیه را قرار قیمت (روز تادیه) اجرا نماید اگر نوع وجه برات مقید باشد و مدیون برات از تادیه عاجز آید حامل میتواند تقاضا کند وجه برات را به پول محل تادیه بقرار روز نرخ موعده تادیه کند.

ماده ۵۱۱ - نرخهائیکه در محل تادیه جاری میباشد اساس قیمت پول خارجی شمرده میشود. صادر کننده و یا یکی از ظهر نویسان میتواند مبلغی را که تادیه خواهد شد مطابق قیمت معین تسغیر و در برات درج کند. اگر وجه برات به پولی تعیین شود که در مملکت صادر کننده و تادیه کننده اسم واحد و قیمت متفاوت داشته باشد درین صورت مسکوک (پول رایج) محل تادیه معتبر دانسته میشود.

ماده ۵۱۲ - در حالیکه برای وجه برات در ظرف مدت معین ماده (۵۰۷) برای تادیه رجوع نشود هر یکی از مدیونین برات میتوانند مبلغ برات را بمصرف و خساره حامل بمقام صلاحیت دار تودیع کنند.

#### حصه هفتم

حق رجوع در حال عدم قبول و

عدم تادیه

ماده ۵۱۳ - حامل علیه صادر کننده و ظهر نویس و اشخاص مسئول دیگر در حالات ذیل میتواند رجوع کند.

۱- اگر در حلول مدت برات تادیه بعمل نیامده باشد.

۲- اگر از قبول کلا یا قسما امتناع شده باشد.

۳- در صورت افلاس مخاطب خواه برات قبول شده باشد و یا نشده باشد یا در صورت معطلی تادیه از جانب مخاطب چه بحکم محکمه باشد یا نباشد.

و یا در صورتیکه حامل به محکمه مراجعه نموده و معادل وجه برات از اموال مخاطب تحت مراقبت گرفته شده و نتیجه نداده باشد.

۴ - در صورت افلاس صادر کننده براتی که غیر قابل قبول باشد.

ماده ۵۱۴ - استنکاف از قبول یا تادیه لازم است با یک ورقه رسمیه که اعتراض عدم قبول و یا عدم تادیه گفته میشود اثبات کرده شود باید اعتراض عدم تادیه در روزیکه تادیه برات لازم می آید و یا در ظرف دو روز کار متعاقبه بعمل آید و اعتراض عدم قبول باید در ظرف مدتیکه برای ارائه برات بجهت قبول تعیین شده اجرا شود.

در موضوع فقره دوم ماده (۴۹۳) اگر ارائه اول برات در روز اخیر موعود بوقوع آمده باشد اعتراض را میتواند در روز آینده همان روز هم بعمل آورد.

اعتراض عدم قبول اعتراض عدم تادیه و ارائه را از بین میبرد در حالات متذکره فقره سوم ماده (۵۱۳) حامل بدون اینکه برات را به مخاطب ارائه کند و یا اعتراض نماید میتواند از حق رجوع خود در مقابل مسئولین استفاده کند راجع به فقره چهارم ماده مذکور حامل با داشتن دلیل افلاس صادر کننده میتواند رجوع کند.

ماده ۵۱۵ - حامل مجبور است در ظرف چهار روز کار بعد از روز اعتراض و یا اگر در برات شرط اعاده بی مصرف موجود باشد در ظرف چهار روز کار بعد از روز ارائه کیفیت عدم قبول یا عدم تادیه را به ظهر نویس و صادر کننده اخبار کنند هر ظهر نویسی که باو اخبار میشود مجبور است خبری را که گرفته در ظرف دو روز کار با علاوه کردن اسم و آدرس کسانیکه باو اخبار کرده اند بظهر نویس خود اطلاع بدهد.

تا زمانیکه بصادر کننده میرسد بهمین منوال معامله دوام میکند مدت‌های مذکوره از تاریخ اخذ خبر آغاز مییابد.

اگر یک ظهر نویس آدرس خود را تحریر ننموده باشد و یا بصورتی تحریر نموده باشد که خواننده شده نتواند اخبار بظهر نویس مقدمتر از او کافی است شخصیکه مجبور باخبر است لازم است این خبر را به واسطه دائره مربوطه رسمی تبلیغ کند.

شخصیکه در داخل مدت مقرر اخبار نکند حقوق او ساقط نمیشود و اگر بنا بر غفلت او ضرر و زیانی تولید شده باشد به خود او مربوط است مقدار این ضرر و زیان از وجه برات تجاوز نمیتواند.

ماده ۵۱۶ - اگر صادر کننده یا ظهر نویس یا ضامن در برات کلمات (اعاده بی مصرف) و یا (بی اعتراض) و یا کلماتیکه این منظور را افاده کند نوشته باشند حامل آن برات برای رجوع خود از اعتراض عدم قبول یا عدم تادیه معاف دانسته میشود. اما حامل برات مکلف است که در ظرف مدت معینه بظهر نویس ها و صادر کننده اخبار نماید اثبات عدم رعایت مدت ها بشخص راجع است که در مقابل حامل مدعی میشود، شرطیکه صادر کننده وضع کرده در حق کافی آنانیکه ببرات امضا نموده اند مرعی است. اگر چنین شرط از طرف یکظهر نویس یا ضامن نوشته شده باشد تنها راجع بظهر نویس یا ضامن مرعی میباشد اگر با وجود شرطیکه از طرف صادر کننده نوشته شده باشد حامل اعتراض نماید مصارف مربوط بخود اوست.

ماده ۵۱۷ - اشخاصیکه برات را صادر و یا قبول و یا ظهر نویسی و یا ضمانت میکنند در مقابل حامل بصورت منفرد و مجتمع مسئول اند حامل برات بدون اینکه مراتب را در نظر بگیرد حق دارد علیه تمام ایشان منفردا یا مجتمعات اقامه دعوی کند. عین همین حق را هر صاحب امضائیکه وجه برات را تادیه میکند داراست. اقامه دعوی بمرتب اول علیه یکی از اینها مانع اقامه دعوی علیه دیگران نمیشود. اگر یکی از ظهر نویسان رجوع شود که تاریخ امضاء او از دیگران مؤخر باشد مانع دعوی حامل بدیگران نمیشود.

ماده ۵۱۸ - حامل می تواند از شخصیکه علیه او رجوع کرده مطالبات ذیل را بنماید:

۱ - وجه براتی را که قبول نگردیده و یا قبول شده و تادیه نشده باشد و نیز تکت پولی آنرا اگر مشروط باشد.

۲ - فی صد شش تکت پولی آنرا از تاریخ حلول موعود.

۳- مصارف اعتراض و اخباریکه از طرف حامل بظهر نویس ها و صادر کننده تبلیغ گردیده باشد با مصارف دیگریکه از همین حیث



متحمل شده باشد.

اگر حق رجوع قبل از حلول موعد استعمال شده باشد برات تنزیل میشود.

این تنزیل از روی نرخ رسمی تنزیل (نرخ بانک) و یا نرخ بازار آزاد که در زمان رجوع در اقامتگاه حامل جریان داشته باشد حساب میشود.

تبصره: تکت پولی فیصد شش که در فقره (۲) تصریح شده در تمام مواردیکه موافقت موجود نباشد معتبر است.

ماده ۵۱۹ - شخصیکه وجه برات را تادیه میکند از اشخاصیکه در مقابل او مسئول اند مطالبات ذیل را می تواند.

۱ - تمام مبلغی را که تادیه کرده .

۲ - تکت پولی مبلغ مذکور را از تاریخ تادیه

۳ - هر مصارفی که متحمل شده باشد.

ماده ۵۲۰ - هر مسئولیکه حق رجوع علیه او استعمال شده باشد می تواند در مقابل تادیه وجه برات تقاضا کند که در مقابل برات با ورقه اعتراض باو رسید داده شود هر ظهر نویسیکه وجه برات را تادیه میکند میتواند ظهر نویسی خود و ظهر نویسی های ما بعد را خط بکشد.

ماده ۵۲۱ - در صورت استعمال حق رجوع پس از قبول قسمی شخصیکه مبلغ قبول نشده برات را تادیه مینماید میتواند تقاضا کند که تادیه مذکور بر روی برات قید شده رسید آن هم باو داده شود حامل برات باید یک نقل مصدق برات را نیز با اعتراض باو بدهد تا آنکه استعمال مزید حق اعتراض ممکن شد بتواند.

ماده ۵۲۲ - شخصیکه دارای حق رجوع است اگر در برات بر خلاف آن مشروط نباشد میتواند بذریعه یک برات جدیدیکه به برات اعاده (Rechange) موسوم میشود وجه برات را از یکی از اشخاصیکه نزد او مسئول اند دریافت کنند و لازم است (برات اعاده) از نوع قابل تادیه در اقامتگاه و عند الرویه باشد.

برات اعاده غیر از مبالغیکه در مواد (۵۱۸ - ۵۱۹) نشان داده شده حاوی بر مبلغ دلالی و مخارج صکوک و مصارف انتقال پول نیز میباشد.

ماده ۵۲۳ - حق رجوع حامل بصادر کننده ظهر نویسیها و سایر مسئولین برات (باستثای حق رجوع بقبول کننده) در موارد ذیل ساقط میگردد:

۱ - هرگاه مدت معینه قانونی براتهاییکه عند الارائه یا بعد از یک مدت پس ارائه قابل تادیه باشد منقضی شده باشد.

۲ - در صورتیکه اعتراضات مربوط به عدم قبول یا عدم تادیه بعد از مدت معینه قانونی بعمل آمده باشد.

۳- اگر براتی دارای شرط (بی مصرف) بعد از مدت معینه ارائه شده باشد و یا اگر از طرف صادر کننده قید باشد که در ظرف مدت معینه برای قبول برات ارائه گردد در صورت عدم مراعات به آن و این قید در صورتی اعتبار دارد که از فحوای آن استنباط نشود که مقصد صادر کننده ابراء ذمه از مسئولیت قبول بوده است.

اگر یک ظهر نویس در ظهر نویسی خود مدتی را برای ارائه درج نموده باشد از این مدت تنها همان ظهر نویس میتواند استفاده نماید.

ماده ۵۲۴ - اگر در ظرف مدت هائیکه قانونا معین است ارائه برات و اعتراض به سبب یک مانع غیر قابل رفع (فورس ماژور) ممکن نشود مدت های مذکور تمدید میشود.

حامل برات مجبور است بلا تاخیر علل مجبره (فورس ماژور) را بظهر نویس خود اطلاع دهد. و این اطلاع باید در برات و یا یک ورقه ضمیمه منضمه که در آن تاریخ نوشته و امضا شده باشد تحریر شود.

بعد از رفع علل مجبره حامل باید برات را بدون فوت وقت برای قبول و یا تادیه ارائه کند و در صورت لزوم اعتراض نامه صادر نماید.

اگر علل مجبره بیشتر از سی روز بعد از حلول موعد دوام کند بدون اینکه بارائه برات و تحریر اعتراض حاجت باشد حق رجوع استعمال شده میتواند.

درباره برات هائیکه با ارائه و یا در یک مدت معین بعد از ارائه قابل تادیه باشد مدت سی روز از تاریخی حساب میشود که حامل علل مجبره را به ظهر نویس خود خبر داده باشد ولو این تاریخ قبل از اختتام موعد ارائه هم بوده باشد. در احوالیکه اعتراض تنها به شخص حامل و یا شخصیکه مامور به ارائه برات است عاید گردد از علل مجبره (فورس ماژور) شمرده نمیشود.

#### حصه هشتم

##### توسط

ماده ۵۲۵ - صادر کننده یا ظهر نویس میتواند شخص دیگری را معرفی کند تا در صورت نکول مخاطب برای قبول یا تادیه باو مراجعه شود شخص ثالث و مخاطب و هر شخصیکه بنابر امضاء برات مسئولیت داشته باشد (غیر از شخصیکه برات را قبول میکند) میتواند توسط کنند شخصیکه برای یکی از امضاء کنندگان توسط میکند مجبور است بکسی که برای او توسط نموده باشد از وساطت خود در ظرف دو روز کار اخبار کند.

##### قبول بالتوسط

ماده ۵۲۶ - در صورتیکه موعد برات حلول نموده و حامل صلاحیت رجوع را داشته باشد قبول بالتوسط بعمل آمده میتواند حامل در قبول وساطت مختار است و اما اگر حامل پیشنهاد بالتوسط را قبول مینماید حق مراجعتی را که پیش از حلول موعد علیه مسئولین برات دارد از دست میدهد.

ماده ۵۲۷ - کیفیت قبول بالتوسط در برات تحریر و از طرف توسط کننده امضاء میشود قبول بالتوسط بحساب هر کسیکه بعمل آمده باشد تصریح میگردد. در صورت عدم تصریح بحساب صادر کننده محسوب میشود.

ماده ۵۲۸ - قبول کننده بالتوسط در مقابل حامل مسئول است. و اگر این قبول بالتوسط بحساب مخاطب باشد در مقابل ظهر نویسی هائیکه بعد از آن میآیند مثل مخاطب مسئول است. با وجود قبول بالتوسط شخصیکه برای او توسط واقع میشود و یا کفیل قانونی او میتواند طبق ماده (۵۱۸) وجه را تادیه کرده برات یا در صورت ایجاب و رقه اعتراض را طلب کند.

##### تادیه بالتوسط

ماده ۵۲۹ - در تمام احوالیکه حامل دارای حق رجوع میباشد چه در حلول موعد و چه قبل از آن تادیه بالتوسط ممکن است تادیه بالتوسط باید شامل تمام مبلغ قابل تادیه باشد و باید منتهی فردای روز آخری که برای اعتراض عدم تادیه مقرر است اجرا شود.

ماده ۵۳۰ - اگر برات بالتوسط قبول شده و تادیه بعمل نیامده باشد حامل فردای روز آخری که برای اعتراض مقرر است اعتراض عدم تادیه را تحریر میکند. در حالیکه در ظرف مدت مذکوره اعتراض تحریر نگردد شخصیکه برات بحساب او قبول شده و همچنان ظهر نویسان ما بعد از مسئولیت بری میشوند.

ماده ۵۳۱ - حاملیکه تادیه بالتوسط را مطابق ماده (۵۱۸) قبول نمیکند حق رجوع خود را در مقابل اشخاصیکه تادیه باعث برات ذمه ایشان میشود از دست میدهد.

ماده ۵۳۲ - تادیه بالتوسط برای هر شخصیکه اجرا میشود با تحریر و امضای روی برایت اثبات میگردد.

اگر در برات نشان داده نشده باشد که تادیه برای کدام شخص بعمل آمده چنان فرض میشود که برات صادر کننده است برات و رقه اعتراض در صورتیکه اجرا شده باشد بشخصیکه بطریق توسط برات را تادیه مینماید تسلیم میشود.

ماده ۵۳۳ - تادیه بالتوسط برای هر کسیکه بعمل آید حقوق را که حامل در مقابل آن شخص و اشخاص دیگری که نزد او مسئولند دارد بشخص تادیه کننده انتقال مینماید.

ولی آن شخص برات را نمیتواند مکرراً ظهر نویسی کند. تادیه بالتوسط (برای هر کسیکه توسط واقع شده باشد) مستلزم برات ذمه ظهر نویسان ما بعد میباشد. در حالیکه برای تادیه بالتوسط متوسطین متعددی موجود باشد توسط هر کدام آنها که برات اشخاص زیاده تر را در برداشته باشد ترجیح داده میشود.

#### حصه نهم

##### تعداد نسخه های برات

ماده ۵۳۴ - برات بصورت نسخه متعددی که از هم دیگر تفاوت نداشته باشد صادر شده میتواند در متن برات هائیکه به نسخه های متعدد نوشته میشود باید نمبر مسلسل نسخه ها تحریر شود. هر نسخه برات که دارای نمبر مسلسل نباشد برات جداگانه شناخته میشود. اگر در متن برات عبارت تنها یک نسخه نوشته نباشد حامل میتواند با تحمل مصارف نسخه های متعددی مطالبه کند اگر برات یک نسخه بوده و در آن ظهر نویسی بعمل آمده باشد و پس از آن حامل نسخه های متعددی بگیرد بایستی بظهر نویس قریب خود مراجعه کند و این ظهر نویس مکلف است بر له حامل بظهر نویس ما قبل رجوع کند و بهمین و تیره ظهر نویسی جریان می یابد. ظهر نویسان مجبور اند که بنسخه های جدید برات ظهر نویسی های خود شانرا تحریر کنند.

ماده ۵۳۵ - اگر تادیه بمقابل یک نسخه از براتیکه به نسخه های دیگر بی اثر میگردد با وجود این مخاطب به نسبت هر یکی از نسخه های قبول شده که مسترد نگردیده باشد مسئول است ظهر نویس که نسخه های متعددی را با اشخاص متعدد تفویض میکند و همچنان ظهر نویسهای دیگری که بعد از او می آیند بمقابل نسخه هائیکه امضای شانرا محتوی بوده و مسترد نشده باشد مسئول اند.

#### حصه دهم

##### جعل کاری - تحریفات

ماده ۵۳۶ - جعل یک امضاء در برات چه امضای صادر کننده باشد و یا قبول کننده بامضاهای دیگری که در برات موجود است خللی وارد نمیکند.

ماده ۵۳۷ - اگر در متن برات تحریف واقع شود اشخاصیکه بعد از تحریف امضاء نموده اند به مبلغ بعد از تحریف و آنانیکه قبل از آن امضا نموده اند بر طبق متن اصل برات مسئولند.

#### حصه یازدهم

##### مرور زمان

ماده ۵۳۸ - کافه دعاوی که علیه قبول کننده از رهگذر برات نشئت نماید از تاریخ حلول موعد بعد از مرور مدت سه سال ساقط میشود دعاوی نیکه حال علیه ظهر نویسان و صادر کننده اقامه کند و از تاریخ اعتراضیکه در وقت معین آن نوشته شده باشد (و اگر در سند شرط اعاده بدون مصرف موجود باشد از تاریخ انقضای موعد) بمرور یکسال ساقط میشود دعوائیکه ظهر نویسان بر علیه همدیگر شان و یا علیه صادر کننده اقامه کند از تاریخ تادیه برات از طرف ظهر نویسان و یا از تاریخی که علیه خود آنها اقامه دعوی شده باشد بمرور شش ماه ساقط میشود.

ماده ۵۳۹ - معامله که مستلزم قطع مرور زمان است تنها در حق کسیکه از آن استفاده میکند معتبر است.

#### حصه دوازدهم

##### احکام عمومی

ماده ۵۴۰ - اگر موعد یک برات با ایام تعطیل مصادف باشد تادیه آن در روز اول کاری که یوم تعطیل را تعقیب میکند طلب

میگردد و همچنان جمله معاملات متعلق ببرات بالخاصه موضوع ارائه برای قبول و تحریر اعتراض در روز کار اجرا میشود. در صورتیکه یکی از معاملات مذکوره در داخل یک مدتی تصادف کند که روز آخر آن قانوناً تعطیل شمرده شود مدت مذکور تا روز اول کاری که روز انقضای مدت مذکور را تعقیب میکند تمدید میشود. روزهای تعطیل که در بین واقع میشود بحساب مدت داخل است.

ماده ۵۴۱ - مدتیکه قرار قانون با مقاوله معین باشد روزهای اول آن باین مدت‌ها شامل نمیشود.  
ماده ۵۴۲ - اهلیت اشخاص در تعهدات برات نظر به قوانین دولت متبوع اشخاص تعهد کننده تثبیت میگردد.  
ماده ۵۴۳ - اجرای هر گونه تعهدات در معامله برات تابع قوانین مملکتی است که تعهد در آنجا بعمل آمده است.  
ماده ۵۴۴ - اعتراض و بالعموم هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشیه از برات و استفاده از آن بعمل می آید تابع قوانین مملکتی خواهد بود که از آن بعمل میاید تابع قوانین مملکتی خواهد بود که آن اقدام در آنجا عملی میشود.

## فصل دوم

(حجت)

ماده ۵۴۵ - حجت تجارتي باید دارای شرائط ذیل باشد:

۱- تحریر کلمه (حجت) بر روی سند بهر زبانی که حجت نوشته شده باشد.

۲- تادیه بلا شرط مبلغ معین.

۳- موعده تادیه.

۴- محل تادیه

۵- اسم شخصیکه تادیه مبلغ در وجه و یا بامر او میشود.

۶- محل و تاریخ تحریر حجت.

۷- امضای صادر کننده حجت.

ماده ۵۴۶ - سندی که یکی از مواد متذکره ماده فوق را حاوی نباشد (باستثنای موارد ذیل) (حجت) شناخته نمیشود. حجتی که موعده تادیه آن تحریر نگردیده باشد عندالمطالبه قابل تادیه است اگر در یک حجت محل تادیه آن تحریر نشده باشد محل صدور آن محل تادیه و در عین زمان محل اقامت صادر کننده دانسته میشود. اگر در متن حجت محل صدور تحریر نگردیده باشد محل صدور همان محلی دانسته میشود که پهلوی اسم امضا کننده تحریر گردیده باشد.

ماده ۵۴۷ - مقررات ذیل که ببرات تعلق دارد راجع بحجت نیز قابل تطبیق است.

راجع به ظهر نویسی مواد (۴۸۰ - ۵۱۰)

راجع به ضمانت مواد (۴۹۹ - ۵۰۱)

راجع به موعده مواد (۵۰۲ - ۵۰۶)

راجع به تادیه مواد (۵۰۷ - ۵۱۲)

راجع به حق رجوع در صورت عدم تادیه مواد (۵۱۳ - ۵۲۰ - ۵۲۲ - ۵۲۳).

راجع به توسط تادیه بالواسطه مواد (۵۲۵ - ۵۲۹ - ۵۳۳).

راجع به جعل و تحریف (۵۳۶ - ۵۳۷).

راجع به مرور زمان (۵۳۸ - ۵۳۹).

راجع به صورت حساب ایام رسمیه (۵۴۰ - ۵۴۱).

همچنان راجع به تادیه در اقامتگاه شخص دیگر احکام مواد (۴۷۴ - ۴۹۶) و دائر به مقاوله تکت پولی (۴۷۵ و ۴۹۶) و دائر به مقاوله

تکت پولی ۴۷۵ و درباره بیانات مختلف راجع بمبالغی که تادیه میشود ۴۷۶. راجع به نتایج امضای شخصی که واجد اهلیت میباشد (۴۷۷) و راجع به نتایج امضای کسیکه وکیل نباشد و یا از حدود وکالت تجاوز کند حکم ماده (۴۷۸) در خصوص حجت هم معتبر است.

ماده ۵۴۸ - شخصیکه حجت را امضا میکند مثل شخصی قبول کننده یک برات مسئول است چنینکه بعد از مدتی از رویت تادیه آن قبول میشود (بشرطیکه از طرف امضاء کننده عباره (ملاحظه شده) بر آن تحریر شده باشد) در ظرف مدت های معینه ماده (۴۹۲) لازم الارائه است. اگر صاحب امضاء از تحریر عباره (ملاحظه شده است) با قید تاریخ آن امتناع کند باید قرار ماده (۴۹۴) امتناع توسط یکورقه اعتراض اثبات شود تاریخ این ورقه اعتراض مبدا موعده تادیه بعد از ارائه سند دانسته میشود.

## فصل سوم

### حصه اول

#### چک

ماده ۵۴۹ - چک محتوی شرایط ذیل باشد.

۱- در متن سند ذکر کلمه چک.

۲- امر بلا قید و شرط تادیه مبلغ.

۳- اسم شخصیکه تادیه میکند (مخاطب)

۴- ذکر محل تادیه

۵- قید محل تاریخ صدور چک

۶- امضای شخصی که چک را صادر میکند (صادر کننده).

ماده ۵۵۰ - سندی که یکی از شرایط متذکره ماده (۵۴۹) حاوی نباشد چک شناخته نمیشود.

مگر در مورد آتیه:

اگر محل تادیه در چک ذکر نشده باشد محلیکه به پهلوی اسم مخاطب نوشته باشد محل تادیه و در عین زمان اقامتگاه مخاطب شناخته میشود.

اگر محل صدور چک ذکر نشده باشد محلیکه بعد از اسم صادر کننده ذکر شده باشد محل صدور شناخته میشود.

ماده ۵۵۱ - چک در حالی صادر میشود که صادر کننده در نزد مخاطب دارائی داشته و مخاطب در اثر موافقه صریح یا ضمنی به تادیه آن مکلف باشد.

ماده ۵۵۲ - چک را میتوان (بصور) ذیل قابل تادیه دانست:

۱- بیک شخص معین یا به امر او.

۲- به حامل.

یک چک که شخص مودی الیه آن معلوم نباشد محرر به حامل شناخته می شود.

ماده ۵۵۳ - صادر کننده می تواند چک را در وجه خود صادر کند.

ماده ۵۵۴ - در صورتی که بین ارقام و حروف مبلغ مندرجه چک اختلاف باشد حروف معتبر است.

ماده ۵۵۵ - در صورتی که بین ارقام و حروف مبلغ مندرجه چک اختلاف باشد حروف معتبر است.

ماده ۵۵۶ - اگر چک علاوه از امضای شخص صلاحیت دار دارای امضای اشخاص باشد که اهلیت تعهد چک را دارا نباشند و یا امضاهای جعلی و اشخاص غیر حقیقی باشد تعهد اشخاص دارای اهلیت که بچک امضا نموده اند باز هم معتبر است.

ماده ۵۵۷ - کسانیکه چک را بنام و حساب شخصیکه وکالت او را ندارند صادر یا تادیه کنند مسئول نتایج آنند.

ماده ۵۵۸ - شخص صادر کننده ضامن تادیه است و شرطی که متضمن ابراء ضمانت تادیه باشد معتبر نیست. و پس از تادیه وجه

چک صادر کننده از ضمانت بری میشود.

حصه دوم

ظهر نویسی

ماده ۵۵۹ - هر چک با استثنای چک محرر به حامل بطریق ظهر نویسی بدیگر قابل انتقال است اگر صادر کننده بر چک جمله (قابل انتقال نیست) و یا یک جمله دیگری که عین معنی را افاده کند نوشته باشد چک مذکور بطریق ظهر نویسی نقل شده نمیتواند. چک را می توان بمخاطب و صادر کننده و مسئولین دیگر ظهر نویسی نمود. این اشخاص میتوانند از طرف خود چک را تکرار بدیگران ظهر نویسی کنند. با ظهر نویسی کافه حقوق متولد از چک انتقال می یابد.

ماده ۵۶۰ - ظهر نویسی باید بلا شرط باشد تعیین شرط در ظهر نویسی معتبر نیست همچنین ظهر نویسی یک قسمت از مبلغ مندرجه چک صحیح نیست ظهر نویسی یک قسمت از مبلغ مندرجه چک صحیح نیست ظهر نویسی اگر از طرف مخاطب به عمل آید باطل است. ظهر نویسی به نام مخاطب حکم رسید را دارد.

ماده ۵۶۱ - ظهر نویسی یا بر خود چک یا بر یک ورقه ملصقه دیگری چک نوشته میشود ظهر نویسی لازم است از طرف ظهر نویس امضا شود. اگر ظهر نویس بدون ذکر حامل تنها به امضاء اکتفا نموده باشد ظهر نویسی صحیح است. (ظهر نویسی سفید) راجع به ظهر نویسی چک مقررات مواد ۴۸۳ الی ۴۸۸ قابل تطبیق است.

حصه سوم

ضمانت

ماده ۵۶۲ - مقررات ماده (۴۹۹) الی (۵۰۱) حصه چهارم راجع به ضمانت برات در خصوص ضمانت چک هم معتبر است.

حصه چهارم

ارائه و تادیه

ماده ۶۶۳ - چک عند الرویت قابل تادیه است هر شرطیکه بر خلاف آن باشد غیر معتبر است.

ماده ۶۶۴ - اگر چک در همان مکانیکه صادر شده قابل تادیه باشد دارنده چک مکلف است که در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور وجه آنرا مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر مملکت صادر شده باشد باید در ظرف دو ماه از تاریخ صدور چک مطالبه شود در مورد چکهاییکه از خارج صادر شده و باید در افغانستان پرداخته شود مقررات را جمعه به چک هائیکه در افغانستان صادر شده رعایت خواهد شد ولی مدتیکه در ظرف آن دارنده این چنین چک ها می تواند وجه آنرا مطالبه کند چهار ماه از تاریخ صدور است. ماده ۵۶۵ - اگر محل صدور و محل تادیه چک تقویم مختلف داشته باشد تاریخ صدور همان روز دانسته خواهد شد که با روز تقویم محل تادیه مطابق باشد.

ماده ۵۶۶ - اگر دارنده چک در ظرف مواعد قانونی پرداخت وجه چک را مطالبه نکند دعوی او علیه ظهر نویس مسموع نخواهد بود و اگر وجه چک به سببی که مربوط به مخاطب است از بین برود دعوی دارنده چک علیه صادر کننده نیز مسموع نیست ولی مخاطب بعد از اختتام موعد چک هم میتواند تادیه کند.

ماده ۵۶۷ - اگر صادر کننده چک بعد از اصدار آن فوت یا واجد عدم صلاحیت و اهلیت شود در اعتبار چک تاثیر ندارد.

ماده ۵۶۸ - کسیکه وجه چک را دریافت میکنند باید ظهر آنرا رسید نماید دارنده میتواند تادیه قسمی را قبول نماید، در اینصورت باندازه مبلغیکه دریافت داشته در ظهر چک رسیده نماید.

ماده ۵۶۹ - اگر چکی به پولی قابل تادیه نوشته شود که پول مملکت تادیه نباشد مبلغ قابل تادیه را میتوان به پول مملکت مطابقت

بقیمت آن در روز تادیه (بخواهش حامل) بعمل آورد.  
اگر در وقت ارائه پول تادیه نشده باشد دارنده چک می تواند بر حسب میل خود تقاضا کند که تادیه به پول آن مملکت از روی نرخ روز ارائه و یا نرخ روز تادیه به عمل آید.  
قیمت پول خارجی بر طبق رواج محل تعیین میشود معذالک صادر کننده میتواند شرط گذارد که مبلغ قابل تادیه بر طبق نرخ که در چک نوشته شده است حساب شود.

#### حصه پنجم

چک های مخطط (کراس) و چک های قابل انتقال بحساب  
ماده ۵۷۰ - صادر کننده و یا دارنده چک میتواند چک را خط (کراس) بکشد.  
خط کشیدن عبارت است از کشیدن دو خط متوازی بر وی چک که یا عام است یا خاص اگر در بین دو خط چیزی ذکر نشده باشد و یا کلمه (بانکدار) و یا کدام کلمه دیگری معادل آن نوشته باشد این خط کشیدن عام است و اگر اسم (بانکدار) در بین دو خط نوشته شده باشد این خط کشیدن خاص است خط عام را میتوان بخط خاص تحویل داد مگر عکس آن و یا امحای خط و بانکدار و یا اسم بانکدار جایز نیست.  
ماده ۵۷۱ - یک چک که بطور عام خط کشیده شده باشد مخاطب تنها به (بانکدار) و یا مشتری خود انتقال داده میتواند.  
چکی که بصورت خاص خط کشیده شده باشد مخاطب فقط بانک داریکه اسم او نوشته شده و یا اگر بانکدار مخاطب باشد فقط به مشتری خود انتقال داده میتواند.  
بانکداریکه اسم او ذکر شده است می تواند چک را بانکدار دیگری برای تحویل تسلیم کند، بانکدار دیگری برای تحویل تسلیم کند، بانکداریکه اسم او ذکر شده است می تواند چک را بانکدار دیگری برای تحویل تسلیم کند، بانکدار چک مخطط را بجز در حساب مشتریان خود و یا بانکدار دیگری نمیتواند معامله کند.  
مخاطب یا بانک داری که مقررات فوق را رعایت نکند برای ضرریکه تولید میشود تا باندازه مبلغ چک مسئول است.  
ماده ۵۷۲ - صادر کننده یا دارنده چک میتواند تادیه نقدی چک را به اینصورت منع کند که بر روی چک عرضا عباره (قابل معامله بحساب است) را بنویسد محو عباره (قابل تادیه بحساب است) از چک جایز نیست.

#### حصه ششم

مراجعه بنا بر عدم تادیه  
ماده ۵۷۳ - در صورت امتناع از تادیه دارنده چک میتواند به ظهر نویسان صادر کننده چک میتواند به ظهر نویسان صادر کننده و اشخاص مسئول دیگر مراجعه کند دارنده میتواند با یکی از دلایل ذیل امتناع از تادیه را باثبات برساند:  
۱- اعتراض توسط یک ورقه رسمی.  
۲- تحریر در ظهر چک از طرف مخاطب با قید تاریخ.  
۳- تصدیق محکمه تجارتي مبنی بر ارائه چک به قید تاریخ.  
ماده ۵۷۴ - اعتراض باید قبل از انقضای مدتی که برای ارائه مقرر است عملی شود اگر چک در آخرین روز مقرر ارائه شود اعتراض را ممکن است در روز کار یکه بعد از آن می آید عملی ساخت.  
ماده ۵۷۵ - در صورت امتناع از تادیه پس از اعتراض دارنده چک میتواند بظهر نویس خود و یا صادر کننده در داخل چهار روز کاریکه بعد از تحریر اعتراض می آید اطلاع بدهد هر ظهر نویس باید در داخل چهار روز کاریکه بعد از گرفتن اطلاع می آید از عدم تادیه بظهر نویس ما قبل خود خبر بدهد و درین اطلاع اسم و آدرس اشخاص را که که اطلاع سابق را داده اند ذکر نماید و بهمین صورت مسلسلا تا به صادر کننده برسد اگر چک ضمانت شده باشد باید در داخل همان مدت بضامن هم خبر داده شود.  
اطلاع ممکن است با اعاده چک و یا با مکتوب راجستری توسط پیوسته اجرا شود تاریخ رسید پوسته در تعیین موعد اطلاع اعتبار

داده میشود. شخصی که در داخل مدت معینه اطلاع ندهد حقوق خود را از دست نمی دهد ولی اگر بنابر غفلت او کدام ضرری عاید شده باشد مسئول جبران آن میباشد معذالک اندازه مسئولیت او از مبلغ مندرجه چک اضافه تر شده نمیتواند.

ماده ۵۷۶ - حامل چک میتواند بر علیه تمام اشخاصیکه در چک مسئولیت دارند مجتمعا یا منفردا اقامه دعوا نماید و درین کار مکلف برعایه ترتیب ظهر نویسی نمیشود. و همین حق را هر شخصی تادیه کننده دیگر نیز دارا میباشد.

دعوی بر علیه یکی از اشخاص مسئول مانع دعوی بر علیه اشخاص دیگر نیست.

ماده ۵۷۷ - حامل چک یا تادیه کننده می تواند از شخص مسئول مصارف ذیل را مطالبه کند.

۱ - مبلغ تادیه ناشده چک.

۲- نکت پولی.

۳ - مصارف اعتراض و غیره که متحمل شده باشد.

ماده ۵۷۸ - هر شخص مسئول که مورد مراجعه واقع شده باشد میتواند در بدل تادیه چک را با اعتراض و رسید تقاضا نماید ظهر نویسی که چک را گرفته و تادیه نموده باشد میتواند ظهر نویسی خود و ظهر نویسی ظهر نویسان ما بعد را ابطال نماید.

حصه هفتم

تعدد نسخه های چک

ماده ۵۷۹ - صدور چک به نسخه های متعدد ممکن است در اینصورت باید هر نسخه دارای نمره واحد بوده ودر آن تصریح شود که تعداد نسخه چند است و به موجب نسخه اول وجه قابل تادیه میباشد.

ماده ۵۸۰ - چون تادیه بذریعه نسخه اول صورت گرفته نسخه های دیگر از اعتبار ساقط است.

حصه هشتم

ساخت کاری و تحریفات

ماده ۵۸۱ - احکام مواد ۵۳۶ و ۵۳۷ که مربوط ساخته کاری و تحریفات میباشد درباره چک نیز مرعی الاجرا است.

حصه نهم

مرور زمان

ماده ۵۸۲ - دعاوی که حامل علیه ظهر نویس ها و صادر کننده اقامه میکند شش ماه بعد از انقضای مدت ارائه ساقط است همچنین دعوی هر یک از مسئولین از تاریخ تادیه وجه بعد از انقضای شش ماه ساقط میشود حکم ماده (۵۳۹) درباره چک نیز معتبر است.

ماده ۵۸۳ - احکام عمومیه مواد (۵۴۰ و ۵۴۱) که راجع ببرات و ججت میباشد درباره چک ها نیز قابل تطبیق است.

فصل چهارم

ضیاع اسناد تجارتي

ماده ۵۸۴ - اگر حامل یک سند تجارتي مالکیت خود را ذریعه ظهر نویسی ها بلا انقطاع به اثبات برساند مجبور نیست وجه آنرا که اخذ نموده اعاده بدارند مگر اینکه ثابت شود که آنرا بذرایع غیر قانونی بدست آورده است.

ماده ۵۸۵ - سند تجارتي که از نزد حامل مفقود شده باشد می تواند بطلان آنرا در محکمه مربوطه که مکلف باستماع دعاوی تجارتي است ادعا نماید.

سند و کیفیت به تملک و فقدان را حتی الامکان شرح دهد. در صورتیکه محکمه دلائل درخواست کننده را کافی بداند اگر سند



مفقود برات قبول شده باشد آنرا به قبول کننده و اگر سند چک یا برات قبول نشده باشد به صادر کننده و مخاطب اگر سند در وجه حامل باشد به مخاطب عدم تادیه وجه آنرا تحریرا امر میدهد محتویات سند و لزوم ارائه آنرا در ظرف دو ماه توسط جراید رسمی و غیر رسمی سه مرتبه اعلان می نماید در ختم این مدت تصمیم لازم را در ابطال سند اتخاذ خواهد نمود. این مدت راجع به سندیکه موعده آن بسر رسیده باشد سر از تاریخ اعلان منتشره در جریده رسمی و درباره سندیکه موعده آن بعد از اعلان سوم بسر میرسید سر از تاریخ بسر رسیدن موعده آن و راجع به سندیکه تادیه آن مشروط به ارائه بوده و در تاریخ اعلان سوم مدت ارائه آن هنوز نرسیده باشد سر از روز اخیر مدت ارائه معتبر است.

ماده ۵۸۶ - شخصیکه خواهش بطلان سند را می نماید میتواند بیانیه مبنی بر محتویات اساسی ترتیب و در مدت و محلیکه قانونا تعیین شده باشد به مخاطب ارسال نماید همین ورقه راجع به تادیه و عدم تادیه و رویت بمنزله اعتراض تلقی میشود.

ماده ۵۸۷ - اگر سند در خاتمه مدتی که تعیین شده ارائه نشود محکمه میتواند در اثر تقاضای مدعی راجع بابطال سند حکم صادر و باشخصیکه در ماده (۵۸۵) ذکر شده ابلاغ نماید بموجب حکم ابطال مدعی مثل اینکه اصل سند ضایع شده را مالک باشد حقوق خود را از قبول کننده برات و اگر برات قبول نشده باشد و یا حجت و چک باشد از صادر کننده مطالبه نماید شخصیکه علیه او دعوی میشود حق دارد که از تاریخ صدور حکم تا یک ماه به محکمه رجوع و عدم استحقاق محکوم له را باثبات برساند.

ماده ۵۸۸ - اگر سند الی ختم مدت اعلان به محکمه معین ارائه شود محکمه هدایت ماده (۵۸۵) راجع بابلاغ را اجرا و مطابق اصول به دعوی رسیدگی نموده حکم صادر می نماید.

#### باب چهارم

#### تعهدات تجارتي

#### فصل اول احکام عمومی

ماده ۵۸۹ - اگر دو شخص و یا اشخاص متعدد در ضمن یک معامله که خواه برای یک نفر و یا همه ایشان ماهیت تجارتي را دارا باشد در مقابل شخص ثالثی مشترکا داخل تعهد شوند در صورتیکه خلاف آن در قرارداد تصریح نشده باشد مجتمعا مسئول شمرده میشوند. عین همین حکم بر اشخاصیکه ضمانت دیون را می نمایند نیز تطبیق میشود.

ماده ۵۹۰ - پولیکه در نتیجه کدام عقد تجارتي واجب التادیه شود و در داخل مملکت رواج قانونی نداشته باشد در انقضای وعده تبدیل آن نظر به نرخ روز به پول افغانی جائز است.

لیکن اگر در حین عقد تادیه پول خارجی که رواج قانونی نداشته باشد تصریح شود و یا به این معنی کدام عبارت دیگری استعمال شده باشد شرط تادیه عین پول خارجی معتبر است.

ماده ۵۹۱ - شخصیکه تعهد تجارتي خود را در اثر حيله و تقصیر ایفا نکند و یا در ایفای آن تاخیر نماید بعد از اینکه رسماً و یا بارسال مکتوب راجستری به او اخطار میشود مجبور است که خساره را که متعهد له دچار شده با مفادی که از آن محروم گردیده جبران کند.

اسباب مجبره ( فورس ماژور) ازین حکم مستثنی است.

ماده ۵۹۲ - اگر متعهد تعهد خود را نقض نماید یا تعهدی را که بصورت مطلق در یک وقت معین و یا در ظرف یک مدت معین لازم الاجرا باشد ایفا ننماید و یا موضوع تعهد عبارت از نکردن یک عمل باشد و آن را اجرا نماید بدون اخطار دعوی جبران خساره شده میتواند.

ماده ۵۹۳ - اگر مبلغی که در تعهد بنام جبران خساره معین شده باشد از مقدار منفعتی که متعهد له در صورت ایفای تعهد حاصل مینمود اضافه هم شود محکمه نمیتواند اندازه آن را تنزیل دهد در صورتیکه بر خلاف آن در قرارداد صراحت نباشد متعهد له باخذ مبلغی که بنام جبران خساره مقرر داشته است به عوض ایفای تعهد مجبور نمیشود اگر ضرریکه متعهد له به آن دچار شود از مبلغیکه بنام جبران خساره معین میشود زیادت باشد در صورتیکه در قرارداد صراحتی بر

خلاف آن موجود نباشد متعهد مجبور است مبلغ اضافی را هم تادیه کند.

ماده ۵۹۴ - اگر عدم ایفای تعهد در اثر علنی باشد که قبلاً قابل پیش بینی نبوده و یا از تقصیر دائن تولید شده و یا در اجرای تعهد قید احترازی از جانب متعهد له قبول شده باشد متعهد به هیچ نوع به جبران خساره مکلف شده نمیتواند.

ماده ۵۹۵ - دادن بیعانه دلیل عقد شمرده میشود در حال ایفای تعهد طرفین بیعانه محاسبه میشود.

اگر عقد در اثر رضای طرفین وی ا نظریه سبب دیگری که موجب جبران خساره نباشد فسخ گردد بیعانه بصاحب آن اعاده میشود.

ماده ۵۹۶ - در صورتیکه برخلاف آن در قرارداد و یا عرف تجارتنی مقرر نباشد طرفیکه در اثر تقصیر خود به ایفای تعهد نمی پردازد اگر بیعانه داده باشد حق مطالبه آنرا ندارد و اگر شخصی تعهد را بنابر تقصیر خود ایفا نکند گیرنده بیعانه علاوه از اعاده بیعانه مجبور است که معادل آنرا هم بجانب مقابل بپردازد در هر دو صورت طرفیکه تعهد خود را ایفا نکند مجبور است خساره طرف دیگر را ولو اینکه از پول بیعانه اضافه هم باشد جبران کند.

ماده ۵۹۷ - اگر یکی از طرفین در مقابل تادیه و یا وعده تادیه مبلغ معین حق رجوع از عقد را برای خود شرط گذاشته باشد شروع ایفای تعهد و یا قبول ایفای تعهد طرف مقابل مانع اجرای حق رجوع می گردد.

ماده ۵۹۸ - تکت پولی دین تجارتنی بعد از انقضای ایام معین و در صورت تعیین معود معین از تاریخ اخطار حساب می شود.

ماده ۵۹۹ - شخصیکه واجد اوصاف تجارتنی بوده برای یکنفر تاجر و یا غیر تاجر عملی را انجام دهد که از ایجابات تجارتنی وی باشد و یا بصورت دیگری تحصیل منفعت نموده باشد حق دارد عوض آن عمل را مطالبه و اخذ نماید.

علاوه بر این حق دارد مبلغی را که برای اجرای کار و یا تحصیل منفعت بطور پیشکی داده و مصارفی را که بعمل آورده باشد از تاریخ مصرف با تکت پولی طلب نماید.

ماده ۶۰۰ - تکت پولی در امور تجارتنی به اساس موافقه جانبین آزادانه تعیین شده میتواند.

ماده ۶۰۱ - تعهد تجارتنی در محلیکه در قرارداد معین شده و اگر در قرارداد معین نشده باشد در محلیکه نظر به ماهیت و مقصد تجارت ضمناً معین شده میتواند لازم الاجرا است اگر محل اجرا در قرارداد تصریح نشده و ضمناً نیز معین شده نتاند متعهد مجبور است تعهد خود را به محلیکه تجارت خانه او میباشد و اگر تجارت خانه نداشته باشد در محل اقامت خویش اجرا کند.

ماده ۶۰۲ - تعهد تسویه یک مبلغ اگر بر خلاف آن بطور صریح یا ضمنی در قرارداد ذکر نشده باشد در محل تجارت خانه دائن و اگر تجارت خانه او موجود نباشد در اقامتگاه شخصی او ایفا می شود. و مدیون حق مطالبه مصارف و خساره تسویه را ندارد.

ماده ۶۰۳ - خواهش ایفای یک تعهد که زمان اجرای آن در مقاله تعیین نگردیده باشد در هر زمان ممکن است و لیکن تعهدیکه نظر به عرف و یا چگونگی معامله بعد از مرور یک مدت معین از عقد قابل ایفا باشد نمیتوان متعهد را قبل از انقضای مدت مذکور به ایفا مجبور ساخت.

ماده ۶۰۴ - اگر شرط شده باشد که تعهد در بین مدتیکه صراحتاً و یا ضمناً تعیین شده ایفا گردد لازم است قبل از ختم آن مدت اجرا شود. اگر ختم مدت مصادف با روز تعطیل عمومی باشد اقلاً یکروز قبل از روز ختم ایفا گردد.

اگر مدیون قبل از ختم موعد اذن تادیه دین را داشته باشد در صورتیکه عرف و عادت بر خلاف آن وجود نداشته باشد نمی تواند بدون رضای دائن دین را تنزیل کند.

ماده ۶۰۵ - اگر در مقاله راجع به نوع و وصف اشیائی که تسلیم آن تعهد شده است تصریحی موجود نباشد متعهد میتواند از اشیای که دارای وصف و نوعیت متوسط باشند بدهد ولی همانطوریکه متعهد مجبور بدادن جنس اصلی نیست بدادن جنس ادنی هم مجاز نمیباشد.

ماده ۶۰۶ - عقدیکه طرفین الزام می نماید تایک طرف تعهد خویشرا ایفا نکند طرف دیگر بایفای تعهد مجبور نیست لیکن اگر یکطرف نظر بصراحت قرارداد و یا ماهیت معامله و یا نظر بعرف جاریه مقدمتر از طرف دیگر با اجرای تعهد مکلف باشد ولو که طرف دیگر تعهد خود را ایفا نموده باشد با اجرای تعهد مذکور مکلف است.

ماده ۶۰۷ - در صورتیکه یکی از طرفین تعهد خود را ایفا نماید و طرف دیگر اجرا نکند اجرا کننده میتواند یک اطلاعیه ارسال کند

مبنی بر اینکه اگر طرف دیگر به ایفای تعهد در ظرف مدت مناسب اقدام نکند عقد فسخ خواهد شد و پس از آن به محکمه مراجعه و فسخ قرارداد را مطالبه می‌تواند.

طرفیکه به محکمه برای فسخ مراجعه می‌کند ایفای تعهد را تقاضا نمی‌تواند بعد از اقامه دعوی فسخ همان طوریکه محکمه نمی‌تواند به مدعی علیه برای ایفای تعهد مهلت بدهد بهمان صورت نمی‌تواند پیش نهادی را که از جانب مدعی علیه به نسبت ایفای تعهد می‌شود قبول کند اگر فسخ عقد معلق به یک شرط باشد و یا برای اجرای آن صراحتاً و یا ضمناً مدتی معین شده باشد بعد از تحقق شرط و یا مرور مدت طرف دیگر به قبول خواهشیکه از جانب متعهد راجع بایفای تعهد می‌شود مجبور نمی‌گردد.

## فصل دوم

### عقود تجارتي

#### حصه اول

#### صورت انعقاد

ماده ۶۰۸ - برای عقود تجارتي رضاء و موافقت طرفین کافی است تنظیم قرارداد و یا ایفای مراسم دیگر لزوم ندارد.  
ماده ۶۰۹ - اگر قانوناً برای عقد رعایت شکل مخصوص تحریراً لازم باشد و یا طرفین عقد را بایفای بعضی مراسم مانند تنظیم مقاوله موقوف گذاشته باشند تا زمانیکه شکل مذکور رعایت و یا مراسم معینه اجرا نشود عقد صورت نمی‌گیرد. در صورتیکه طرفین به تنظیم قرارداد موافقت نموده باشند چنان دانسته می‌شود که انعقاد عقد را به تنظیم قرارداد ملتوی گذاشته اند.  
اگر قرارداد تنظیم هم نگردیده ولی ثابت شود که طرفین عقد را منتقد دانسته اند عدم تنظیم قرارداد سبب عدم انعقاد عقد شمرده نمی‌شود.

ماده ۶۱۰ - اگر ایجاب بصورت تعیین یک مدت معین برای قبول بعمل آمده باشد در صورتیکه طرفین حاضر هم باشد ایجاب کننده نمی‌تواند قبل از انقضای مدت معینه از ایجاب منصرف شود.

اگر ایجاب بدون تعیین مدت بعمل آمده باشد اعتبار آن باقی نمی‌ماند مشروط به اینکه در صورت حاضر بودن طرفین قبول فوراً واقع نشده باشد.

عقدیکه ذریعه وسایل مخابراتی از قبیل تلیفون وقوع می‌یابد در حکم عقد یست که حضوراً به عمل آمده باشد.

ماده ۶۱۱ - برای ایجابیکه بصورت تحریر واقع می‌شود اگر مدت تعیین نشده باشد ایجاب کننده نمی‌تواند قبل از انقضای مدتیکه عرفاً برای تفکر و دادن جواب قبول از جانب قبول کننده مرور آن لازم است از ایجاب منصرف شود.

ماده ۶۱۲ - جواب قبول باید در ظرف مدت معین که بایجاب کننده رسیده بتواند فرستاده شود اگر جواب بعد از مرور این مدت توصل ورزد عقد صورت نمی‌گیرد ولی در صورتیکه معلوم شود که جواب قبول در ظرف مدت معین لازم داده شده است ایجاب کننده مجبور است راجع به تاخیر جواب فوراً بجانب مقابل از عدم انعقاد عقد خبر دهد و الا عقد مذکور منعقد می‌گردد.

ماده ۶۱۳ - سکوت محض جانب مقابل قبول گفته نمی‌شود. ولیکن در صورتیکه دو تاجر با هم دیگر مناسبات تجارتي دائمی داشته باشد و یا یکی از این دو تاجر بدیگر خود مراجعه و او را بنام خود با اجرای بعضی معاملات بوکالت گماشته باشد ایجابیکه از طرف یکی از ایشان بدیگری واقع می‌شود باید طرف مقابل فوراً به ایجاب مذکور جواب بدهد و الا سکوت او قبول شمرده می‌شود. طرفیکه ایجاب را رد می‌کند راجع باموالیکه در اثنای تبلیغ ایجاب باو فرستاده شده است مکلف است تدابیری را که در مواد (۷۶۲ - ۷۶۳) بیان شده است اتخاذ کند.

ماده ۶۱۴ - اگر جواب قبول موافق به ایجاب نباشد عقد منعقد نمی‌گردد. درین صورت قبول ایجاب جدید را اقتضاء می‌کند.

ماده ۶۱۵ - برای اینکه تلگراف مربوط به ایجاب یا قبول معتبر شده بتواند لازم است باثبات برسد که دارای امضای شخص فرستنده است و یا تلگرام به اجازه او صادر شده است.

ماده ۶۱۶ - ایجابیکه تحریراً بعمل می‌آید از تاریخ وصول جواب قبول بایجاب کننده عقد منعقد می‌شود لیکن اگر ایجاب کننده قبل

از رسیدن جواب قبول و یا در عین زمان از انصراف قبول کننده واقف شود ایجاب بلا اثر میشود.  
ماده ۶۱۷ - عقدیکه ذریعه مخابره واقع شود از تاریخ ارسال جواب قبول منعقد و معتبر دانسته میشود طوریکه در ماده (۶۱۳) مقرر شده در صورتیکه قبول بصراحت لازم نباشد عقد از تاریخ رسیدن ایجاب به مخاطب معتبر است.  
ماده ۶۱۸ - فوت و یا سلب اهلیت یک تاجر در ایجاب یا قبول او راجع به معاملات تجارتنی اش مستلزم بطلان نمی گردد مگر اینکه بر خلاف آن تصریح نموده باشند و یا از ماهیت معامله استدلال شود.

#### حصه دوم

##### تفسیر عقود تجارتنی

ماده ۶۱۹ - اگر معنی عبارت که در یک معامله تجارتنی تحریر میشود واضح و منطقی باشد بمعنای ظاهری آن اعتبار داده میشود اگر عبارتنی منافی مقصد بدیهی باشد در اینصورت به مقصد اعتبار داده میشود.  
ماده ۶۲۰ - در صورتیکه عبارت امکان تعبیرات متعددی را داشته باشد مقصد مشترک طرفین از مندرجات دیگر مقوله باعرف و عادات و تعاملات و احوالیکه در زمان تنظیم مقوله موجود باشد و یا نظر بسوابق تطبیقات در گذشته تعیین میشود.  
ماده ۶۲۱ - در صورتیکه عبارت معنی متعدد و مشترک داشته باشد بهر معنی که قرینه افاده نماید بهمان معنی تفسیر میشود.  
ماده ۶۲۲ - در صورتیکه عبارت مقوله بمنی متعددی تعبیر شود و مطابق حکم ماده (۶۲۰) مقصد حقیقی طرفین تعیین شده نتواند مقوله به له متعهد و علیه متعهد له تفسیر میگردد.  
ماده ۶۲۳ - اعتبار عرف تجارتنی و احکام قانونی در معاملات تجارتنی مور است مگر اینکه صراحتا جانبین بر خلاف آن موافقت نموده باشند.

#### حصه سوم

##### وسائل ثبوت عقود تجارتنی

ماده ۶۲۴ - محکمه باستناد و مقاولات تجارتنی بر ثبوت عقد حکم صادر می نماید. و در صورتیکه حکم دیگری در این قانون موجود نباشد از شهادت شهود قراین و امارات استفاده میتواند اندازه مدعی به درین قاعده نزد محکمه فرقی نمیکند.  
ماده ۶۲۵ - اعاده یک سند به مدیون در صورتیکه خلاف آن ثابت نشود دلیل تادیبه بدل سند محسوب میشود.  
ماده ۶۲۶ - سند یا مقوله یک معامله تجارتنیکه اثبات آن لازم به سند نبوده ابهام داشته باشد محکمه میتواند از روی شهادت قرائن و امارات اصدار حکم نماید.  
ماده ۶۲۷ - اقرار قابل تجزیه نیست. بنابراین لازم است بیانی که مدعی علیه میکند یا تماما رد یا قبول شود.  
ماده ۶۲۸ - در صورتیکه مقوله تحریری وجود نداشته باشد شخصیکه یک بیجک را صراحتا یا ضمنا قبول میکند چنان شمرده میشود که مندرجات آنرا هم قبول نموده است. شخصیکه بیجک میگیرد اگر از تاریخ گرفتن آن در مدت بیست روز اعتراضی در محتویات آن نکند چنان تلقی میشود که مندرجات آن را قبول نموده است.

#### فصل سوم

##### (بیع تجارتنی)

##### (حصه اول)

##### (احکام عمومی)

ماده ۶۲۹ - رضای طرفین به نسبت مبیعه و قیمت انعقاد بیع دانسته میشود اطلاع قیمت جاریه و ارسال کتلاک و یا عرضه فروش که بدون تعیین ماهیت و مقدار و قیمت اشیاء بعمل می آید ایجاب شمرده نمیشود.

ماده ۶۳۰ - اگر بایع مال غیر را فروخته باشد مشتری مالک آن شده نمی تواند ولی بایع مکلف است که یا مال را خریداری و بشمتری تسلیم نماید و یا اگر خساراتی بیشتری وارد شده باشد آنرا جبران کند.

ماده ۶۳۱ - اگر یک تاجر اموال منقوله شخص دیگری را فروش و تسلیم نماید در صورتیکه مشتری بر حقیقت آن علم نداشته باشد مالک مبیعه دانسته میشود اگر ثابت شود که مبیعه اموال مفقود و یا مسروقه بوده باشد مالکیت مشتری سلب میگردد.

ماده ۶۳۲ - بیع اموال تجارتنی که در زمان عقد موجود نبوده و در وقت تسلیم قابل تدارک باشد معتبر است.

ماده ۶۳۳ - اگر در حین عقد احتمال اتلاف مال از طرف جانبین در نظر گرفته شده باشد بیع آن جایز است در صورت تحقق احتمال مشتری حق استرداد قیمت را ندارد.

ماده ۶۳۴ - تمام مصارف متعلق به تسلیم مبیعه مثل وزن و اندازه به بایع مربوط و مصارف متعلق به تسلیم از قبیل مصارف تحویل و حمل و نقل به مشتری عاید است مگر اینکه در مقاوله و یا عرف و تعامل تجارتنی بر خلاف آن قبول و معمول باشد.

ماده ۶۳۵ - اگر ارسال مبیعه از محل دیگری بشمتری لازم باشد و راجع به صورت ارسال از طرف مشتری شرطی گذاشته نشده باشد بایع درین حال در انتخاب وسایل حمل و نقل اموال و حفاظه آن مثل مشتری اقدام می نماید.

ماده ۶۳۶ - ارسال مبیعه از طرف بایع به اقامتگاه مشتری و یا ارسال آن در یک محل دیگری که در مقاوله تصریح شده است در حکم تسلیم است ولی اگر بایع مبیعه را توسط شخص فرستاده و به او امر نموده باشد که اگر مشتری قیمت آنرا و یا تأمینات لازمه را ندهد مبیعه را تسلیم نکند صرف فرستادن مبیعه تسلیم دانسته نمیشود.

ماده ۶۳۷ - ارسال محموله (کسانمینت) مبیعه و یا نظر به موافقه بائع وضع مارک مشتری بالای مبیعه در صورتیکه امتعه از طریق خشکه - بحر دریا و کول در حال حمل و نقل باشد در حکم تسلیم است.

ماده ۶۳۸ - اگر مشتری اموال را که از حیث عمده فروشی مقدار آن معین باشد خریده باشد به تسلیم یک قسمت آن اجبار شده نمیتواند ولی اگر مشتری تسلیم تدریجی را قبول نموده باشد بایع را به تسلیم قسم باقیمانده مجبور میتواند و یا بواسطه عدم تسلیم باقیمانده مال عقد را فسخ و خساره را که ازین حث متحمل شده است مطالبه نماید.

ماده ۶۳۹ - مشتری میتواند که انوایس مبیعه را و اگر قیمت تادیه شده باشد درج آن را در انوایس تقاضا نماید.

ماده ۶۴۰ - بعد از تکمیل عقد خساره که به مبیعه واقع میشود ولو اتفاقا باشد عائد بشمتری است اگر خساره ناشی از تقصیر و یا حيله بایع و یا معایب مبیعه باشد مربوط به بایع است.

ماده ۶۴۱ - در احوال ذیل بعد از تکمیل عقد خساره که به مبیعه برسد به بایع مربوط است.

اول - اگر مبیعه مشخص و معین نبوده و برای اثبات ماهیت آن علائمی که از دیگر اشیای هم جنس تفریق و تمیز شود وضع نشده باشد.

دوم - اگر مبیعه نیکه برای تسلیم وزن تعداد و اندازه نمودن آن لازم است قبل از وزن تعداد تغییر و یا تلف شده باشد (ولی اگر مشتری با وجود اخطار در وزن تعداد و اندازه نمودن حاضر نشده باشد و یا شخصی را از طرف خود نفرستاده باشد خساره عاید به مشتری است).

سوم - اگر تسلیم مبیعه به آینده شرط شده باشد.

چهارم - در حال آماده بودن مشتری برای تسلیم گرفتن مبیعه اگر بایع با وجود اخطار مبیعه را تسلیم نداده باشد.

ماده ۶۴۲ - خساره که از رهگذر حمل و نقل مبیعه ذریعه کمیسه کار نقلیه یا حمل و نقل دهنده عاید میگردد سر از تاریخ تسلیم مبیعه از طرف بایع به آنها مربوط به مشتری است. اگر راجع بطرز حمل و نقل مبیعه کدام شرط موجود باشد بایع مکلف است این شرط را مراعات کند در صورت تخلف بدون عذر معقول و مستند از ضرریکه به مشتری میرسد مسئول خواهد بود. اگر محل ارسال امتعه نظر به مقصد طرفین محل تسلیم شمرده شده باشد در این صورت خساره که در اثنای حمل و نقل وقوع می یابد مربوط به بایع است.

اگر بایع محض مصارف حمل و نقل را به عهده میگیرد محلیه مبیعه به آنجا نقل داده میشود محل تسلیم محسوب نمیشود.

ماده ۶۴۳ - معین بودن قیمت و یا صورت تعیین آن لازم است در حالیکه قیمت باینصورت تعیین نشده و مبیعه هم تسلیمی نشده باشد نرخ مروجه در محل و زمان عقد بحیث قیمت اساس قرار داده میشود اگر نرخ مروجه در زمان و محل عقد متعدد باشد مشتری مجبور است که اوسط نرخ را تادیه کند.

ماده ۶۴۴ - تفویض حق تعیین قیمت ذریعه معاوضه به شخص ثالث مجاز است اگر شخص ثالث نظر به علتی قیمت را تعیین ننمود مشتری مجبور است که نرخ رایج روز فروش را و اگر نرخ همان روز متعدد باشد اوسط آن را بپردازد اگر نرخ رایجه وجود نداشته باشد قیمت از طرف محکمه تعیین میشود.

ماده ۶۴۵ - مشتری که قیمت را تاییده ننموده و در ظرف مدت بین تاریخ عقد و تسلیم ورشکست شود با آنکه بایع تادیه وجه را تاجیل کرده باشد (ولی تأمینات معتبر نگرفته باشد) حق دارد مبیعه را تسلیم ندهد.

ماده ۶۴۶ - اگر تعیین قیمت نظر بوزن مبیعه مشروط باشد (در صورتیکه بر خلاف آن معاوضه و یا عرف عادات موجود نباشد) وزن ظرف از آن وضع میشود.

اینکه وزن ظرف نسبت بوزن حقیقی مبیعه و یا نظر بیک مقیاس و مقدار معین تثبیت شود و یا یک مقدار از وزن مبیعه بحیث وزن ظرف وضع و یا قیمت همان قسمت خراب شده و بیکاره امتعه که تسلیم میشود تنقیص گردد باسناد قرارداد و در صورت عدم قرارداد از روی عرف که در محل تسلیم جاری است تعیین میشود.

ماده ۶۴۷ - قبل از ادای تمام قیمت مال قید شرط دائر بر عدم انتقال ملکیت مبیعه به مشتری معتبر است خساره مبیعه که تحت این شرط تسلیم داده میشود سر از تاریخ تسلیم به مشتری عاید است.

ماده ۶۴۸ - اگر قیمت مبیعه نظر به نرخ بورس و یا بازار مقید شده باشد در صورتیکه خلاف آن قراردادی موجود نباشد نرخ وسطی بورس و یا بازار محل و زمان اجرای تعهد اساس اتخاذ میشود و اگر تعیین این نرخ ممکن نباشد نرخ وسطی فروشهای مماثل که در محل و زمان اجرای تعهد موجود است قبول میشود.

ماده ۶۴۹ - تکت پولی قیمت مبیعه بنام جبران ضرر و زیان در صورت تسلیم مبیعه از تاریخ تسلیم و اگر از تسلیم گرفتن امتناع شده باشد از تاریخ اطلاع بعد قابل مطالبه است.

ماده ۶۵۰ - نظر به ماهیت قرارداد و یا مقصد طرفین و یا جنس مبیعه اگر اجرای تعهد باقسام مختلفه قابل تقسیم باشد اگر یکی از طرفین یک قسمت تعهد را اجرا نکرده باشد میتواند عقد را فسخ کند.

ماده ۶۵۱ - در مبیعاتیکه باسناد نمونه بعمل می آید اثبات مطابقت مبیعه با نمونه متعلق بایع است ولی اگر نمونه در اثنای که بدست مشتری بوده خراب و یا تلف شود آنگاه اثبات عدم مطابقت مبیعه با نمونه تعلق به مشتری دارد.

ماده ۶۵۲ - اگر مشتری خرید را بعد از معاینه و تجربه و پسند مقید ساخته باشد جائز است.

ماده ۶۵۳ - اگر مبیعه برای معاینه و تجربه به مشتری تسلیم داده شده باشد مشتری مجبور است نظر به قرارداد و در حال عدم قرارداد در مدتیکه عرفا معین است قبولی و یا عدم قبولی خود را راجع به مبیعه بیان کند و اگر در قرارداد و عرف مدت معین نباشد بایع مهلت مناسبی تعیین و مشتری را به قبول و یا رد مبیعه دعوت میکند. اگر مشتری در مدت مذکور جواب نداده باشد چنین محسوب میشود که مبیعه را قبول کرده است اگر مشتری حق خیار خویش را صراحتاً محافظه نموده باشد و تمام و یا یک قسمت قیمت را تادیه و یا مبیعه را غیر از صورتیکه برای تجربه لازم می آید بشکل دیگری تصرف کرده باشد بیع تکمیل میشود.

ماده ۶۵۴ - در بیع که مطابق ماده (۶۵۲) واقع میشود اگر مشتری در ظرف مدت معین قرارداد و یا عرف قبولی و یا عدم قبولی خود را اظهار نکرده باشد بیع غیر منعقد محسوب میشود.

اگر در قرارداد و یا عرف کدام مدتی معین نباشد بایع مهلت مناسب تعیین کرده مشتری را باستعمال حق خیارش دعوت میکند. اگر مشتری در این مدت سکوت کرده باشد بیع غیر منعقد محسوب میشود.

ماده ۶۵۵ - اگر بیع بشرايط متذکره قرارداد و قانون موافق باشد مشتری مجبور است در ظرف مدتیکه باسناد قرارداد و یا عرف معین است مبیعه را تسلیم بگیرد.

اگر مشتری این مکلفیت را ایفا ننموده و قیمت را تادیه کرده باشد بایع بعد از اخطار کیفیت به مشتری میتواند از محکمه تجارتهی برای محافظه مبیعه شخص امین را مطالبه کند. در اثر این خواهش محکمه بدون جلب مشتری فوراً شخص امین را تعیین میکند. و اگر نصب امین و یا تاخیر تسلیم مصارف و خساره ایجاب نماید جبران آن بذمت مشتری است. هر گاه ماهیت مبیعه مساعد به تودیع نبوده و یا سریع الفساد باشد یا محافظه آن نظر به قیمت بمصارف گزاف و یا تادیه به اجرت ارضیه محتاج باشد بایع بعد از اینکه موضوع را به مشتری در صورت امکان اطلاع نماید میتواند باسناد اجازة که از محکمه حاصل میکند مبیعه را بدون دعوت مشتری بصورت مزایده علنی بفروش برساند در صورتیکه مبیعه در بورس یا بازار نرخ مروج داشته باشد بایع حق دارد باجازه محکمه بدون مزایده علنی بهمان نرخ بفروشد مبیعه که باین صورت بفروش میرسد قیمت آن بعد از وضع مصارف فروش از جانب بایع بنام مشتری ببانک و در صورت عدم وجود بانک به اجازة محکمه در یک محل امین دیگری تودیع شود. بعد از اینکه مبیعه به شخص امین و یا قیمت آن بیک محل امین تودیع گردد فوراً قضیه از طرفه بایع باطلاع مشتری رسانیده شود.

ماده ۶۵۶ - در صورتیکه مشتری قیمت را در زمان معین قرارداد و یا عرف تادیه نکند بایع طوریکه دعوای قیمت را میتواند همچنان حق دارد باسناد اطلاعیه و یا مکتوب راجستری مهلت مناسب تعیین و مشتری را به ایفاء تعهد دعوت نماید اگر مشتری در ظرف این مهلت قیمت را تادیه نکند بایع میتواند مطابق به ماده (۶۵۵) مبیع را فروخته و از بدل آن قیمت را استفاء و تفاوت بین بدل فروش و قیمت مبیعه را از مشتری مطالبه نماید. اگر مبیعه در بورس و یا بازار دارای نرخ مروجی باشد بایع بدون اینکه مجبور بفروش مبیعه باشد میتواند تفاوت بین قیمت مبیعه و نرخ را که در خاتمه مهلت در بورس و یا در بازار موجود است از مشتری طلب کند.

ماده ۶۵۷ - در صورتیکه بایع مبیعه را در زمان معین قرارداد و یا عرف تسلیم نکند مشتری با اطلاعیه و یا مکتوب راجستری بایع را در ظرف یک مدت مناسب به تسلیم دادن مبیعه دعوت میکند. اگر در انقضای این مهلت بایع مبیعه را تسلیم نکند مشتری میتواند به محکمه مراجعه نموده فسخ قرارداد را با خساره وارده و فایده که از آن محروم مانده است از بایع طلب کند اگر مشتری بخواهد میتواند مستقیماً و یا توسط محکمه امتعه را از شخص ثالث بخرد و بدلی را که تادیه نموده است اگر از قیمت مبیعه زیاده تر باشد این زیادت را از بایع اول مطالبه کند در صورتیکه مبیعه در بورس و یا بازار نرخ مروجی داشته باشد مشتری بدون اشتراء مبیعه از شخص ثالث نیز میتواند تفاوت بین نرخ مروج قیمت مبیعه را از بایع تقاضا کند هم درین صورت و هم در حال مبیاعه از شخص ثالث حق طلب خساره که مشتری آنرا متحمل شده است باسناد ماده (۵۹۱) محفوظ میباشد.

ماده ۶۵۸ - اگر در بیع نظر بصراحت قرارداد و یا نظر به جنس و ماهیت مبیعه و مقصد اشتراء مشتری و بایع مجبور باشند که حتماً در ظرف میعاد معینی ایفاء تعهد کنند. در صورتیکه در ختم این مدت تعهد را ایفا نکرده باشند طرف دیگر از باعث عدم ایفاءی تعهد بدون اطلاعیه میتواند مطابق احکام مواد (۶۵۶) و (۶۵۷) عقد را فسخ و جبران خساره طلب کند ولی طرفیکه صلاحیت فسخ عقد را دارد اگر بخواهد که تعهد عیناً ایفا شود مکلف است که در حین حلول یا انقضای مدت معین ایفاءی تعهد را تقاضا کند.

ماده ۶۵۹ - در مباحثات تجارتهی اگر در حین تسلیم کدام عیب و نقص مبیعه و یا عدم توافق آن به شرایط قرارداد و یا نمونه یا قانون ظاهر شود مشتری مکلف است کیفیت را در ظرف چهار روز به بایع اطلاع دهد و الا بعد از آنکه مشتری مبیعه را تسلیم شد مکلف است آنرا در ظرف دو هفته خودش یا نماینده اش معاینه بنماید اگر در نتیجه این معاینه نقصی ظاهر شود و یا عدم موافقت مبیعه بشرایط قانون و یا قرارداد و یا نمونه آشکار گردد مشتری برای حفظ حق رجوع خود موظف است کیفیت را در ظرف دو هفته و اگر عیب مخفی کشف شود بصورت فوری به بایع اطلاع دهد و الا چنان استنباط میشود که مبیعه را بحال موجوده قبول کرده است.

ماده ۶۶۰ - مشتری حق دارد علیه بایع از رهگذر نقص در مبیعه و یا عدم توافق به قرارداد و یا شرایط معینه قانونی و یا نمونه دعوای کند این حق از تاریخ تسلیم مبیعه تا شش ماه اعتبار دارد تزئید یا تنقیص این مدت در قرارداد جائز است.

ماده ۶۶۱ - اگر عدم موافقت مبیعه بشرایط معینه قانون و یا قرارداد و یا نمونه در اثر حیل بایع فهمیده شده بتواند احکام مواد ۶۵۹ و ۶۶۰ درباره آن تطبیق نمی شود.

ماده ۶۶۲ - در صورتیکه مشتری مطابق ماده (۶۵۹) در مبیعه عیبی کشف کرده و یا آن را در اثر علتی مطابق شرایط معینه قرارداد یا قانون و یا نمونه دریافت نکند میتواند اولا به بایع رجوع و آن را برای معاینه دعوت نماید و اگر بایع به مدت مناسب حاضر نشود درین حالت به محکمه تجارتی مراجعه و برای نصب اهل خبره تقاضا و معاینه میشود و محکمه بهمان اساس قرار لازم را صادر مینماید.

ماده ۶۶۳ - در صورتیکه مبیعه برای مشتری از محل دیگری فرستاده شده باشد ولو اینکه مشتری مطابق حکم ماده (۶۵۹) به بایع مراجعه هم کرده باشد مشتری مجبور است مبیعه را بمصرف بایع محافظه و یا مطابق ماده (۶۵۵) به شخص امین بسپارد. اگر مبیعه ماهیتا قابل تودیع نبوده و یا سریع الفساد باشد و یا مصرف محافظه آن نظر به قیمت آن زیادتر و یا وابسته به تادیه اجرت ارضیه باشد مشتری میتواند مطابق ماده (۶۵۵) مبیعه را بفروش برساند.

ماده ۶۴۴ - در صورتیکه مبیعه شرایط معین قرارداد و یا قانون را دارا نباشد مشتری مخیر است عقد را فسخ و یا حکم تادیه تفاوت قیمت و خساره را از محکمه مطالبه کند.

حصه دوم

بعضی از انواع خصوصی بیع تجارتی

فروش صیف

ماده ۶۶۵ - اگر یک بیع باساس تعیین کشتی که مبیعه به آن حمل خواهد شد بعمل آمده باشد در این صورت عقد بیع بشرط مواصلت کشتی مذکور به محل مقصد موکول میباشد.

اگر بایع مدت حرکت کشتی را که مبیعه در آن حمل میشود ذریعه مقاله و یا نظر بعرف تجارتی تعیین نکرده باشد مشتری میتواند تعیین مدت کشتی را تقاضا و یا فسخ عقد را با جبران خساره طلب کند.

اگر برای تعیین مدت کشتی در مقاله و یا عرف صراحت و سابقه وجود نداشته باشد مشتری میتواند به محکمه مراجعه و تعیین این مدت را طلب و محکمه مستعجلا اقدام نماید.

اگر برای مدت حرکت کشتی که در حین محل عقد و یا بعدا تعیین میشود و یا برای مواصلت آن به محل مقصد مدت معین شده و کشتی در وقت معین حرکت ننموده و یا در ظرف مدت معین به محل مقصد واصل نشده باشد مشتری میتواند فسخ عقد را مطالبه و دعوی کند.

مشتری میتواند مدت معینه مواصلت کشتی را به یک و یا چند بار تمدید نماید.

ماده ۶۶۶ - اگر مبیعه در اثنای سفر از باعث علل مجبره از کشتی که بطور معین در آن حمل شده به کشتی دیگر نقل داده شده باشد عقد فسخ نگرندیده و کشتی دومی بجای اولی محسوب میشود.

ماده ۶۶۷ - در صورتیکه عقد مشروط به مواصلت مال باشد و مبیعه در اثنای سفر طوری خساره مند گردد که منفعت منظور از بین رفته باشد عقد فسخ میگردد.

در غیر این صورت مشتری مجبور است مبیعه را حین مواصلت بحال موجود قبول نماید. و خساره ایکه ازین درک متحمل میگردد به تصدیق اهل خبره از قیمت جبران میشود.

ماده ۶۶۸ - فروشیکه بشرط تسلیم مال در کشتی بر علاوه اجرت بیمه و مصرف نقلیه بعمل می آید فروش (سیف) نامیده میشود مصرف نقلیه عبارت از اجرت نقل مال الی تسلیم آن به جرثقیل بندراست.

خساره امتعه که باسا (سیف) فروخته میشود از تاریخ حمل آن به کشتی به مشتری عاید است.

ماده ۶۶۹ - امتعه که بصورت (سیف) فروخته میشود باید از طرف بایع به اساس شرایط مقاله و در صورت عدم آن نظر به عرف و عادات جاری محلی به کشتی حمل میگردد.

در صورتیکه بایع مجاز باشد تعهد خود را حصه حصه اجرا نماید هر حصه امتعه که حمل گردد چنین محسوب میشود که علیحده



فروخته شده است.

ماده ۶۷۰ - اگر بایع امتعه را که فروخته است (بدون استناد علل مجبره) در زمان معین یا مطابق عرف محل حمل نکرده باشد مشتری میتواند عقداً فسخ نماید در اینصورت مشتری مکلف است فوراً از تصمیم خود به بایع اطلاع دهد.

ماده ۶۷۱ - بایع به اساس یک بارنامه نقلیه بحری (کنسانمیت) که برای هر حصه امتعه باین عباره (حمل شده است) تنظیم مییابد میتواند اثبات نقل هر حصه مال را بنماید میتواند اثبات نقل هر حصه مال را بنماید که مطابق شرایط معینه بعمل آمده اگر بارنامه نقلیه دارای عباره (برای حمل تسلیم گرفته شده است) باید مشتری میتواند ادعا نماید که حمل امتعه در تاریخ بارنامه نقلیه صورت نگرفته است مگر اینکه کپتان کشتی حمل مال را در تاریخ بارنامه کشتی تصدیق نموده باشد.

ماده ۶۷۲ - اگر امتعه که بصورت (سیف) فروخته میشود از یک شهر داخی و یا از یک بندر با بارنامه واحدی حمل شده باشد تاریخیکه امتعه مذکور ذریعه اولین وسایل نقلیه حمل گردیده است بحیث تاریخ حمل قبول میگردد.

ماده ۶۷۳ - درج شرایط معتاده مقاوله‌های نقلیه کنسانمیت درباره اینکه کشتی میتواند در بعضی بنادر توقف و یا تبدیل راه کند و یا محموله را بکشتی دیگری منتقل نماید در مقابل مشتری نیز معتبر است بنابراین در صورتیکه تبدیلات مذکور را ایجابات حمل و نقل مال باشد خساره ایکه در اثر آن به امتعه وارد میشود مربوط به مشتری میباشد ولی اگر خساره از تقصیر بایع ناشی شده باشد مشتری میتواند بیع را فسخ و ضرر و زیان وارده را مطالبه نماید.

هرگاه امتعه مطابق ماده (۶۷۲) ذریعه کنسانمیت ارسال گردیده باشد باید کنسانمیت طوری تنظیم شود که شامل مراحل انتقالات باشد.

ماده ۶۷۴ - بایع (سیف) مکلف است امتعه معموله را (مطابق شرایط عادی که درج آن در مقاولات بیمه معتاد است) در مقابل خطرات بحری بیمه نماید.

قیمت بیمه باید باندازه نرخ تمام شد محلی باشد که امتعه به آنجا فرستاده میشود اگر امتعه حصه حصه حمل شده باشد باید هر حصه علیحده بیمه شود بایع نمیتواند بالذات در مقابل مشتری وظیفه بیمه کننده را اجرا نماید.

ماده ۶۷۵ - اگر تصدیق نامه بیمه عادی محتوی شرایط مخصوصه بیمه نباشد و شرایط آن برطبق یکی از نمونه های پالیسی بیمه تنظیم نگردد نمیتواند قائم مقام پالیسی بیمه واقع شود.

ماده ۶۷۶ - در صورتیکه بر خلاف آن در مقاوله صراحتی موجود نباشد خطراتیکه توسط بیمه تامین شود خطرات عادی بوده و خطر جنگ ما سوای آن است در شرایط معافیت و طرز تادیه بدل بیمه عرف و عادات جاریه محل حمل و جنس و ماهیت اشیا در نظر گرفته میشود.

اگر بایع (سیف) مبیعه را در شرکت معروف و معتبری بیمه کرده باشد و بعداً موسسه بیمه قادر بتادیه بدل بیمه نگردد در مقابل مشتری مسئولیتی ندارد.

ماده ۶۷۷ - اگر در بیع سیف جانبین قرارداد نمایند که مشتری وضعیت وزن و وصف امتعه را در حین حمل به کشتی معاینه کند معتبر است در صورت کشف نقصان مشتری میتواند به محکمه مراجعه و تعیین و تصدیق اهل خبره را مطالبه کند.

ماده ۶۷۸ - بعد از اینکه امتعه حمل گردید بایع مکلف است که (اکنسانمیت) را ظهر نویسی کرده با مقاوله بیمه وصل بیجک و عندالایجاب تصدیق نامه راجع بوصف و وزن امتعه ترتیب و و به انضمام حواله (چک) به مشتری ارسال نماید. اگر کشتی حامل امتعه واصل شود و اوراق مربوطه هنوز نرسیده یا بصورت ناقص رسیده باشد در صورتیکه مشتری به بایع مراجعه نماید بایع مجبور است اسناد صحیحی که مدار اعتبار تسلیم امتعه از طرف مشتری شده بتواند تهیه و آنرا به مشتری ارسال نماید مصارفیکه از تاریخ تسلیم اوراق مذکور بعمل می آید متعلق به بایع است.

ماده ۶۷۹ - بایع مجبور است معلوماتی را که درباره تاریخ حمل امتعه مارکها و کشتی حامل امتعه بدست می آرد فوراً به مشتری اطلاع بدهد.

ماده ۶۸۰ - اوراقیکه به مشتری ارسال میشود باید مکمل و منظم باشد در صورتیکه مندرجات اوراق بشرایط مقاوله (سیف) مطابقت

نکند مشتری می تواند مقاولة را فسخ و طلب ضرر و زیان نماید.

ماده ۶۸۱ - مشتری مجبور است بعد از اینکه اوراق متذکره در ماده (۶۸۰) به او لیم میگردد پس از ملاحظه در ظرف چهار روز کار آنرا قبول و یا رد نماید.

در حال رد اوراق اگر ثابت گردد که رد بیموجب بوده است مشتری مجبور است ضرر و زیان بایع را بپردازد بر عکس آن مشتری حق دارد عقد را فسخ و ضرر و زیان آنرا مطالبه نماید.

اگر مشتری اوراق را قبول کرده باشد تاوقتیکه حيله بایع باثبات نرسد و یا عدم مطابقت امتعه به مندرجات اوراق ظاهر نگردد مشتری نمی تواند عقد را فسخ کند. اگر مشتری اوراق را با ذکر بعضی علل معینه تردید و یا با قید اعتراض قبول نموده باشد نمیتواند باستثنای علل معینه اعتراض دیگری بنماید.

ماده ۶۸۲ - مشتری (سیف) پس از تسلیم و قبولی اوراق متذکره ماده (۶۷۲) (در صورتیکه بر خلاف آن در مقاولة صراحتی موجود نباشد) مجبور است بدل اسناد را که راجع بقیمت مبیعه با و صادر شده فوراً بپردازد.

ماده ۶۸۳ - در وقت مواصلت کشتی نظر به شرائط کنسانمینت و مقاولة و اگر در مقاولة صراحتی موجود نباشد قرار عرف و عادات محلی امتعه خارج می شود.

مشتری مکلف است مطابقت امتعه صادره از کشتی را با نمبر و مارک و کنتر مارک و شرایط باربندی مندرجه اوراق معاینه نماید.

اگر در اثر خطای بایع تعیین و تشخیص امتعه ممکن نگردد مشتری میتواند عقد را فسخ نماید.

ماده ۶۸۴ - اگر تفاوت بین امتعه مرسوله و امتعه موضوع مقاولة از حیث صفت از اندازه معمول تجاوز نکند مشتری مکلف است امتعه را قبول ولی میتواند باسناد نظریه اهل خبره تنزیل یک مقدار از قیمت را مطالبه نماید مقداریکه از قیمت تنزیل میشود هرگاه بر خلاف آن صراحتی موجود نباشد نظر بعرف و عادات جاریه در بندر تخلیه تعیین و تقدیر میشود.

ماده ۶۸۵ - قید شرط مبنی بر اینکه بدل امتعه در حین تخلیه از روی وزن معتبر است ممکن میباشد در این صورت نظر به مندرجات مقاولة بیجک موقتی تنظیم میگردد. که بعد از حمل امتعه بمشتری ارسال میشود و قیمت مبیعه باندازه فیصد هفتاد و پنج الی نود در اسناد مربوطه که به مشتری ارسال میشود پیش بینی میگردد.

بعد از این که در حضور طرفین و یا نمایندگان آنها وزن امتعه در بندر مقصد تعیین گردید بیجک قطعی (حقیقی) تنظیم میشود تفاوت در بین دو بیجک در ظرف هشت روز از تاریخ قبولی امتعه از طرف مشتری تادیه و یا از طرف بایع اعاده میشود.

ماده ۶۸۶ - اگر در مقاولة قید (تخمینا) موجود باشد در صورتیکه مبیعه شامل به تمام محموله کشتی باشد ده فیصد و در حالیکه مبیعه جزئی از محموله کشتی باشد پنج فیصد کمتر و یا زیادتر از مقدار یکه مقاولة شده قابل تقسیم است.

در صورت تعیین مقدار قطعی مشتری حق دارد تمام مقدار معین را که در مقاولة ذکر شده طلب نماید. ولی بایع از خسارات طبیعی و بحری که در اثناء سفر به مبیعه وارد میشود مسئول نمیباشد قیمت مقدار کمبودی و یا اضافی که در هر دو حال ظاهر گردد نظر به رواج روز و محل اخراج امتعه از کشتی تعیین و تسویه میشود اگر تثبیت وزن حقیقی امتعه از حیث افتادن یک قسمت آن به بحر و یا از سبب تر شدن ممکن نشود بیجک موقتی اعتبار دارد.

ماده ۶۸۷ - اگر در مقاولة شرایطی پیش بینی شود که خسارات بعد از حمل مال منحصرأ به بایع مربوط است و یا عقد معامله را ملتوی به وصول کشتی بطور سالم به محل مقصد قرار دهد و یا مشتری را به پسند و عدم پسند نمونه که در حین عقد تسلیم شده مختار بشناسد درین حال ماهیت مقاولة فروش (سیف) تغییر خورده و معامله به شکل بیعیکه مشروط به تسلیم مال به محل تخلیه است تبدیل میگردد.

فصل چهارم

قرض تجارتي

ماده ۶۸۸ - برای اینکه قرض تجارتي محسوب شود شرط است به مقصد صرف شدن در امور تجارتي استقراض شده باشد.

ماده ۶۸۹ - قرض جنس مانند نقد بحیث قرض تجارتي جائز است.

ماده ۶۹۰ - قرض کننده مجبور است چیز را که قرض میگیرد در وقت معین با همان نوع و وصف اعاده کند.

ماده ۶۹۱ - شخصیکه غیر از قرض بنا بر دیگری بدادن پول و یا جنس مجبور باشد میتواند پول و یا جنس را بشکل قرض تجارتي یا دائن فیصله کند.

ماده ۶۹۲ - قرض تجارتي همیشه تابع تکت پولی است مگر اینکه بر خلاف آن بین طرفین فیصله شده باشد.

ماده ۶۹۳ - اگر مقدار تکت پولی در قرار داد تعیین نشده باشد چنین دانسته میشود که طرفین به تادیه تکت پولی قانونی موافقت نموده اند.

ماده ۶۹۴ - اگر مدت قرض کمتر از یک سال باشد تکت پولی در روز اعاده قرض پرداخته میشود و اگر مدت از یک سال متجاوز باشد تادیه تکت پولی در آخر سال لازم میاید مگر اینکه طرفین بر خلاف آن موافقه نموده باشند.

ماده ۶۹۵ - اگر در بین طرفین مدت تادیه تعیین گردیده باشد دائن نمیتواند مدیون را قبل از بسر رسیدن وعده به تادیه اجبار نماید.

ماده ۶۹۶ - مقدار و قیمت جنس که برای امور تجارتي قرض میشود ذریعه اسباب ثوبیه ماده (۶۰۹) این قانون قابل اثبات است.

#### فصل پنجم

#### رهن تجارتي

ماده ۶۹۷ - برای اینکه رهن تجارتي محسوب شود لازم است که بمقصد تجارت بعمل آمده باشد.

ماده ۶۹۸ - عاقدین میتوانند بالاتفاق قرار دهند که مال مرهون به شخص ثالث تودیع شود.

ماده ۶۹۹ - ثبوت رهن تجارتي مطابق ماده (۶۲۴) این قانون بعمل میاید اگر دین رهن متجاوز از (پنج صد افغانی) باشد باید بدائره ثبت تجارتي ثبت و تصدیق شود.

ماده ۷۰۰ - رهن برات ها و حجت ها و دیگر اسناد تجارتي جایز است. رهن اسناد با نام در دفاتر شرکت مربوط ثبت و قید میشود.

ماده ۷۰۱ - داین در استیفای حق خود از مال مرهون نظر به داینین دیگر ترجیحا مقدم است. حق ترجیح دائن در مال مرهون تنها در صورتیکه مال مرهون در دست خود دائن و یا باتفاق طرفین در دست شخص ثالث باشد معتبر است در حالیکه اموال مرهونه در مغازه های دائن و کمیشن کار و یا در تحویل خانه های گمرک موجود باشد چنان محسوب میشود که در تحت تصرف دائن است همچنین اگر قبل از وصول اموال مرهونه بیک بارنامه که بداین داده شده است و یا در یک مقاوله نامه حمل و نقل قید شده باشد که (در مقابل تضمین داده شده است) اموال مرهونه در تصرف داین فرض میشود.

ماده ۷۰۲ - داین مجبور است برای حسن محافظه مال مرهون تدابیر لازمه را اتخاذ نماید. دائن مکلف است در حلول وعده باری استیفاء حق خود اقدامات قانونی را بعمل بیاورد. مدیون مکلف است که علاوه از دین خود تمام مصارفی را که داین برای حفاظه مال مرهون متحمل شده نیز تادیه بدارد. همچنان باید دائن حسابات مصارفی را که باین مقصد نموده به مدیون بدهد.

ماده ۷۰۳ - در صورتیکه بر خلاف آن شرطی مقرر نشده باشد دائن مکلف است تمام حقوقی را که مدیون بالای اشیاء سهام و اسناد قرض مرهون داراست حمایه کند.

ماده ۷۰۴ - اگر قیمت اشیاء سهام و اسناد قرض مرهونه زیاده از ده فیصد تنزل کند دائن میتواند تکمیل آنرا از مدیون تقاضا نماید مگر اینکه بر خلاف آن بین طرفین موافقه شده باشد.

در صورتیکه مدیون این خواهش را قبول نکند و یا در قبول آن تاخیر نماید داین میتواند مال مرهون را مطابق ماده (۶۵۵) بفروش برساند.

ماده ۷۰۵ - در حال رهن، اشیاء مماثل و یا سهام و اسناد قرض اگر مثل آنها داده شود حکم رهن در این مورد نیز جاری است.

ماده ۷۰۶ - در صورتیکه مدیون در مدت بسر رسیدن وعده تمام دین را که ذریعه رهن بدست آورده است تادیه نکند داین میتواند در فروش مال مرهون اقدام ورزد.

برای این مقصد داین به محکمه تجارتی مربوط مراجعه و اجازه فروش مال مرهون را خواهش میدارد در اثر این خواهش کیفیت فوراً ذریعه محکمه به مدیون و اگر رهن بحساب مدیون از طرف شخص ثالث بعمل آمده باشد به شخص ثالث نیز تبلیغ میشود که اگر اعتراضی داشته باشند در ظرف سه روز اطلاع دهند.

بعد از مرور سه روز اگر از طرف مدیون و یا شخص ثالث اعتراضی وارد نشود محکمه تجارتی درباره فروش مال مرهون قراری اتخاذ میکند اگر درباره فروش دو مقوله نامه قیدی موجود باشد مطابق آن والا مطابق ماده (۶۵۵) در فروش مال اقدام میشود. این قرار تا وقتیکه به مدیون و یا شخص ثالثیکه بحساب مدیون رهن داده باشد تبلیغ نگردد اجرا شده نمیتواند در تبلیغ محل ساعت و روز اجرای فروش (واینکه اگر بر علیه قرار محکمه از تاریخ تبلیغ در ظرف سه روز از طرف داین در محکمه اعتراضی واقع نشود قطعیت پیدا خواهد کرد) ذکر میشود.

در صورت وقوع اعتراض از تاریخ وصول اعتراضنامه در ظرف هشت روز محکمه موظف است به مسئله رسیدگی و قرار خود را صادر کند.

ماده ۷۰۷ - در حالیکه مدیون و یا شخصیکه به حساب مدیون رهن داده باشد در داخل حوزه اقامتگاه نداشته و یا اقامتگاهی تعیین نکرده باشد تبلیغ در جریده محل محکمه نشر میشود. اگر در محل محکمه جریده نباشد تبلیغ در موضع مناسب محکمه تعلیق میگردد. مدت معینه ماده (۷۰۶) راجع به اعتراض را به سبب بعد مسافه نمیتوان تزئید کرد.

ماده ۷۰۸ - حقوقیکه مطابق مواد سابقه به داین داده شده است در صورت وفات و افلاس مدیون و یا شخصیکه به حساب مدیون رهن داده باشد از بین نمیرود.

ماده ۷۰۹ - تعیین چنان شرط که داین را از استیفای دین از مال مرهون محروم و یا در فروش از استفاده مراسم قانونی ممنوع سازد (در حال عدم تادیه دین از طرف مدیون) باطل است.

ماده ۷۱۰ - معاملات رهن امتعه که به مکازین عمومی (گدام) تودیع میشود تابع احکام فصل مخصوص این قانون است که راجع مگازین های عمومی بحث میکند.

## فصل ششم

### حواله طلبات

ماده ۷۱۱ - داین میتواند بدون موافقه مدیون طلب خود را بدیگری حواله دهد. مگر اینکه نظر به ماهیت معامله و یا شرایط ماقوله ممنوع باشد.

شخصیکه طلب به او حواله شده از تاریخ حواله حقوقاً حیثیت شخص حواله دهنده را دارا میشود.

اگر در متن سند راجع به حواله نکردن طلب قیدی وجود نداشته باشد و شخص ثالث حواله را قبول نماید در مقابل حواله گیرنده نمیتواند ادعا کند که او با داین اولی خود راجع به حواله نکردن طلب شرطی گذاشته بود.

ماده ۷۱۲ - حواله طلبیکه علت آن فعلاً موجود ولی در آینده تحقق مینماید جایز است.

ماده ۷۱۳ - تا وقتیکه حواله طلب تحریراً صورت نگیرد از اعتبار ساقط است.

ماده ۷۱۴ - قبل از آنکه حواله طلب از طرف داین به مدیون اطلاع گردد اگر مدیون دین را به داین اولی تادیه کند در مقابل شخصیکه طلب باو حواله داده شده است بری مییابد.

ماده ۷۱۵ - اگر درباره اینکه طلب بکدام شخص عاید است اختلافی موجود شود مدیون میتواند مبلغیرا که مقروض است بداین حقیقی که ثابت شود و یا شخص امین توسط معکمه تودیع نماید.

هرگاه مدیون با وجود معلومات از اختلاف مذکور دین خود را بغیر از شخصیکه صاحب حقیقی است تادیه نماید در مقابل شخص حواله داده شده بری شده نمیتواند اگر درباره ارتباط دین دعوی بظهور رسیده و میعاد مقتضی گردیده باشد هر یک از طرفین میتواند مدیون را وادار سازند که مقدار دین را رسماً تودیع نماید.

ماده ۷۱۶ - در صورتیکه مدیون از حواله اطلاع نماید میتواند حق اعتراض را که در مقابل داین اولی دارا میباشد عینا در مقابل کسیکه طلب باو حواله داده شده است نیز استعمال نماید. هرگاه مدیون در مقابل داین دارای طلبی بوده باشد که هنوز میعاد آن بسر نرسیده میتواند داین طلب را در مقابل شخصیکه طلب باو حواله داده شده است محاسبه نماید.

ماده ۷۱۷ - حواله و طلب حق رجحان و سایر حقوق فرعی را که از طلب ناشی میشود نیز شامل میباشد ولی اگر این حقوق منحصر به شخص داین باشد حواله نمیتواند آن را در بر بگیرد.

داین مکلف است سند طلب را به کسیکه طلب به او حواله گردیده و سایر وسایل ثبوتیه را تهیه و تسلیم نماید و برای اینکه شخص حواله گیرنده بتواند از مدیون استیفاء دین نماید معلومات لازمه را باو اعطا کند.

تکت پولهاییکه بر حواله مترتب میشود باصل طلب قابل تادیه است.

ماده ۷۱۸ - اگر حواله طلب در مقابل عوض اجرا گردیده باشد شخصیکه طلب را حواله داده است باید ضامن موجودیت طلب باشد ولی اگر حواله دهنده صراحتا تعهد نکرده باشد مسئول عسرت مالی مدیون نیست.

اگر یک شخص طلب خود را که بالای دیگری دارد بلا عوض انتقال داده باشد از عدم وجود و یا حصول طلب مسئول نمیشود.

ماده ۷۱۹ - اگر شخص طلبی را که بالای شخص دیگری دارد بغرض ادای دین بدائن خود حواله داده و مقداری را که باید از دینش وضعش شود تعیین نکرده باشد کسیکه طلب باو حواله داده شده مکلف است مبلغی را که حقیقتا از مدیون اخذ نموده به دین خود محسوب کند.

ماده ۷۲۰ - شخصیکه طلب را حواله میدهد اگر در مقابل حواله گیرنده ضامن باشد باید بدل طلب و تکت پولی را که در مقابل حواله گرفته با مصارف حواله ودعوی (اگر علیه مدیون اقامه نموده و بی نتیجه مانده باشد) اعاده کند.

#### حساب جاری

ماده ۷۲۱ - حساب جاری عبارت از مقاوله ایست که باساس آن طرفین عاقدین متقابلا قبول میکنند که طلبات خود را از یکدیگر چه ناشی از پول نقد و چه متولد از اموالیکه ملکیت آن قابل انتقال باشد بصورت انفرادی از همدیگر مطالبه نمی نمایند بلکه حساب را قلم بقلم به دبت و کریدت معامله و بقیه حساب را از یکدیگر تقاضا میکنند.

ماده ۷۲۲ - احکام مقاوله حساب جاری قرار ذیل است:

- ۱- ملکیت اموال که در ضمن حساب جاری بحساب (دبت) قید میگردد بطرف گیرنده منتقل میشود.
- ۲- درحالیکه قبل از عقد مقاوله حساب جاری در بین طرفین معامله ای بحساب جاری قید شده باشد (تا وقتیکه خلاف آن شرط نشده باشد) معامله سابقه تجدید شده محسوب میگردد.
- ۳- سند تجارتهی به حساب جاری وقتی صورت گرفته میتواند که تادیه آن مسلم باشد.
- ۴- بقیه حسابات کریدت و دبت که از هم وضع میگردد واجب التادیه میباشد.
- ۵- مبلغیکه در ستون کریدت یک نفر قید شده باشد از همان تاریخ بمفاد کریدت کننده و به ضرر دبت که تابع تکت پولی میباشد محسوب میگردد.

ماده ۷۲۳ - اگر بدل سند تجارتهی در فقره سوم ماده (۷۲۲) ذکر است تحصیل نشود بمالک اعاده و قید آن حذف میشود.

ماده ۷۲۴ - موجودیت حساب جاری بین طرفین مانع تقاضای کمیشن و مصارف متفرقه آن نميگردد.

ماده ۷۲۵ - حساب جاری در تاریخیکه باساس مقاوله و یا عرف معین است بسته شده و تفاوت بین دبت و کریدت تثبیت میشود. اگر درین باره مقاوله و یا عرف تجارتهی موجود نباشد اخیر حوت هر سال برای جانبین بحیث تاریخ بسته شدن حساب جاری اعتبار دارد.

ماده ۷۲۶ - باقی حساب که در نتیجه دبت و کریدت تثبیت میشود از همان تاریخ تابع تکت پولی میباشد.

ماده ۷۲۷ - طرفین میتوانند در تبدیل تکت پولی بسرمایه و تعیین زمان میزان حساب جاری و تکت پولی و اندازه کمیشن مقاوله

نمایند.

ماده ۷۲۸ - نقوذ و اموالیکه به مقصد صرف در کار معین و یا جداگانه تسلیم داده میشود داخل حساب جاری نمیگردد.

ماده ۷۲۹ - تمام ارقام دبت و کریدت که در حساب جاری داخل است قابل تجزیه نمیشد قبل از بسته شدن حساب هیچ یکی از طرفین داین ومدیون شمرده نمیشود.

وضعیت حقوقی طرفین را تنها قطع حساب تعیین می نماید.

ماده ۷۳۰ - حجر نقوذ و اموال دخل حساب جاری وقتی اعتبار دارد که بقیه حساب در وقت قطع شدن به نفع حساب محجور ظهور کرده باشد.

ماده ۷۳۱ - مقاولات حساب جاری نظر به علل ذیل قانونا فسخ شمرده میشود.

۱- ختم مدت معینه مقاوله.

۲- بموافقه طرفین.

۳- فسخ مقاوله از جانب یکی از طرفین در صورتیکه در مقاوله منع نشده باشد.

۴- افلاس یکی از طرفین.

ماده ۷۳۲ - در صورت فوت و یا محجوریت یکی از طرفین طرف دیگر حق دارد که با مراجعه بمحکمه فسخ مقاوله حساب جاری را تقاضا نماید.

ماده ۷۳۳ - مقاوله حساب جاری تنها با اسناد تجارتي اثبات شده میتواند.

ماده ۷۳۴ - قید دبت و کریدت در حساب جاری حق عقدی که دبت و کریدت را بوجود می آورد و یا حقوقی را که طرفین متعلق به دعوی و مدافعه این معامله دارند ساقط نمیسازد.

اگر عقد و یا معامله ابطال شود قلم مربوط بآن از حساب وضع میشود. اگر در عقد بر خلاف شرطی وجود داشته باشد مطابق آن رفتار میشود.

ماده ۷۳۵ - دعاوی تصفیه حساب جاری و بقایای تکت پولی که برضای جانبین و یا حکم قانون تعیین میشود و یا سهو و تکرار و درج ارقام خلاف حقیقت بعد از مرور پنجسال ساقط میشود.

## فصل هشتم

تودیعات به گدام های عمومی

ماده ۷۳۶ - محل هائیکه ذخایر و امتعه مردم را بصورت ودیعه یا رهن قبول کرده ودر مقابل آن رسیدهای اصولی بمعامله داران خود میدهند گدام های عمومی نامیده میشوند.

ماده ۷۳۷ - احکام گدام های عمومی درباره محل هائیکه بدون دادن سند تنها برای قبول ودیعه اموال افتتاح میگردد تطبیق نمیشود.

ماده ۷۳۸ - سند قبض که در مقابل امتعه و ذخایر مودوعه بگدام های عمومی داده میشود باید دارای تشریحات ذیل باشد:

۱ - اسم و شغل و اقامتگاه تودیع کننده.

۲- اسم گدام که اشیا بآن تودیع شده است.

۳- خصوصیات لازمه برای فهمیدن جنس مقدار و قیمت اشیا مودوعه.

۴- تادیه و یا عدم تادیه مالیات و محصولات و رسوم گمرک اشیا مودوعه و توضیحاتیکه آیا اموال بیمه شده است یا نه؟ در صورت بیمه ذکر خصوصیات آن.

ماده ۷۳۹ - سند رهن (ورانت) نیز عینا دارای تشریحات مندرجه ماده (۷۳۸) بوده و به سند قبض ضمیمه میشود.

ماده ۷۴۰ - کاپی اسناد معاملات بصورت اصولی در جمله اوراق گدام های عمومی مرتب و حفظ می گردد.

ماده ۷۴۱- سند قبض و ورائت به نام تودیع کننده و یا شخص ثالث که از طرف تودیع کننده تعیین میگردد تنظیم میشود.  
ماده ۷۴۲- حامل سند قبض و ورائت میتواند اشیاء مودوعه را به تفریق رسید مطالبه نماید و یا رسید عمومی خود را به تفریق هر جنس رسید تقاضا کند درین صورت مصارف تهیه اسناد بدمه تقاضا کننده است و رسید عمومی که قبلا اخذ داشته است باطل میشود.

ماده ۸۴۳- سند قبض (و ورائت) علیحده علیحده و یا مشترکا بصورت ظهر نویسی قابل انتقال است ظهر نویسی باید دارای تاریخ همان روزی باشد که اجرا شده است.

ماده ۷۴۴- از ظهر نویسی احکام ذیل بوجود می آید:

- ۱- ظهر نویسی مشترک سند قبض (و ورائت) ملکیت اموال را منتقل میسازد.
  - ۲- تنها ظهر نویسی ورائت باعث گروهی اموال به شخصی میگردد که ورائت باو انتقال یافته است.
  - ۳- تنها ظهر نویسی سند قبض (بشرطیکه حق حامل ورائت محفوظ بماند) ملکیت امتعه و ذخایر مودوعه را انتقال می دهد.
- ماده ۷۵۴- ظهر نویسی ورائت باید محتوی مقدار دین و تکت پولی و تاریخ حلول موعده باشد.  
تشریحات ظهر نویسی ورائت عینا در سند قبض نیز درج و ظهر نویسی امضا می نماید.  
ماده ۷۴۷- ورائت و سند قبض مشترکا بصورت ظهر نویسی سفید میتواند ظهر نویسی شود. اینگونه ظهر نویسی حقوق ظهر نویسی را به حامل منتقل می سازد.

ماده ۷۴۸- تحت مراقبت گرفتن توقیف و یا رهن اموال و ذخائر مودوعه به گدام های عمومی جایز نمی باشد ، مگر در صورت ضیاع ورائت و سند قبض و یا اختلاف از رهگذر میراث و افلاس که درینصورت به امر و قرار محکمه رفتار میشود.

ماده ۷۴۹- حامل یک سند قبض که از ورائت تفریق گردیده باشد می تواند دینی را که ذریعه ورائت تامین گردیده با تکت پولی های آن تا حلول موعده به گدام های عمومی تودیع و قبل از حلول وعده اشیا را از مکازین خارج نماید.  
مبلغیکه تودیع میشود در مقابل اعاده ورائت به حامل آن داده میشود.

ماده ۷۵۰- سند قبضیکه از ورائت تفریق شده حامل آن اگر بخواهد میتواند یک قسمتی از اموال و ذخایر مودوعه به گدام عمومی را با تودیع یک مقدار پول متناسب به مجموع دیونی که از همان قسمت اموال در اول مرحله تحت مسئولیت مکازین تامین شده است واپس بگیرد.

ماده ۷۵۱- حامل ورائت در صورتیکه در بسر رسیدن موعده طلب او تسویه نشده باشد مانند حامل برات میتواند مال مرهون را طبق احکام رهن تجارته ده روز بعد از اعتراض بفروش برساند.

ماده ۷۵۲- احوال مندرجه ماده (۷۴۸) مانع فروش نمیشود اما قیمت الی قررا قطعی بحیث ودیعه در گدام می ماند.

ماده ۷۵۳- اجوره گدام و مصارفیکه برای تادیه محصولات گمرکی و یا سائر محصولات اموال و ذخایر از جانب گدام های عمومی میشود در استیفا از مال مرهون حق اولیت دارد.

ماده ۷۵۴- پولی که از مال مرهون بدست می آید بعد از وضع مصارف و اجوره متذکره ماده (۷۵۳) بقیه برای تسویه معامله با حامل سند در گدام می ماند.

ماده ۷۵۵- حامل ورائت وقتی می تواند بمدیون و یا به ظهر نویسی های آن مراجعه نماید که فروش مال مرهون طلب او را کفایت نکند.

ماده ۷۵۶- اسناد قبض و ورائت) تابع آن مرور زمان روز فروش اموال و ذخایر حساب میشود.

ماده ۷۵۷- حامل ورائتیکه اعتراض ننموده و یا در مدت قانونی بفروش اموال مرهون اقدام نکرده باشد همه حقوق خود را در مقابل ظهر نویسی ها ضایع میکند اما در برابر مدیون حق دعوی او باقی می ماند.

ماده ۷۵۸- حاملیکه سند قبض و یا ورائت را ضایع میکند بشرط اثبات مالکیت و دادن ضمانت می تواند پس از اجازه محکمه صلاحیتدار تجراتی و بعد از اعلان به جراید محلی و مرور مدتیکه برای اعتراض تعیین شده مننی آنرا مطالبه نماید اگر وعده ورائت

ضایع شده بسر رسیده باشد به اساس تقاضای حامل محکمه میتواند درباره تسویه دین اجازه بدهد اگر اجازه متعلق به گدام و وراثت باشد کیفیت هم بگدام وهم به مدیون اولی ابلاغ میشود مالک گدام و مدیون می توانند در مقابل اجازه محکمه اعتراض نمایند.

در این صورت محکمه درباره اعتراض فوراً حکم صادر میکند اگر حکم به نفع دائن باشد موقتاً تحت اجرا گرفته میشود ولی تاوقتیکه اعلام محکمه کسب قطعیت میکند مبلغیکه از فروش مال مرهون حاصل میشود بامر محکمه به محل مصون تودیع میشود.

ماده ۷۵۹- اصول و شرایط تاسیس گدام های عمومی و اموال قابل تادیع به اساس هدایت با لایحه های مخصوصه تعیین میشود.

## فصل نهم

### وکالت تجارتي

ماده ۷۶۰- موضوع وکالت تجارتي اجرای معاملات تجارتي است بنام و حساب موکل وکالت تجارتي بلا اجرت اجرا شده نمیتواند.

ماده ۷۶۱- وکالت تجارتي ولو اینکه محتوی الفاظ و تعبیرات عمومیه باشد تا وقتیکه صراحت مخصوص موجود نباشد نمی تواند شامل معاملات غیر تجارتي باشد.

اگر وکیل درباره بعضی از امور مربوطه به یک کار از موکل خود هدایت گرفته باشد وکالت در قسمت های متباقیه همان کار بر اعتبار خود باقی است.

وکالت برای یک کار معین داده میشود همه معاملاتیرا که برای اجرای این کار لازم است بدون تذکر جداگانه در بر میگيرد.

ماده ۷۶۲- تاجر میتواند وکالتی را که باو سپرده میشود قبول و یا تردید کند ولی در حال تردید مجبور است:

اولا - کیفیت را بدون فوق وقت اطلاع دهد.

ثانیا - الی وصول خبر تردید به موکل تدابیر لازمه را برای محافظه اموال و وقایه موکل از خساره اتخاذ نماید بر عکس آن مجبور به جبران خساره متولده است.

ماده ۷۶۳- اگر موکل بعد از وصول خبر تردید در یک زمانیکه بمسافه متناسب باشد شخص دیگر یرا تعیین ننماید وکیل می تواند بر طبق ماده (۶۵۵) به محکمه مراجعه و تعیین شخص امین را برای محافظه اموال خواهش نماید و علاوه تقاضا کند که اندازه مصارف اجازه فروش را از اموال مربوطه اعطا کند.

ماده ۷۶۴- اگر وکیل علائم واضحی مشاهده نماید که دال بر خساره اموال در اثنای سفر باشد مکلف است تا برای تامین دعوی موکل علیه نقل دهنده اشیاء خسارات را کشف و تدابیر لازمه را حتی الامکان برای محافظه اموال اتخاذ نماید در صورت وجود خطر تلف شدن کامل اشیاء مطابق ماده (۶۵۵) به اجازه محکمه آنرا بفروش رسانیده و کیفیت را بلا معطلی به موکل اطلاع بدهد بر عکس وکیل به جبران خساره متولد از ا همال خود مسئول است.

ماده ۷۶۵- هرگاه اموالیکه بمقصد فروش بوکیل فرستاده میشود سریع الفساد و یا معروض به تغییرات باشد که خطر تنزل قیمت ایجاب کند و برای استیذان از موکل وقت مساعد موجود نباشد و یا خود موکل در دادن اذن معطلی کند وکیل بااساس امر محکمه ذی صلاحیت مطابق ماده (۶۵۵) در فروش اموال اقدام می نماید.

ماده ۷۶۶- وکیل مجبور است تمام احوالی را که باعث تعدیل و یا رفع وکالت شده باشد به موکل اطلاع دهد.

ماده ۷۶۷- وکیل از خسارات وارده در اشیائیکه بحساب موکل در نزد او میباشد در صورتی مسئول است که خسارات وارده در اثر احوال فوق العاده و یا اسباب مجبره و یا نقائص موجوده در خود اشیاء بوجود نیامده باشد.

ماده ۷۶۸- وکیل موظف است در زمان معقول و مناسب پول موکل را تسلیم و ارسال نماید و اگر این وظیفه را ایفا نکند مجبور است از همان تاریخ تکت پولی تادیه و عندالایجاب خساره وارده را جداگانه جبران نماید.

ماده ۷۶۹- وکیل نمیتواند به اوامر صریح و قطعی موکل مخالفت کند بر عکس مجبور به جبران خساره میشود که ازین حیث



تولید میگردد ولی اگر اجرای وکالت نظر به امریه موکل خساره کلی را برای موکل محقق میگرداند به استیذان موکل معامله را تاخیر داده میتواند.

ماده ۷۷۰- در معاملاتیکه هدایت صریح موکل موجود نباشد وکیل معامله را تا هدایت موکل تاخیر داده میتواند ولی اگر فوریت کار برای استیذان موکل مساعد نباشد ویا وکیل اجازه داشته باشد تا در دائره شرایط مفیده حرکت کند درین حال میتواند با بصیرت معامله را اجراء نماید.

ماده ۷۷۱- وکیل مجبور است بعد از ایفای وکالت کیفیت را بلا تاخیر به موکل اطلاع دهد اگر وکیل از حدود وکالت خود تجاوز کرده باشد در صورتیکه موکل بعد از اطلاع از معامله در زمان لازمه جواب ندهد مثل این است که موافقه کرده است. ماده ۷۷۲- اگر وکیل مبلغی را که بحساب موکل گرفته برای مقاصد معینه استعمال ننماید طوریکه از تاریخ گرفتن پول مجبور به پرداخت تکت پولی است همچنین مسئول جبران خساره عدم ایفای وکالت هم میباشد و اگر حيله و خدعه بکار برده باشد مورد تعقیبات جزائیه نیز قرار خواهد گرفت.

ماده ۷۷۳- اشخاص ثالث که با وکیل مقاوله عقد نموده اند وکالت نامه مطالبه نمایند وکیل مجبور است آنرا ارائه نماید و الا اشخاص ثالث می توانند از عقد رجوع کنند اگر وکیل اثبات کند که اشخاص ثالث در حین عقد از هدایات موکل بوکیل مطلع بوده اند از عقد رجوع نمی توانند.

ماده ۷۷۴- اگر وکالت کسیکه بحیث وکیل و یا ممثل یک شخص حرکت میکند حقیقت پیدا نکند و یا معامله را که خارج صلاحیت انجام نموده است از طرف موکل تصویب نشود بالذات مسئول همان معامله است. ماده ۷۷۵- موکل مکلف است و سائل لازمه اجرای وکالت را برای وکیل فراهم سازد مگر اینکه خلاف آن در مقاوله قبول شده باشد. ماده ۷۷۶- اجرت وکالت در صورت عدم وجود مقاوله از طرف محکمه نظر به عرف و احوال و شرایط وکالت تعیین می شود. ماده ۷۷۷- طلبات وکیل از موکل در ضمن اجرای وکالت در صورتی مرجح است که این طلبات پول پیشکی استقراض و برات صادر شده در مقابل مال موضوع وکالت و یا اجرت وکالت و مبالغیکه به اشکال دیگر راجع بموضوع وکالت قرض گرفته میشود تولید شده باشد.

اگر اشیای موکل از طرف وکیل فروخته شده باشد مصارف مربوط را میتواند از قیمت اشیا مرجحا تحصیل نماید. ماده ۷۷۸- برای اینکه ترجیح متذکره ماده (۷۷۷) صورت گرفته بتواند لازم است تا وکیل طلبات خود را که بالای موکل دارد ذریعه محکمه به موکل تبلیغ بدارد و در تبلیغ علاوه نماید که اگر در ظرف پنج روز موکل دین خود را تسویه ننماید بفروش اموالیکه حق ترجیح دارد اقدام می ورزد موکل حق دارد باین تبلیغ اعتراض و وکیل را به محکمه دعوت نماید. موکل مجبور است این اعتراض را در ظرف سه روز از تاریخ تبلیغی که به او شده توسط محکمه به اطلاع وکیل برساند. اگر موکل در محل اقامتگاه وکیل کدام اقامتگاهی نداشته باشد مدت اعتراض قرار ذیل تمدید میشود: هرگاه محل اقامت موکل در حوزه محکمه باشد مدت اعتراض بیست روز و اگر موکل در یکی از ولایات مقیم باشد مدت اعتراض چهل روز. اگر موکل در ممالک اجنبیه اقامت داشته باشد مدت اعتراض عبارت از مدت های است که در اصول محاکمات حقوقی مقرر شده است.

در صورت مرور مدت و یا تردید اعتراضات وکیل میتواند اموال موضوع بحث را بر طبق احکام ماده (۶۵۵) بفروش رساند. ماده ۷۷۹- در حال تعیین وکلای متعدد برای کار معین هرگاه اشتراک عمل آنها تصریح نشده باشد هر کدام در صورت عدم وجود دیگری صلاحیت اجرای معامله را دارد اگر اشتراک عمل وکلا تصریح شود و از طرف بعضی آنها وکالت قبول نگردد. وکلاییکه اکثریت دارند میتوانند وکالت را قبول و معامله را انجام دهند.

ماده ۷۸۰- در صورت عدم سبب معقول اگر موکل وکیل را عزل نموده و یا کاریکه از طرف وکیل تعهد گردیده است در اثر کناره گیری و استعفای وکیل تکمیل نشود طرفیکه باعث این امر میشود مکلف است خساره طرف مقابل را جبران نماید.

ماده ۷۸۱- اگر در اثر افلاس یا وفات و یا تقصیر موکل و یا وکیل وکالت خاتمه یابد به وکیل و یا کسیکه قایم مقام آن میشود به تناسب اجرت تکمیل کار حق الزحمه داده میشود.

## فصل دهم

### کمیشن کاری

ماده ۷۸۲- شخصیکه معاملات تجارتي را بنام خود و بحساب صاحب معامله (آمر) در مقابل یک اجرت بحيث کسب معتاده اجرا میکند (کمیشن کار) و مقاوله که در بین صاحب معامله و کمیشن کار منعقد میگردد (مقاوله کمیشن) نامیده میشود.

ماده ۷۸۳- اگر صاحب معامله اجرای آنرا بنام خود صراحتاً شرط گذاشته باشد این مقاوله تابع احکام وکالت تجارتي است.

ماده ۷۸۴- هرگاه در این فصل احکام مخصوصه راجع به حقوق و وجائب متقابله آمر و کمیشن کار موجود نباشد احکام وکالت تطبیق میشود.

ماده ۷۸۵- حقوق و وجائب ناشی از معامله کمیشن منحصر متعلق به کمیشن کار است نه آمر و اشخاص ثالث.

ماده ۷۸۶- کمیشن کار مکلف است اموری را که صراحتاً ت و یا ضمناً قبول کرده است اجرا و اكمال نماید کمیشن کاریکه بدون استناد به اسباب قانونیه مندرجه مواد (۷۸۹ و ۷۹۰) امور محوله را اجرا و انجام نمی کند مجبور است خسارات آمر را جبران کند.

ماده ۷۸۷- فوت آمر باعث فسخ مقاوله کمیشن نمیگردد حقوق و وجایب به ورثه منتقل میشود.

ماده ۷۸۸- آمر نمیتواند از چنان مقاوله کمیشن که از طرف کمیشن کار قبول شده رجوع نماید.

ماده ۷۸۹- اگر محقق باشد که اجرای موضوع کمیشن بذریعه کسی دیگر ممکن نباشد و یا توسط شخص دیگر برای آمر مشکلات و خساره تولید کند کمیشن کار نمیتواند از مقاوله خود رجوع نماید.

ماده ۷۹۰- در صورتیکه اجرای مقررات مقاوله کمیشن وابسته به پول بوده و آمر به اندازه کافی نفرستاده باشد و یا اینکه بیان نموده باشد که پول مقتضی از طرف کمیشن کار داده شود ولی چگونگی تادیه آن از طرف آمر کمیشن کار تصریح نشده باشد کمیشن کار میتواند همیشه از مقاوله کمیشن رجوع و یا اجرای مقاوله را به تعویق اندازد.

ماده ۷۹۱- اگر قیمت تخمینی اموال موضوع مقاوله کمیشن به اندازه کم باشد که مصارف نقلیه را تکافو نکند کمیشن کار مجبور است کیفیت را بدون معطلی به آمر اطلاع دهد. بر علاوه برای تسلیمی اموال مذکور میتواند تعیین شخص امین را از محکمه بر طبق ماده (۶۵۵) مطالبه نماید.

ماده ۷۹۲- کمیشن کار مکلف است در معاملاتیکه اجرای آن را تعهد می نماید. دقت و بصیرتی را بکار ببرد که یک تاجر خوب در امور شخصی خویش ابراز می دارد حفظ منافع موکل ایفای اوامر اطلاع مطالب مقتضی معامله در وقت و زمان منافع برای اتخاذ تصمیم به موکل، و بالخاصه اطلاع راجع به کمیشن و اعطای حساب مستند به اسناد و تسلیمی و یا ارسال بلا معطلی منافع حاصله، جز وظایف کمیشن کار است.

ماده ۷۹۳- اگر کمیشن کار با تجاوز و یا سوء استعمال صلاحیت معامله را انجام دهد که به ضرر موکل تمام شود این معامله در مورد خود کمیشن کار اعتبار دارد ولی آمر را وادار ساخته نمیتواند که باسناد شرایط متذکره مواد (۷۹۶ و ۷۹۷) معامله را بحساب خود قبول کند.

ماده ۷۹۴- ادعای بطلان عقد در اثر تخلف کمیشن کار از اوامر و هدایات موکل منحصر به آمر بوده به کمیشن کار و اشخاص ثالث تعلق ندارد.

ماده ۷۹۵- تا وقتیکه آمر امری نداده باشد کمیشن کار مجبور نیست اموال موضوع مقاوله کمیشن را بیمه بنماید.

ماده ۷۹۶- اگر کمیشن کار از هدایات آمر درباره جنس و اوصاف معینه املاکیه خریداری میشود تخلف ورزد آمر مجبور نیست آنرا قبول کند.

اگر مخالف در خریداری زیادت از آنچه آمر معین کرده از طرف کمیشن کار بعمل آید موکل میتواند زیادتی را به کمیشن کار

وا گذاشته و مقدار معینه را قبول نماید.

ماده ۷۹۷ - اگر کمیشن کار اموال موضوع مقاوله را نازل تر از قیمت معینه فروش و یا بلندتر از قیمت معینه خریداری کند امر نخواهد این معامله را بحساب خود قبول نماید در اینصورت مکلف است به مجرد وصول خبر قبول ویا عدم قبول خود را به کمیشن کار اطلاع دهد اگر چنین نکند طوری محسوب میشود که معامله را قبول کرده است معذک اگر کمیشن کار در ضمن اجرای عمل اظهار نماید که تفاوت قیمت را علیحده می پردازد امر مکلف به قبول معامله اجراء شده است اگر کمیشن کار از قیمت معینه امر مخالفت کرده امر از این حیث دوچار خساره شده باشد امر میتواند جبران خساره را مطالبه نماید.

ماده ۷۹۸ - هرگاه کمیشن کار نظر بشرايط معینه امر معامله را با شرايط مساعد تری انجام داده باشد منافع اضافی متعلق به امر است.

ماده ۷۹۹ - حساباتی را که کمیشن کار میدهد باید با مندرجات دفاتر مطابقت داشته باشد.

کمیشن کاریکه به امر خود بر خلاف حقیقت ورقه حساب داده و یا در این ورقه نرخ اشیا و شرايط مقاولات منعقدہ را با سوء نیت تغییر میدهد و مصارف غیر و یا مخارج اضافه از مقدار حقیقی را قید می نماید حق مطالبه اجرت او ساقط و از نتایج معاملات اجرا شده شخصا مسئول میشود.

ماده ۸۰۰ - کمیشن کاریکه بدون اجازه امر به اشخاص ثالث پول پیشکی و یا اعتبار می دهد چنان محسوب میگردد که قبول کرده که نفع و ضرر معامله به او متعلق است.

اگر در محل اجرای معامله عرف تجارتي مقتضی باشد که برای تادیه قیمت بمشتری مهلت داده شود در حالیکه بر خلاف آن امر امر نباشد کمیشن کار می تواند مهلت را بالذات اعطا نماید.

ماده ۸۰۱ - کمیشن کار اگر بفروش نسبه مجاز هم باشد نمی تواند به اشخاصیکه به عدم اقتدار مالی و بعد معامله گی معروف اند مال امر را به فروش برساند.

ماده ۸۰۲ - کمیشن کاریکه به اجازه امر اموال او را به صورت نسبه می فروشد مکلف است به تعقیب اجرای معامله اسامی مشتریان را به امر اطلاع نمایند و بر عکس فروش مذکور نقدی محسوب میشود.

ماده ۸۰۳ - کمیشن کاریکه خرید برات را بدمه گرفته باشد باید حین ظهر نویسی برات بدون کدام قید و شرط آنرا به امر منتقل سازد.

ماده ۸۰۴ - کمیشن کار از لحاظ دیون مربوط به اشخاص ثالث که طرف معامله اش میباشد در مقابل امر مسئول نیست ولی اگر بر خلاف آن مقاوله و یا عرف تجارتي موجود باشد کمیشن کار بدرجه اشخاص ثالث مسئول میباشد در اینصورت کمیشن کار در برابر این مسئولیت باخذ یک اجرت علیحده مستحق میباشد.

ماده ۸۰۵ - کمیشن کار بعد از اكمال معامله متعهدہ حق مطالعه اجرت را دارد در معامله که از طرف کمیشن کار اداره شده ولی در اثر عوامل مربوط به شخص امر به نتیجه نمی رسد نیز حق طلب اجرت را دارا میباشد برای معاملاتیکه در نتیجه علل دیگری عقیم می ماند کمیشن کار می تواند باندازه زحمتی که متحمل شده نظر به عرف محلی تقاضای جبران نماید.

ماده ۸۰۶ - کمیشن کار می تواند پول های پیشکی و مصارف را با تکت پولی آن قبل از اكمال وظیفه کمیشن کاری مطالبه کند در این صورت مجبور است حسابی مستند به اسناد به امر بدهد مصرف نقلیه و گدام در جزء مصارف کمیشن کار قابل قلمداد است ولی اجرت مستخدمین (مامورین) در آن شامل شده نمیتواند.

ماده ۸۰۷ - کمیشن کار یکه بیع و شرای اوراق بهادار و یا امتعه دارای نرخ معین در بورس و یا بازار را متعهد شده باشد در حالیکه بر خلاف آن امر موجود نباشد می تواند چیزی را که می خرد به صفت بایع از مال خود اعطاء و شی را که می فروشد به حیث مشتری برای خود اخذ نماید درینصورت کمیشن کار مجبور است که نظر به نرخ معینه بورس و یا بازار حساب بدهد تاریخ اطلاع ایفای وظیفه کمیشن کاری به این صورت به امر تاریخ اجرای معامله محسوب میشود.

درباره خصوصیات دیگر احکام بیع تجارتي تطبیق میشود.

حکم این ماده توسط مقاوله بر علیه امر تعدیل شده نمیتواند.

ماده ۸۰۸ - در صورتیکه معامله کمیشن کاری به ترتیب ماده (۸۰۷) اجرا شود کمیشن کار مستحق اخذ کمیشن و مصارف عادی میباشد.

ماده ۸۰۹ - کمیشن کار می تواند طلب خود را به اساس ماده (۷۷۷) از مبالغیکه در نتیجه اجرای معامله به حساب امر تحصیل می کند (در مقابل امر و دائنین او) ترجیحا استیفا نماید.

ماده ۸۱۰ - اگر کمیشن کار معامله کمیشن را که بر طبق ماده (۸۰۷) اجرا نموده بدون تصریح شخص طرف معامله به امر اطلاع نماید امر حق دارد این معامله بیع و شراء را به حساب کمیشن کار اجراء شده تلقی کند.

ماده ۸۱۱ - تا وقتیکه کمیشن کار صریحا مجاز نباشد نمی تواند مارک امتعه امر خویشرا تبدیل کند.

ماده ۸۱۲ - اگر یک معامله درباره اموال آمرین متعدد اجراء گردد کمیشن کار موظف است در دفاتر خویش مالک اموال را بصورت صریح قید نماید.

## فصل یازدهم

### کمیشن کاری نقلیات

ماده ۸۱۳ - شخصیکه بنام خود و حساب امر حمل و نقل مال التجاره را بحیث پیشه اتخاذ کرده باشد کمیشن کار نقلیات نامیده میشود.

در کمیشن کاری نقلیات در حالاتیکه درین فصل تصریح نشده باشد مقررات مربوط به مقاوله کمیشن و بالخاصه احکام راجع به قبض و محافظه و بیمه اموال تطبیق میگردد.

ماده ۸۱۴ - کمیشن کار نقلیات نمیتواند بیش از اجرتی را که با نقل دهنده قرارداد کرده به حساب امر قید کند.

ماده ۸۱۵ - کمیشن کار نقلیات وقتی حق مطالبه اجرت را پیدا میکند که اموال را به نقل دهنده تسلیم کرده باشد.

ماده ۸۱۶ - ارائه سند نقلیات علم و خبری که قایم مقام سند نقلیات باشد رسید قبض تودیع اموال به گدام و مکازین وسیله اثبات اموال بدست کمیشن کار است از حیث مصارف نقلیات و اجرت کمیشن کار است از حیث مصارف نقلیات و اجرت کمیشن و پولهای پیشکی این اموال در نزد کمیشن کار بحیث گروی دانسته میشود.

ماده ۸۱۷ - هرگا کمیشن کاران متعدد یکی بعد دیگر در نقل اموال وساطت نموده باشند کمیشن کارانیکه موخر وساطت نموده اند مجبورند حقوق کمیشن کاران پیش تر از خود را مخصوصا حق رهن آنها را بر اموالیکه نقل داده شده تامین نمایند. اگر طلب یک کمیشن کار از طرف کمیشن کار متعاقب تامین شود حق رهن کمیشن کار اولی به کمیشن کار متعاقب انتقال می یابد.

ماده ۸۱۸ - در صورتیکه کمیشن کار نقلیات اجرت نقل دهنده را تادیه نماید حقوق او بخودش انتقال میکند.

ماده ۸۱۹ - در صورتیکه بر خلاف آن مقاوله موجود نباشد کمیشن کار نقلیات میتواند اموال را ذریعه وسایل خود نقل دهد.

هرگاه کمیشن کار نقلیات علم و خبر را نظر به تقاضای امر بنام او تنظیم و صادر نموده باشد و یا اجرت نقلیه و مصارف را بیک مبلغ معین بصورت مقطوع فیصله کرده باشد درین حال در مقابل امر خود حقوقا حیثیت نقل دهنده را پیدا میکند.

ماده ۸۲۰ - مسئولیت کمیشن کار نقلیات یک سال بعد از تاریخیکه اموال از طرف مرسل الیه تسلیم گرفته میشود ساقط میگردد. اگر اموالیکه نقل آن تعهد شده کاملا ضایع شده باشد مرور زمان از تاریخیکه اموال تسلیم داده میشد آغاز میگردد.

هرگاه اموال در اثر حیلہ کمیشن کار حم شده وانمود شده و یا ناقص و خراب گردد و یا ناوقت تر تسلیم داده شده باشد مسئولیت کمیشن کار در ظرف مدت‌های معینه فوق ساقط نمیگردد.

## فصل دوازدهم

### نقلیات

#### حصه اول

#### احکام عمومی

ماده ۸۲۱ - تعهد حمل و نقل اموال و یا اشخاص در خشکه و دریا و فضاء در مقابل اجرت از طرف نقل دهنده بنام مقاوله نقلیات خوانده میشود.

ماده ۸۲۲ - مقررات این فصل بر اشخاصیکه معاملات نقلیات را پیشه خود نساخته و بصورت عارضی در نقل اموال و اشخاص تعهداتی بنمایند نیز تطبیق میگردد.

ماده ۸۲۳ - تمام دعاوی ناشی از مقاوله نقل با شمول دعوی استرداد اجرت خلاف حقیقت نقلیات بعد از مرور یک سال ساقط میگردد.

این مدت در نقل اموال از روز تسلیم و در نقل اشخاص از تاریخ مواصلت شروع میشود اگر اموال تماما ضایع گردیده و یا اشخاص مواصلت ننموده باشند مدت مرور زمان از تاریخیکه اموال تسلیم و اشخاص مواصلت می نمود حساب می گردد. اگر ثابت شود که اموال از رهگذر حيله نقل دهنده ضایع شده یا نقص نموده و یا ناوقت تر تسلیم شده مسئولیت نقل دهنده در ظرف مدتهای فوق ساقط نمیشود.

#### حصه دوم

#### نقل اموال

ماده ۸۲۴ - در صورتیکه نقل دهنده تقاضا کرده باشد مرسل مکلف بدادن سند نقلیه در دو نسخه میباشد ممکن است مقاوله نقلیه بموافقه طرفین بدون سند نقلیه با تسلیمی اموال به نقل دهنده بعمل آید.

ماده ۸۲۵ - سند نقلیات باید محتوی شرایط ذیل باشد:

۱- آدرس مرسله الیه محل ارسال اموال شرحی دایر بر تحویلی مال مبنی بر (امر) و یا عند الاقتضاء به (حامل)

۲- قید وزن ظرفیت، و عدد اموال، و اگر اموال بصورت پاکت باشد نمبرهای پاکت با علامات و وصف باربندی.

۳- هویت و اقامتگاه مرسل

۴- هویت و اقامتگاه نقل دهنده.

۵- مقدار اجرت نقلیات و اگر اجرت پرداخته شده باشد توضیح آن.

۶- مدت اجرای نقل دادن.

۷- خصوصیات دیگریکه در بین طرفین قرارداد شده باشد.

ضرر و مسئولیتی که از رهگذر عدم درج یکی از این شرایط وارد شود و یا یکی از مواد فوق سهوا درج نشود و یا مخالف حقیقت قید شود عاید به مرسل است.

اگر اموالیکه نقل داده میشود خطرناک از قبیل باروت و مواد انفلاقیه باشد مرسلیکه این کیفیت را به اطلاع نمی رساند مجبور به جبران خساره است که ازین رهگذر وارد میشود.

ماده ۸۲۶ - مرسل مجبور است اوراق گمرکی و اسناد دیگریا که برای نقل اموال بکار می آید به نقل دهنده تودیع کند هرگاه این اوراق و اسناد منتظم و به حقیقت موافق و تکمیل نباشد مرسل از آن مسئول است.

ماده ۸۲۷ - اگر سند نقلیات تنظیم نگردیده باشد نقل دهنده در صورت درخواست مرسل مکلف است علم و خبری که در آن خصوصیات سند نقلیات درج باشد ترتیب و امضاء نموده بمرسل تسلیم نماید.

ماده ۸۲۸ - یک نسخه سند نقلیات بعد از امضاء از طرف مرسل به نقل دهنده تودیع و با اموال یکجا فرستاده میشود نسخه دیگر بامضی نقل دهنده به مرسل اعاده میگردد.

اگر سند نقلیات محرر به امر و یا حامل باشد ظهر نویسی و یا تسلیمی آن حکم نقل ملکیت اموال را دارد. شکل و نتایج ظهر نویسی تابع همان احکامی است که درباره اسناد تجارتي وضع شده است.

ماده ۸۲۹ - اگر نقل دهنده درباره وضعیت اموال و اخذ اشیاء در سند نقلیات و یا در ورقه علیحده که بموجب اشیاء را قبول کرده شرحی قید نکرده باشد چنین محسوب می شود که عدم وجود نقص ظاهری اموال را تصدیق کرده است. معذالک اگر نقل دهنده اموال را بدون اعتراض هم قبول کرده باشد میتواند ادعا و اثبات کند که نقایص غیر ظاهر و غیر قابل ادراک در آن وجود داشته باشد.

ماده ۸۳۰ - نقل دهنده مجبور است مطابق امری که در باره ارسالی اموال باو داده شده است رفتار نماید باستثنای احوال فوق العاده و مجیره که خودش باقتضای احوال اقدام میتواند.

ماده ۸۳۱ - هرگاه نقل اشیاء باثر حالت فوق العاده و سبب مجیره که بطرفین ارتباط نداشته باشد ممکن نگردد و یا بتاخیر افتد نقل دهنده مجبور است کیفیت را فوراً بمرسل اطلاع دهد.

در این صورت مرسل میتواند نسخه سند نقلیات را که نقل دهنده امضاء کرده است اعاده کند و تسویه را که در ماده (۸۳۴) پیش بینی شده معمول داشته و مقاوله را فسخ نماید.

ماده ۸۳۲ - مرسل چنانچه (مطابق مواد - ۸۳۴ و ۸۳۵) حق دارد با پرداخت غرامت نقلیات را معطل و اشیاء را استرداد کند همچنان صلاحیت دارد بدون از مرسل الیه اشیاء را بدیگری تسلیم و یا طور دیگری در آن تصرف نماید ولی نقل دهنده از تاریخیکه اشیاء به محل مطلوبه واصل شده و مرسل الیه تقاضای تسلیمی آن را کرده باشد یا از روزیکه مرسل الیه سند نقلیات را تسلیم شده و یا نقل دهنده مرسل الیه را مطلع نموده باشد نقل دهنده مکلف باجرای اوامر مرسل نمیشود. اگر سند نقلیات در وجه حامل و یا محرر بامر باشد نقل دهنده تنها مکلف به اجرای اوامر شخصی است که سند نقلیات امضا شده از طرف نقل دهنده را ارائه و تسلیم نماید.

ماده ۸۳۳ - اگر نظر به هدایات جدید مرسل و یا مرسل الیه مسافه که طی میشود و یا مدت نقل زیاد شود نقل دهنده حق دارد به تناسب زیادت مسافه و مدت اجرت کرایه و مصارفی را که در این راه متحمل شده است تقاضا نماید.

ماده ۸۳۴ - اگر سفر نظر به احوال فوق العاده و اسباب مجیره که به هیچ یکی از طرفین مربوط نباشد قطع گردد نقل دهنده حق طلب کرایه را نسبت به قطع مسافه و استیفا مصارفی را که متحمل گشته دارا می باشد.

اگر در اثر احوال فوق العاده و اسباب مجیره به نقل شروع نشده باشد نقل دهنده مستحق اجرت نمیگردد ولی حق دارد مصارف حمل و نقل و غیره مصارف ضروری را که متحمل شده مطالبه نماید.

ماده ۸۳۵ - اگر حمل به تقاضای مرسل الیه قطع شده باشد مواد ذیل اجرا میشود:

۱- اگر وسیله نقلیه قبل از حرکت توقیف شود مرسل نصف اجوره مقرر و مصارف حمل و تخلیه را با مصارف ضروری دیگریکه از طرف نقل دهنده بعمل آمده باشد متحمل میشود.

۲- اگر وسیله نقلیه بعد از حرکت معطل شده باشد مرسل مکلف است تمام اجرت نقلیه و مصارف تخلیه را با مصارفیکه در اعاده اموال بوی بعمل آمده تحمل کند.

ماده ۸۳۶ - نقل دهنده مکلف است اموال را نظر بمدت مقرر مقاوله و یا عرف تجارتي و در صورت عدم آن در ظرف یک مدت معقول نقل بدهد.

ماده ۸۳۷ - اگر اموال بعد از مدت معین واصل گردد طرف مربوط معامله میتواند به تناسب مدت تاخیر ادعای تنزیل را در اجرت نقلیه بنماید.

هرگاه مدت تاخیر از دو چند مدت معینه مقاوله تجاوز نماید حق اجرت نقلیات تماما ساقط میشود و نقل دهنده از خساراتیکه از

ین سبب باثبات برسد مسئول است مقرراتی که راجع بعدم مسئولیت نقل دهنده در مقابله درج گردد کان لم یکن است. اگر نقل دهنده اثبات کند که سبب معطلی مرسل و مرسل الیه و یا سبب مجبره فوق العاده بوده است از تاخیر وصول اموال مسئول نمیشود.

وانمود فقدان و یا عدم کفاف وسایط نقلیه برای تاخیر عذر شمرده نمیشود.

ماده ۸۳۸ - نقل دهنده از تاریخ تسلیم اموال الی تاریخ تسلیم آن به مرسل الیه از هر نوع ضایعات و خسارات وارده مسئول است. ولی اگر نقل دهنده ضیاع و خساره را به دلایل ذیل ثابت کند از مسئولیت بری میگردد:

۱- احوال فوق العاده و سبب مجبره.

۲- ثبوت معایب و نقایص ذاتی در اموال و یا باربندی آن.

۳- ثبوت ضیاع خساره که ناشی از اعمال و هدایات مرسل و یا مرسل الیه بوده باشد.

تنها در ضیاع و خساره فقره سوم اگر مال تماماً ضایع هم شود نقل دهنده بصورت پوره مستحق اجوره میباشد در موارد (۱) و (۲) اگر قسمتی از اموال تلف شده باشد نقل دهنده مستحق اخذ اجوره قسمت متباقی می باشد.

ماده ۸۳۹ - مسئولیت نقل دهنده در نقل اموال از تاریخیکه اموال را بدان مقصد تسلیم میشود آغاز مییابد.

ماده ۸۴۰ - در اشیائیکه در اثنای نقل حجم و وزن آن کم میشود نقل دهنده میتواند مقدار فیصدی تناقص آنرا قبلاً معین و موافقه طرف معامله را کتبا حاصل کند.

در صورتیکه اموال در بسته ها تقسیم شده باشد این مسئولیت برای هر کدام آنها جداگانه تحدید شده باشد.

اگر مرسل و یا مرسل الیه اثبات کند که کمبودی از ماهیت اشیاء نشئت نکرده بلکه در اثر علت دیگری بوجود آمده و یا کمبود کمتر از آن مقداری است که معین شده آنگاه موضوع تحدید مسئولیت بی تاثیر می ماند.

ماده ۸۴۱ - نقل دهنده از افعال و خطاهای تمام نقل دهندگان دیگر که قایم مقام او میشود و آنهائیکه با وی معاونت می کنند و یا کسانیکه نقل اموال را به آنها سپرده است الی تسلیمی اشیاء بمرسل الیه مسئول میباشد.

ماده ۸۴۲ - خساره ضیاع اشیاء نظر به قیمت مندرجه سند نقلیات و اگر در سند نقلیات قیمت ذکر نشده باشد نظر بقیمت جاری مال در محل تسلیم تعیین میگردد.

ضرر خساره اشیاء نظر به تفاوت قیمت اولی که قبل از تسلیمی مال در محل تسلیم وجود داشت وقتیکه بعد از خساره اموال در محل تسلیم مروج است تثبیت میگردد.

ماده ۸۴۳ - در صورت ضیاع و یا خساره مند شدن اشیاء نقل دهنده قیمت های را که قبول کرده تضمین میکند ضرر اموال مسافری که بدون اظهار ماهیت و قیمت به نقل دهنده تودیع میکند نظر به احوال خصوصیه هر واقعه و شخص تعیین و تثبیت می شود.

نقل دهنده از ضرر و ضیاع اشیاء ذیقیمت نقود - حجت - سهام - سندات قرض و دیگر اوراق و اسنادیکه در حین تودیع باو اطلاع داده نمیشود مسئول نمیباشد.

معدلک در صورتیکه حيله و یا تقصیر فاحش نقل دهنده در ضیاع و ضرر به ثبوت رسد مکلف بتادیه تمام آن می باشد.

ماده ۸۴۴ - نقل دهندگانیکه بعد از نقل دهنده اول به نقل اشیاء مبادرت می ورزند در تمام دیونیکه پس از تسلیم اموال منقول و سند نقلیه بوجود می آید قایم مقام نقل دهنده اول میباشند و می توانند در سند نقلیه و یا یکورقه دیگر چگونگی وضع اشیائیرا که تسلیم داده شده است درج و قید نمایند در عدم رعایت حکم ماده (۸۱۹) تطبیق میشود.

ماده ۸۴۵ - نقل دهنده مجبور است از وصول اشیائیکه نقل داده می شود به مرسل اطلاع دهد.

ماده ۸۴۶ - نقل دهنده مجبور است هدایاتی را که قبل از وصول اشیاء از طرف مرسل الیه راجع به محافظت اشیاء با وداده میشود اجراء نماید.

مرسل الیه میتواند بعد از وصول اشیاء و یا در صورتیکه حامل سند نقلیه و یا علم و خبری باشد که قایم مقام سند واقع گردد بعد از

مرور تاریخ وصول اموال تمام حقوق آنرا بشمول دعوای جبران خساره که خواه بر له او و یا بر له اشخاص ثالث باشد از نقل دهنده مطالبه نماید.

حامل یکسند نقلیه محرر بحامل و یا محرر بامر بحیث مرسل الیه تلقی میشود.

ماده ۸۴۷ - در صورتیکه خلاف آن مقاوله موجود نباشد اجرت نقلیه با مصارف دیگر بعد از تسلیمی اشیاء در محل مقصود نظر به سند نقلیات از جانب مرسل الیه تادیه میشود.

ماده ۸۴۸ - شخصیکه برای تسلیمی اشیاء نقل شده رجوع می کند در صورتیکه نتواند بدهی خود را تادیه بدارد نقل دهنده مجبور به تسلیم اشیاء نمی باشد اگر در مقدار بدهی اختلافی واقع شود مرسل الیه مقداری را که بحیث قرض بدمه خود قبول دارد تسویه می نماید و راجع به اجرت باقیمانده اگر آنرا بیک بانک معتبر و یا شخص امنیتی تودیع نماید در ینحال نقل دهنده مجبور بتسلیم اشیاء میگردد.

نقل دهنده مجبور نیست قبل از اعاده نسخه ثانی سند نقلیات که خواه محرر به نام و خواه در وجه حامل و یا محرر به امر بوده و دارای امضاء وی باشد اشیاء را تسلیم نماید.

ماده ۸۴۹ - نقل دهنده میتواند برای حصول تمام طلباتیکه از مقاوله نقلیه نشئت می نماید اموال را نگاه دارد. اگر نقل دهنده گان متعدد باشند نقل دهنده آخرین حقوق نقل دهنده گان اولی را صیانت می کند مبلغی که نظر بماده (۸۴۸) از جانب مرسل الیه به امانت تودیع می گردد از نقطه نظر حق نگهداری نقل دهنده حکم اشیاء را دارد.

ماده ۸۵۰ - اگر نقل دهنده آخرین اشیاء را بدون (تقاضای تودیع طلبات به امانت) واستیفاء حق خودش و نقل دهنده گان ماقبل و یا مرسل را تسلیم نماید. از مبالغ صرف شده و یا دیون مرسل و یا نقل دهندگان اولی مسئول شمرده میشود. ولی حق رجوع خود او به مرسل الیه محفوظ خواهد ماند.

ماده ۸۵۱ - اگر در حین تسلیم اشیاء علامات خارجی که دلالت بر خساره کند موجود هم نباشد مرسل الیه حق دارد اوضاع و اوصاف آن را در حضور نقل دهنده و یا ذریعه محکمه تجارتي محل تسلیم معاینه کند این حق را نقل دهنده نیز دارا میباشد. مصارف اینطور معاینه مربوط به طرفی است که تقاضای معاینه را می نماید ولی اگر مصارفی که از طرف مرسل الیه تسویه میشود اصلا متعلق به نقل دهنده بوده و از ضیاع و خساره نقلیه ناشی باشد از نقل دهنده گرفته شده میتواند.

ماده ۸۵۲ - دعاوی غرامت که علیه نقل دهنده اقامه می شود ممکن است که علیه نقل دهنده گان اولی و یا آخری هم به عمل آید اگر ثابت شود که خساره و ضیاع در مدتی صورت گرفته که نقل دهنده دیگری مال را تسلیم شده بود در سلسله انتقال اموال دعوی علیه او متوجه خواهد شد.

اگر نقل دهنده به سبب اعمالیکه به آن مسئول شمرده نمی شود خساره را جبران کرده باشد یا از این جهت مورت تقاضا و دعوی واقع شده باشد حق رجوع او به نقل دهنده ماقبل و یا نقل دهندگان دیگر که بدین سلسله مسئولیت دارنده محفوظ می باشد. اگر نقل دهنده که باید از خساره و ضیاع مسئول باشد تعیین شده نتواند ضرر وارده در بین همه نقل دهندگان متناسب به حصه اجرت ایشان تقسیم میشود.

معذک اگر نقل دهنده ثابت کند که خساره وارده در مدت نقل مربوط او بوقوع نه پیوسته از اشتراک در جبران خساره معاف است. ماده ۸۵۳ - در صورتیکه نقل دهنده مرسل الیه را پیدا نکند و یا مرسل الیه از قبولی اشیاء امتناع ورزد و یا در قبولی مال معطلی کند و یا یک سبب دیگریکه مانع تسلیم شود بوقوع آید نقل دهنده مکلف است فوراً کیفیت را بمرسل ابلاغ و بجواب او انتظار بکشد اگر امکان اطلاع بمرسل موجود نباشد و یا مرسل در جواب معطلی کند و یا هدایتی دهد که اجرای آن غیر ممکن باشد نقل دهنده می تواند به محکمه تجارتي محلی مراجعه و اشیاء را به تشخیص محکمه به شخص امین تسلیم دهد. خطر و ضرریکه این گونه اشیاء به آن مواجه می باشد متعلق به مرسل است.

اشیاء سریع الفساد بوده و در مدت اطلاع وقوع ضرر به مرسل مضمّر باشد نقل دهنده بر طبق حکم ماده (۶۵۵) رفتار و اجوره نقلیات و مصارف واقعی را از ما حصل آن استیفاء می کند نقل دهنده موظف است تا در کوتاه ترین مدت از کیفیت موضوع به



مرسل و مرسل الیه اطلاع دهد در غیر این صورت مورد تقاضای جبران ضرر واقع شده می تواند.

ماده ۸۵۴- در صورت وجود اوضاع ماده (۸۵۳) نقل دهنده مجبور است در نقل اشیاء و حفاظه منافع مالک از سرعت و بصیرت کار بگیرد در غیر آن به جبران خساره که از این حیث به مالک می رسد مکلف می باشد.

ماده ۸۵۵- تسویه اجوره نقلیات و قبولی بلا شرط اشیاء حق دعوی را علیه نقل دهنده ساقط میگرداند.

معذک اگر خساره اشیاء قبل از قبولی توسط اهل خبره ایکه محکمه تعیین کرده تثبیت شده باشد حق دعوی مرسل علیه الیه نقل دهنده ساقط نمیشود اگر حین قبولی اشیاء امکان فهمیدن ضیاع و یا نقص آن موجود نباشد بعد از قبولی و تسویه اجوره نقلیات نیز نظر به مواد آتی حق دعوی علیه نقل دهنده محفوظ می ماند.

۱- اگر اثبات شود که ضیاع و خساره در بین مدتی که اشیاء را نقل دهنده اخذ و به مرسل الیه تسلیم کرده واقع شده.

۲- اگر معاینه و تدقیق اشیاء هشت روز بعد از فهمیدن ضرر و قبول اشیاء توسط اهل خبره شده باشد. در صورتیکه خساره و ضرر ناشی از حيله و یا تقصیر فاحش نقل دهنده باشد نامبرده نمیتواند ادعای سقوط حق دعوی را بنماید.

#### حصه سوم

#### ترانسپورت اشخاص

ماده ۸۵۶- مسافری مکلف اند اصولی را که نقل دهنده برای تنظیم خدمات نقلیه وضع میکند رعایت نمایند.

ماده ۸۵۷- اگر سفر بعد از عقد و قبل از حرکت معطل گردد احکام ذیل تطبیق میشود:

۱- اگر مسافر در وقت معینه در محل حرکت حاضر شده نتواند حق دارد به وسایل نقل دهنده متعاقب حرکت نماید.

۲- اگر مسافر از عزیمت انصراف کند مستحق استرداد کرایه شمرده نمیشود.

۳- اگر سفر از رهگذر فوت یا مرضی و یا علل مجبره معطل شود مقاوله کرایه مسترد میگردد.

۴- اگر سفر نظر به علل مجبره متعلق به لوازم نقلیه و یا بدون تقصیر طرفین اجرا شده نتواند عقد (بدون اینکه طرفین مجبور به پرداخت جبران باشند) فسخ میگردد ولی اگر نقل دهنده کرایه را قبلاً اخذ کرده باشد در این حال مجبور به اعاده است.

۵- اگر سفر در اثر عمل و تقصیر نقل دهنده معطل گردیده باشد مسافر می تواند کرایه پرداخته شده را استرداد و طلب جبران خساره نماید.

ماده ۸۵۸- اگر سفر بعد از عقد و حرکت دچار انقطاع گردد (بشرطیکه مقاوله ای بر خلاف آن نشده باشد) احکام ذیل تطبیق میشود.

۱- اگر مسافر در ضمن راه به خواهش خود از حرکت منصرف شود مجبور به تادیه تمام کرایه است.

۲- اگر نقل دهنده از دوام سفر منصرف و یا مسافر در اثر تقصیر نقل دهنده مجبور به توقف در نیمه راه شود مجبور به تادیه کرایه نمیباشد.

و اگر مسافر کرایه را قبلاً پرداخته باشد میتواند تمام آنرا استرداد و طالب جبران خساره شود.

۳- اگر سفر از رهگذر سبب شخصی که مربوط به مسافر باشد و یا علل مجبره که متعلق به وسایل نقلیه باشد دچار انقطاع گردد کرایه متناسب به مسافه قطع شده پرداخته میشود. در این صورت هیچ یکی از طرفین مجبور بجبران خساره بدیگری نیست.

ماده ۸۵۹- اگر نقل دهنده در اثنای سفر در محلیکه در تعرفه آن نباشد توقف نماید و یا از راه معینه انحراف و راه دیگری را تعقیب کند یا به صورت دیگری مواصلت راه بمحل مقصود به تاخیر بیاندازد مسافر حق دارد مقاوله را فسخ و طلب جبران خساره نماید.

اگر نقل دهنده بر علاوه مسافرین اشیاء و امتعه دیگری را نیز نقل میدهد میتواند مدتی را که مقتضی تخلیه امتعه و اشیاء است معطل شود. حکم این ماده در صورتی قابل تطبیق است که بر خلاف آن قراردادی وجود نداشته باشد.

ماده ۸۶۰- اگر سفر نظر به امر حکومت یا ترمیم ضروریه وسایل نقلیه و یا خطر آتی که مانع دوام حرکت گردد بتاخیر افتد (در

صورتیکه در بین طرفین عقد خصوصی موجود نباشد) احکام ذیل تطبیق میگردد.

۱- اگر مسافر نخواهد انتظار رفع مانع و ختم ترمیم را بکشد میتواند بعد از پرداختن کرایه نقلیه متناسب بمسافه قطع شده مقوله را فسخ کند:

۲- اگر مسافر بخواهد انتظار بکشد همان کرایه معینه را خواهد پرداخت ولی اگر در کرایه نقلیه خوراکه هم شامل باشد مسافر در مدت توقف مصرف خوراک خود را شخصا تحمل میکند.

ماده ۸۶۱- مسافر برای بکاژ و اشیاء شخصی خویش (اگر بر خلاف آن مقوله موجود نباشد) مجبور به پرداخت کرایه جداگانه نیست. نقل دهنده از خساره و ضیاع وارده به اشیاء مسافریین نظر به احکام متذکره مواد (۸۳۸ - ۸۴۳) مسئول میباشد. نقل دهنده از ضیاع اشیائیکه نزد خود مسافریین است مسئول نیست.

ماده ۸۶۲- نقل دهنده حق دارد برای استیفاء کرایه و مصارف خود را که مسافر با کاژوی را تقویف نماید.

ماده ۸۶۳- نقل دهنده در اثنای سفر از حوادثیکه بمسافریین واقع میشود (بشرطیکه ثابت نشود که واقع از عمل و تقصیر نقل دهنده و یا اشخاصیکه مستقیماً بوی مربوط اند صادر شده) مسئول نمی باشد.

ماده ۸۶۴- اگر مسافر در اثنای سفر وفات کند نقل دهنده برای صیانت منافع ورثه باکاژ و اشیای متعلقه او الی زمان تسلیم آن به اشخاص صالحه موظف میباشد.

اگر یکی از مربوطین متوفی در آنجا وجود داشته باشد برای مراتبه اجرای این معامله میتواند مداخله و از نقل دهنده راجع بموجودی ما ترک متوفی اظهارنامه ای تقاضا کند.

ماده ۸۶۵- انتظام داخل وسیله نقلیه وظیفه نقل دهنده است نقل موظف است تا مراقبت کند که اشخاص چیزهائیرا که باعث تولید زحمت و خساره به مسافریین میشود با خود حمل ندارند. بر عکس اگر از این رویه به مسافریین خساره برسد نقل دهنده مجبور بجبران است.

## فصل سیزدهم

### بیمه

#### حصه اول

#### احکام عمومی بیمه

ماده ۸۶۶- بیمه عقدی است که موسسه بیمه در مقابل اجرت جبران خسارات و ضایعات افراد را که ناشی از وقوع حوادث معینه و اسباب مجبره باشد (باعضای یک مقدار پول) تعهد میکند.

ماده ۸۶۷- در مورد اختلافات بیمه احکام این قانون (در صورتیکه بر خلاف آن در مقوله بیمه صراحتی نباشد) تطبیق میگردد.

#### حصه دوم

#### بیمه اموال

۸۶۸- اموال از طرف مالک دا ین مالک مرتهن مستاجر و تمام کسانیکه در محافظه آن واقفاً ذینفع باشند ویا وکیل ونماینده آنها بیمه شده میتوانند.

ماده ۸۶۹- یک شخص می تواند بنام وحساب شخص دیگری مقوله بیمه را عقد نماید ولی اگر آن شخص صلاحیت نداشته باشد از کسیکه بنام وحساب او عمل کرده است نماینده گی نماید از اجرت (برینیوم) تبیمه شخصاً مسئول میباشد.

شخصیکه بنام وحساب او مقوله بیمه عقد میشود اگر قبل ویا بعد از وقوع خطر بیمه را قبول کرده باشد از بیمه استفاده میتواند

ماده ۸۷۰ بیمه ایکه با لوکاله منعقد میگردد اگر از طف موکل قبول شود چنین محسوب میگردد که وکیل بر وفق شرایط وکالت رفتار نموده است. اگر موکل قبول راجع به شرایط بیمه هدایتی نداده باشد وکیل موظف است مقوله بیمه را بر طبق

شرائطکه عرفاً در محل اجرای مقاوله بیمه مروج است منعقد نماید. اگر از شرایط مقاوله بیمه استتغهام شده نتواند که مقاوله بنام و حساب شخص دیگری منعقد گردیده است چنین محسوب میشود که مقاوله بنام و حساب شخص عاقد منعقد شده است .  
ماده ۸۷۱- داین میتواند دین خود را در مقابل احتمال عجز مدیون از تادیه بیمه نماید. در این صورت (هرگاه بر خلاف آن مقاوله ای موجود نباشد) موسسه بیمه میتواند مطالبه نماید که داین در وهله اول باموال مدیون مراجعه و یا فروش آن استفای دین خویش را بنماید.

ماده ۸۷۲- داینکه اموال منقول و غیر منقول مدیون را تحت مراقبه و یا به گرو گرفته و یا در مراجعه به این اموال دارای حق امتیازی باشد اگر این اموال دارا حق امتیازی باشد اگر این اموال بیمه شده باشد غرامتی که در صورت وقوع خساره تادیه میگردد عوض اموال بیمه شده که به طلبات دائنین متعلق است محسوب میشود.

ماده ۸۷۳- اگر امتیازیکه دائنین به مال بیمه شده دارند متفاوت باشد در صورت عدم کفای قیمت مال برای ادای طلبات داینیکه امتیاز او موخر است نمی تواند به بیمه آن مال اقدام نماید.

ماده ۸۷۴- خسارات ناشی از اعمال خلاف قانون و یا مغایر آداب حسنه و اخلاق عمومی بیمه شده نمیتواند.

ماده ۸۷۵- در عقد مقاوله بیمه شونده و یا شخصیکه بطور مشروط از بیمه منتفع میگردد اگر از وقوع تهلکه واقف بوده باشد و یا موسسه بیمه از عدم امکان وقوع تهلکه مطلع باشد مقاوله بیمه باطل محسوب میگردد. در صورت اول الذکر موسسه بیمه میتواند اجوره بیمه را مطالبه نماید.

ماده ۸۷۶- موسسه بیمه فقط بجبران ضرریکه حقیقتاً به بیمه شونده رسیده مکلف میباشد بنابراین اگر بدل بیمه از قیمت مال تجاوز نماید بیمه شونده از قیمت اضافی استفاده نمیتواند. اگر بدل بیمه نظر باین قاعده نسبت بقیمت مال کمتر گردد اجوره بیمه نیز تنزیل و قسمت تحصیل شده اضافی اجوره اعاده میگردد اما اگر قیمت بیمه از جانب اهل خبره (که به اتفاق طرفین انتخاب شده) بدو تقدیر و طرفین آنرا قبول کرده باشند موسسه بیمه نمی تواند نسبت به این قیمت اعتراض نماید.

ماده ۸۷۷- موسسه بیمه هر وقتیکه خواسته باشد می تواند برای تحقیق قیمت مال بیمه شده را معاینه نماید.

ماده ۸۷۸- مالیکه تمام قیمت آن از جانب یک موسسه بیمه شده باشد از طرف همان موسسه در برابر عین خطرات دوباره بیمه شده نمیتواند اگر تمام قیمت مال بیمه شده در مقاوله قبلی معین شده نتواند برای قیمت بقیه مال یک و یا چند مرتبه جائز است. به این صورت موسسات بیمه که بعداً مال را بیمه کرده باشند از قیمت باقی مانده باعتبار تاریخ مقاوله مسئول میگرددند. مقاولاتیکه در عین یک روز بعمل آمده باشند چنین محسوب میشوند که در یک زمان منعقد شده اند.

ماده ۸۷۹- اگر یک مال از جانب موسسات متعدد و در عین زمان برای عین خطرات بیمه شده باشد مقاولات منعقد به اندازه قیمت مال بیمه شده اعتبار دارد. باین صورت هر یکی از موسسات بیمه نظر به قیمت مجموعی بتناسب بدل مال مسئول شمرده میشوند.

ماده ۸۸۰- اگر یک مال تنها برای یک قسمت قیمت خود بیمه شده باشد در حال وقوع خساره قسمی (بشرطیکه خلاف آن مقاوله نشده باشد) موسسه بیمه مسئول حیران قیمت همان قسمت مال است که بیمه گردیده.

ماده ۸۸۱- مالیکه تمام قیمت آن بیمه شده باشد در احوال ذیل برای عین خطرات بیمه آن جائز است.

۱- در صورتیکه رضایت موسسات بیمه مربوط حاصل شده باشد در این صورت همه مقاولات بیمه چنان فرض میشود که در یک زمان عقد شده و در صورت وقوع خساره جبران آن به نسبتیکه در ماده (۸۷۹) ذکر شده از طرف موسسات بیمه تادیه میگردد.  
۲- اگر بیمه کننده حقوق موسسه بیمه مقدم را به موسسه بیمه موخر انتقال داده و یا از آن ابراء نموده باشد باید صورت این انتقال در مقاوله بیمه موخر تصریح شود بر عکس آن مقاوله بی اثر تلقی میگردد.

۳- اگر شرط شده باشد که موسسه بیمه موخر مسئول جبرانیست که موسسه بیمه مقدم آنرا تادیه نکرده است.

در این صورت نیز باید کیفیت در مقاوله نامه موخر بر طبق مقاوله مقدم تصریح گردد.

ماده ۸۸۲- بیمه شونده در زمان عقد مقاوله بیمه مجبور است تمام خصوصیاترا که موجب برائت از مقاوله و یا تزئید اجرت بیمه

گردد بموسسه بیمه اطلاع دهد سکوت و یا جواب ناقص و خلاف حقیقت بیمه شونده علی الرغم سوال موسسه بیمه و عدم وقوف موسسه بیمه از حقیقت باعث فسخ مقاوله میگردد. ولی اگر در ظرف سه ماه از تاریخ اطلاع به حقیقت موسسه بیمه حق فسخ خود را استعمال نکنند این حق ساقط میشود در صورت ثبوت سوء نیت از طرف بیمه شونده موسسه بیمه در اخذ اذیت مستحق میباشد. باستثنای مواردیکه در لسته مربوط مقاوله بیمه در مقاوله سئوالات موسسه بیمه از طرف بیمه شونده خانه پری شده جواب و تعهد داده میشود دیگر هیچگونه مسئولیتی به بیمه شونده متوجه نمیگردد.

ماده ۸۸۳- اگر امکان وقوع خطر قبل از ظهور مسئولیت موسسه بیمه و بدون از دخل و تاثیر بیمه شونده و یا کسیکه انتفاع او از بیمه مشروط است از بین برود. موسسه بیمه مستحق اجرت نمیشود.

ماده ۸۸۴- بیمه شونده می تواند قبل از وقوع مسئولیت موسسه بیمه مقاوله را تماما و یا قسما فسخ کند. در این صورت موسسه بیمه مستحق نصف اجرت میشود.

ماده ۸۷۵- در صورتیکه بر خلاف آن شرطی موجود نباشد موسسه بیمه ضامن جبران خساراتیست که از اعمال غیر ارادی بیمه شونده یا کسیکه بصورت مشروط از بیمه نفع میبرد یا آنهاییکه موسسه بیمه حقوقا مسئول اعمال شان میباشد بوجود می آید. ولی بهیچ صورت موسسه بیمه مجبور نیست خساراتی را جبران کند که از حیل بیمه شونده و یا کسیکه بصورت مشروط از بیمه نفع میبرد نشئت نموده باشد.

همچنین در صورتیکه خلاف آن در مقاوله تصریح نشده باشد موسسه بیمه در عیب که در مال بیمه شده بوقوع می آید مجبور بجبران نمی باشد.

ماده ۸۸۶- بیمه شونده مجبور است در ظرف پنج روز از تاریخ وقوف به خطریکه بیمه به آن تعلق دارد موسسه بیمه را مطلع سازد. علاوه بر آن بیمه شونده مکلف است راجع به جلوگیری از وقوع خساره و یا تنقیص و تخفیف آن تدابیر لازمه را اتخاذ نماید. شروطیکه مخالف این اساس بر له بیمه شونده در مقاوله نامه درج میشود کان لم یکن است اگر مصارف تدابیر متاخذه بی تاثیر هم مانده باشد موسسه بیمه مکلف به تادیه آن است ولی اگر بیمه به مجموع قیمت مال تعلق نداشته باشد مصارف به تناسب بدل بیمه با مجموع قیمت مال پرداخته میشود.

ماده ۸۸۷- اگر بیمه شونده با تثبیت به حیل و یا تقصیر سنگین رعایت مکلفیتهای ماده (۸۸۶) را نکند حقوق بیمه خود را از دست میدهد.

ماده ۸۸۸- اگر یک مال مطابق ماده (۸۷۹) از طرف موسسات متعدد بیمه ، بیمه شده باشد در حال وقوع خساره بیمه کننده مجبور است در ظرف مدت معینه ماده (۸۸۶) بهر یک از موسسات بیمه کیفیت خساره و مقاولاتی را که درباره همین مال عقد نموده اطلاع نماید.

ماده ۸۸۹- در صورتیکه خلاف آن مشروط نشده باشد هر موسسه بیمه مسئول خساراتی است که از لحاظ تلف و تغییر بر اشیاء موضوع بیمه وارده شده باشد باستثناء حالت جنگ و عصیان.

ماده ۸۹۰- هرگاه یکی از خطرانی که مطابق ماده (۸۸۹) موسسه بیمه مسئول آن است از مقاوله استثناء شده باشد و خساره ای از آنجهت وارد شود اثبات اینکه خساره واقعه از خطرات استثنائیه بوجود آمده مربوط به موسسه بیمه می باشد.

ماده ۸۹۱- در صورتیکه بر خلاف آن مشروط نباشد موسسه بیمه از خطراتیکه از تاریخ وقوع عقد بعمل می آید مسئول است اگر مدت دوام این مسئولیت در مقاوله تصریح نشده باشد باسناد عرف محلی از طرف محکمه تعیین میشود.

ماده ۸۹۲- موسسه بیمه از تاریخیکه مسئولیت بیمه شروع میشود مستحق اجرت می باشد.

ماده ۸۹۳- اجرت بیمه ممکن است به پول نقد به جنسیکه نقدا قابل تقدیر باشد نقدا و یا به اقساط ماهانه و سالانه تادیه شود ولی اگر بر خلاف آن موافقه نشده باشد اجرت بیمه در وقتیکه مسئولیت بیمه شروع میشود نقدا قابل پرداخت است.

ماده ۸۹۴- اگر اجرت بیمه و طرز تادیه آن فیصله نشده باشد نظر به عرف و مشخصات محلی از طرف محکمه تعیین میشود.

ماده ۸۹۵- بدل بیمه نظر به قیمت مال بیمه شده تثبیت میشود. اگر قیمت مال از بیمه اضافه باشد بدل در صورتی پرداخته

میشود که مال بیمه شده تماماً تلف شده باشد مقدار جبران در صورت اتلاف قسمی مال (اگر بر خلاف آن مقوله نشده باشد) بدل بیمه به تناسب مجموع قیمت مال تعیین میشود.

ماده ۸۹۶- اگر قیمت مالیکه بیمه شده در مقوله نامه قید نشده باشد بیمه کننده مجبور است قیمت مال را در حال وقوع خطر اثبات نماید در صورتیکه محکمه لازم داند برای قناعت خود میتواند بیمه کننده را قسم بدهد اگر بیمه کننده ادعا نماید که قیمت مال بیمه شده کمتر از قیمت نوشته شده در مقوله میباشد مجبور است ادعای خود را اثبات نماید. ولی اگر قیمت مال بیمه شده قبل از وقوع خطر ذریعه اهل خبره که بانتخاب جانبین معین میشود تخمین شده و حيله بیمه کننده درآنخصوص باثبات نرسد موسسه بیمه نمی تواند راجع به این قیمت اعتراض نماید.

ماده ۸۹۷- بعد از آنکه موسسه بیمه بدل بیمه را تادیه نماید حقوقاً قایم مقام بیمه کننده میگردد. بنابراین اگر بیمه کننده در مقابل اشخاص ثالث حق دعوی خساره را داشته باشد این حق به تناسب و جهیکه موسسه بیمه تعهد تادیه میکند به موسسه بیمه انتقال می یابد.

اگر بیمه کننده حقوق خود را که مطابق فقره اول فوق به موسسه بیمه منتقل میگردد اخلال کند و یا موجبات اخلال آنرا فراهم نماید در مقابل موسسه بیمه مسئول میباشد.

ماده ۸۹۸- مقوله بیمه باساس (پالیسی بیمه) و یا تحریریکه قایم مقام مقوله باشد اثبات میشود مقوله بدو نسخه تنظیم میگردد و برعلاوه قید تاریخ و امضا طرفین محتوی مواد آتی میباشد.

۱- اسم و اقامتگاه موسسه بیمه و بیمه شونده.

۲- موضوع بیمه.

۳- جبران خطر اتیکه موسسه بیمه تعهد نموده با تاریخ ابتداء و ختم آن.

۴- بدل بیمه.

۵- مقدار و زمان و محل تادیه اجرت بیمه.

۶- تمام احوال و عواملیکه ماهیت خطرات متعهده موسسه بیمه را تعیین بتواند.

تبصره: مقوله بیمه باسم یا امر بیمه کننده و یا به حامل آن تنظیم شده می تواند.

ماده ۸۹۹- در صورتیکه خلاف آن مشروط نباشد موسسه بیمه مجبور است مقوله بیمه را مستقیماً بین بیمه کننده و یا ویکل او و موسسه بیمه منعقد گردیده در ظرف بیست و چهار ساعت از تاریخ عقد و اگر مقوله توسط دلال عقد شده باشد منتها در ظرف ده روز از تاریخ عقد به بیمه کننده تفویض نماید. بر عکس آن بیمه کننده میتواند از موسسه بیمه و دلاییکه وساطت نموده ضرر و زیان وارده خود را مطالبه نماید.

ماده ۹۰۰- موسسه بیمه میتواند مالی را که بیمه می نماید تحت هر شرطیکه بخواهد مجدداً بیمه نماید هم چنان بیمه کننده نیز اجرت بیمه را بیمه میتواند.

ماده ۹۰۱- اجرت بیمه در اقامتگاه بیمه کننده تادیه میشود ولی اگر در مقوله شرطی دائر بر تادیه اجرت بیمه در اقامتگاه موسسه بیمه و یا نماینده آن موجود باشد معتبر است.

ولی علی الرغم این شرط اگر اجرت بیمه بالفعل در اقامتگاه بیمه کننده تادیه شده باشد شرط تادیه اجرت بیمه در اقامتگاه موسسه بیمه بی اثر است.

ماده ۹۰۲- در صورتیکه بیمه کننده اجرت بیمه را در حین مقوله نداده باشد و با اجرت ملتوی و یا تابع به اقساط گردیده باشد اگر بیمه کننده این اجرت و یا قسط آن را در انقضاء مدت تادیه نکرده باشد موسسه بیمه یک اخطار رسمی ذریعه مکتوب راجستری باو ارسال می کند در صورت عدم تادیه اجرت و یا اقساط در ظرف یک ماه مقوله بیمه فسخ شمرده میشود. شرطیکه بر خلاف این حکم علیه بیمه کننده در مقوله درج گردد باطل است.

ماده ۹۰۳- در مقاولات بیمه که برای سنوات متعدده منعقد میگردد اگر در تعیین مقدار اجرت بیمه عوامل مخصوصه که وخامت

خطر را تزئید میکند در نظر گرفته شده باشد در صورتیکه این عوامل بعداً از بین برود بیمه کننده میتواند تخفیف اجرت را برای سالهای مربوط مطالبه نماید.

ماده ۹۰۴- اگر قبل از ختم خطراتیکه بیمه بآن تعلق دارد موسسه بیمه و یا در صورتیکه اجرت بیمه هنوز تادیه نشده باشد بیمه کننده افلاس کند و یا به نحو دیگری از تادیه عاجز آید طرف مقابل میتواند به مجموع دارائی او مراجعه و در اجرای تعهد تامينات بخواهد اگر در ظرف سه روز از تاریخ وقوع تقاضا تامينات داده نشود طرفیکه به مجموع دارائی طرف مقابل مراجعه کرده است میتواند مقاوله را فسخ نماید.

ماده ۹۰۴- اگر در اثناء مدت مقاوله کسیکه مال او بیمه شده در اثر علتی تبدیل شده باشد در صورتیکه بر خلاف آن در مقاوله مشروط نباشد تمام حقوق و وجایب ناشی از بیمه از تاریخیکه مال باو تعلق دارد به صاحب جدید انتقال می یابد. ولی موسسه بیمه می تواند برای اجرت بیمه بمالک اول مال مراجعه نماید.

ماده ۹۰۶- اگر بیمه کننده بدون موافقه موسسه بیمه محل خطرات و یا وضعیت مال بیمه شده را که در زمان مقاوله داشت تبدیل نماید و این تبدلات دارای ماهیتی باشد که در صورت وجود آن در حین مقاوله مانع اجرا و یا تحت شرایط سنگین تری باعث اجرای مقاوله از طرف بیمه شود موسسه بیمه میتواند مقاوله را فسخ نماید کسیکه این تبدلات را بوجود می آورد اگر در ظرف هشت روز کیفیت را به اداره بیمه ابلاغ کند در صورتیکه موسسه بیمه در ظرف همان هشت روز حق فسخ خود را استعمال ننماید بیمه دوام میکند.

ماده ۹۰۷- مبلغ اجرت بیمه اگر تا دو سال تادیه نشده باشد از مال بیمه شده ترجیحا استیفا میشود حق ترجیح درین باره نسبت به دیون مرجعه دیگر مقدم تر است.

حصه سوم

بیمه حریق

ماده ۹۰۸- موسسه بیمه ضامن جبیره تمام خساراتی است که از رهگذر حریق به اموال منقول و غیر منقول بیمه شده عاید شود. موسسه بیمه ضامن جبیره خساره حریق قصدی که بیمه کننده اصلا و یا فرعا در آن ذیدخل باشد شده نمیتواند.

ماده ۹۰۹- خسارات آتی در صورتیکه بر خلاف آن مقاوله موجود نباشد حکم خساراتی را دارد که از حادثه حریق نشئت میکند.

۱- مصارف ناشی از هر نوع وسائلیکه بغرض انطفای حریق استعمال می شود مثل مصرف جلوگیری از حرارت دود بخار یا تدابیر دیگر برای نجات مثل نقل اشیاء بیمه شده از یک محل به محل دیگر یا انهدام کلی و یا قسمی عمارت بیمه شده که در صورت لزوم به مقصد جلوگیری از توسعه حریق صورت میگیرد.

۲- خسارات ناشی از آتش، صاعقه، افقلاق حوادث، مشابهه آن ولو اینکه باعث حریق هم نشده باشد.

ماده ۹۱۰- مقاوله که در خصوص بیمه اموال منقول و غیر منقول در مقابل حریق منعقد میگردد بر علاوه خصوصیات ماده (۸۹۸) باید محتوی معلومات ذیل باشد:

۱- محل و نوع تعمیر و طرز استعمال عمارتیکه بیمه میشود.

۲- در صورتیکه موضوع بیمه اشیاء باشد محل عمارتیکه این اشیاء در آن موجود میباشد با طرز تعمیر و استعمال آن.

ماده ۹۱۱- خساره قسمی که بیک عمارت بیمه شده از حادثه حریق عاید میشود باساس مقایسه قیمت های عمارت پیش از حادثه حریق و بعد از آن تثبیت میگردد.

خساره ناشی از حریق یک عمارت بیمه شده به ترتیبی که بدل آن تادیه گردد جبران میشود. اگر تعمیر و یا ترمیم یک عمارتیکه کاملا و یا قسما حریق گردیده به اساس مقاوله تعیین شده باشد در ظرف یک مدتیکه اتفاق طرفین حاصل شود بعمل می آید. در صورت عدم اتفاق طرفین مدت از طرف محکمه تعیین میگردد. هرگاه مصارف از طرف موسسه بیمه داده شود بیمه کننده مکلف به ترمیم و تعمیر است. و موسسه بیمه حق دارد طرز مصارف را که مجبور به تادیه آن میباشد مراقبه نماید.

ماده ۹۱۲- کسیکه بحساب شخص دیگری حق تصرف را راجع بمالی واجد است میتواند آن را در مقابل خطرات حریق کلی یا قسمی بیمه نماید هم چنین کسیکه به هر صفتی ذوالید مالی باشد میتواند در مقابل خطرات سوختن که در نتیجه قصور شخصی او نشئت کرده و موجب مسئولیت حقوقی او در مقابل شخص دیگری باشد بیمه کند.

ماده ۹۱۳- در صورت تحقق ماده (۹۱۲) صلاحیت استیفاء از جبران بیمه موسسه بیمه مجبور به پرداخت آن در مقابل بیمه کننده منحصر باشخاص است که بیمه کننده در مقابل آن مسئول میباشد دائین بیمه کننده نمی تواند از این جبران بیمه استفاده نمایند.

ماده ۹۱۴- در صورتیکه بر خلاف آن مقوله موجود نباشد بیمه کننده حق دارد اشیائی را که خساره مند شده به موسسه بیمه ترک و بدل آن را مطالبه نماید.

#### حصه چهارم

##### بیمه ترانسپورت

ماده ۹۱۵- در بیمه اشیائیکه در خشکه و یا در آبهای غیر از بحر نقل داده میشود هرگاه بر خلاف آن مقوله موجود نباشد موسسه بیمه از تاریخیکه اشیاء به نقل دهنده تسلیم داده میشود الی زمانیکه از طرف نقل دهنده به مرسل الیه تسلیم میگردد از خساراتیکه در اثر هر علتی معروض شود مسئول است.

ماده ۹۱۶- بدل بیمه بر علاوه قیمت محلی مال بیمه شده در زمان تسلیم به نقل دهنده شامل اجرت نقلیات و دیگر مصارفاتی است که برای وصول مال به محل مقصود لازم میگردد. مفاد منصفانه و مطابق بعرف را در حال وصول مال به محل مقصود بشرطیکه علیحده در مقاوله بیمه درج گردد میتوان داخل بدل بیمه نمود.

ماده ۹۱۷- مقاوله بیمه نقلیات بر علاوه خصوصیات معینه ماده (۸۹۸) محتوی مواد آتی نیز میباشد:

- ۱- وسائلیکه مال ذریعه آن نقل میشود و راهیکه در اثنای نقل تعقیب میگردد.
- ۲- اسم و عنوان تجارتي نقل دهنده
- ۳- هرگاه از طرف مرسل الیه و نقل دهنده برای نقل مدتی معین شده باشد قید این مدت.
- ۴- محل تحویلی اشیاء به نقل دهنده و محل تسلیم به مرسل الیه.

ماده ۹۱۸- موسسه بیمه ضامن جبران خساراتی میباشد که از حيله و تقصیر مامورین موظف اجرای نقلیات بوقوع می آید.

ماده ۹۱۹- اگر نقلیات موقتا قطع گردد و یا راه و وسیله نقلیات تبدیل شود مقاوله بیمه فسخ نمیشود.

#### حصه پنجم

##### بیمه حیات

ماده ۹۲۰- حیات یک شخص یا از طرف خودش و یا از جانب یک شخص ثالث بیمه شده میتواند ولی برای صحت عقد بیمه شرط است که شخص ثالث در دوام حیات بیمه شونده ذینفع باشد مقاوله بیمه حیات صحی مجبور و یا مجنون جایز است ولی انعقاد بیمه مشروط و مقید به فوت آنها به باطل میباشد در هر دو صورت هرگاه فوت واقع شود مناصفه اجرت بیمه که تا تاریخ وفات ازبیمه کننده گرفته شده است مسترد میگردد.

ماده ۹۲۱- موسسه بیمه میتواند احتمال فوق یک شخص را در یک مدت معین و یا در احوال و شرایط معینه مقاوله ما زاد مدت معینه او را بیمه نماید.

ماده ۹۲۲- در مقاوله بیمه حیات علاوه بر خصوصیات مندرجه ماده (۸۹۸) اسم ، سن پیشه و درجه صحتمندی کسیکه بیمه حیات میشود درج گردد این مقاوله ممکن است محرر باسم و یا امر باشد ولی در وجه حامل شده نمی تواند.

ماده ۹۲۳- شخصیکه حیات او بیمه شده هرگاه در حین مقاوله وفات نماید بیمه اعتبار ندارد.

ماده ۹۲۴- در صورت عدم تادیه اجرت بیمه حکم ماده (۹۰۲) معتبر بوده و موسسه بیمه احتیاج ندارد از این حیث اقامه دعوی کند.

اگر بیمه شونده قبل از ختم سه سال از بیمه رجوع کند تا تعهد خود را اجرا نماید نمیتواند اجرت و یا بدلی را که داده است از موسسه بیمه مطالبه نماید.

هرگاه بیمه شونده بعد از اینکه زیاده از سه سال اجرت را تادیه کرده از بیمه رجوع نماید می تواند بعد از تخفیف مصرف معادل به فیصد یک مجموع اجرت ۲ بر ۳ متباقی را مطالبه نماید.

هرگاه بیمه شونده بعد از اینکه زیاده از سه سال اجرت را تادیه کرده از بیمه رجوع نماید می تواند بعد از تخفیف مصرف معادل به فیصد یک مجموع اجرت ۲ بر ۳ متباقی را مطالبه نماید.

ماده ۹۲۵- انتحار کسی که حیات خود را در مقابل خطر وفات بیمه میکند موجب تادیه ای برای موسسه بیمه نمی گردد. ولی اگر انتحار تحت احوالیکه سالب اراده و ادراک است بوقوع آمده باشد باعتبار بیمه خللی وارد نمیشود.

کسی که انتفاع او از بیمه بصورت مشروط باشد اگر در قتل شخص بیمه شونده اصلا و یا فرعا ذیدخل بوده محکوم شده باشد از بیمه استفاده نمیتواند و وجه مربوط به محکوم به ورثه مقتول تعلق میگیرد.

ماده ۹۲۶- یک شخص طوریکه میتواند حیات خود را با مبلغی که خواسته باشد بیمه نماید توسط موسسات متعدد بیمه نیز بدون مقید بودن به مقدار بدل بیمه میتواند.

ماده ۹۲۷- صلاحیت مطالبه و استیفاء حقوق و منافع ناشی از مقاوله بیمه حیات از موسسه بیمه که به نفع یک شخص ثالث عقد میشود مستقیما مربوط به همان شخص است.

اگر در مقاوله بیمه نسبت وراثت شخص ثالث تصریح هم شده باشد مطابق فقره اول مستقیما شخص مذکور در مقابل موسسه بیمه دارای حقوق و منافع میباشد. زوج و زوجه می توانند به اساس عین مقاوله بر حیات یک دیگر دو بیمه متقابل عقد نمایند.

ماده ۹۲۸- بیمه شونده طوریکه میتواند شخص دارای حق انتفاع از بیمه را در حین مقاوله تعیین نماید. بعد از انعقاد مقاوله نیز تعیین میتواند .

بیمه شونده میتواند بعد از تعیین شخصیکه انتفاع او از بیمه مشروط میباشد وی را تبدیل بکند ولی اگر بیمه شونده در مقاوله بیمه تعهد کرده باشد که حق تبدیل را ندارد و مقاوله را به شخصیکه انتفاع او از بیمه مشروط است تسلیم داده باشد نمی تواند آن شخص را تبدیل کند.

ماده ۹۲۹- در حال افلاس و یا تصفیه معاملات موسسه بیمه حق مطالبه آنهائیکه هنوز به اساس مقاولات معتبر بیمه ذینفع میباشد منحصر به اعاده اجرت بدون تکت پولی است که الی روز صدور حکم افلاس و یا تصفیه برای هر مقاوله تادیه شده است.

ماده ۹۳۰- بیمه شونده بدون اطلاع موسسه بیمه می تواند در افغانستان و در هر طرف دنیا در هوا بحر و خشکه مسافرت نماید.

مقاوله بیمه حیات در وقت صلح و در اثنای سفر بری هائیکه شامل سوقیات مسلح باشد و یا در حین وقوع عصیان اغتشاش محاربات داخلی و بحرانات ملکی معتبر میباشد تنها در حین وقوع محاربه با یک دولت اجنبی (در صورتیکه بر خلاف آن شرطی نباشد) مقاوله منفع میگردد در این حال اجرتیکه در پیش بینی وقوع وفات تحصیل شده باشد بدون تکت پولی اعاده میشود.

ماده ۹۳۱- عقد بیمه باساس تونتین (Tontine) اعنی تادیه باقساط معین از طرف شرکا باین مقصد که آنهائیکه حیات دارند در تاریخ معینی تقسیم شود).

حصه ششم

بیمه حوادث

ماده ۹۳۲- بیمه در مقابل حادثه عبارت از مقاوله ایست که باساس آن موسسه بیمه تعهد میکند که در مقابل تادیه یک اجرت معین در حال وقوع یک حادثه مثل مریضی یا عارضه محل منافع مادی و کار و عمل و یا وفات بیمه شونده در اثر تصادفیکه ماهیت



و نوعیت آن تعریف شده باشد و یا محرومیت موقتی یا دائمی بیمه شونده از قدرت و امکان کار سرمایه معین یا عایدی تادیه میدارد این تادیه یا به بیمه شونده بعمل آید یا به وارثین و اشخاص معین و متعددی که حقوقاً قایم مقام او گردیده باشند. حادثه طوریکه ممکن است مستقیماً از طرف بیمه شونده منعقد شود همچنین شخص ثالثی میتواند بر له یک شخص و یا اشخاص متعدد به عقد آن پردازد. مقاله بیمه حادثه راجع بیک هیئت و جمعیت نیز ممکن است. در این صورت ضرور نیست اسامی اشخاصیکه در مقابل حادثه بیمه میشوند تصریح گردد فقط ذکر پیشه و یا ماموریت کافی است.

ماده ۹۳۳ - بیمه های حوادث طوریکه ممکن است درباره جبران ضررهائیکه بیمه شونده در نتیجه حادثه معروض آن میگردد عقد شود بمقصد تلافی غراماتیکه بیمه شونده در اثر حادثه مجبور تسویه آن بدیگری میباشد نیز ممکن است.

ماده ۹۳۴ - در بیمه های حوادث موسسه مجبور است در حین وقوع سنه حادثه ذیل غرامت مندرجه در مقاله را قرار آتی پردازد.

- ۱- در صورتیکه حادثه باعث موت گردد خواه فوت آبی باشد خواه در ظرف یکسال از تاریخ وقوع حادثه بعمل آمده باشد.
- ۲- در حالیکه حادثه موجب معلولیت دائمی شده باشد.
- ۳- در صورتیکه حادثه سبب محرومیت موقتی از قدرت کار شده باشد به بیمه شونده به حساب روزانه الی دوام مدت محرومیت جبران داده میشود.

ماده ۹۳۵ - در صورتیکه بر خلاف آن شرط نشده باشد موسسه بیمه مجبور است بر علاوه غرامت مندرجه در مقاله اجرت تداوی را که بیمه شونده حقیقتاً صرف کرده است نیز تادیه نماید.

ماده ۹۳۶ - اخذ تضمینات بیمه شونده از موسسه بیمه در نتیجه خطای شخص ثالث حق مراجعه بیمه شونده را به شخص ثالث ساقط نمی سازد شخص ثالث مجبور است بدون در نظر گرفتن بیمه ضرر شخص معروض به حادثه را جبران کند. در مسایل دیگر بیمه حوادث احکام وارد بیمه حیات تطبیق میشود.

#### حصه هفتم

#### بیمه زراعتی

ماده ۹۳۷ - هر نوع محصول درو شده و یا درو نشده در هر وقت سال بیمه شده میتواند.

ماده ۹۳۸ - بیمه های زراعتی برای زمانیکه عقد میشود اعتبار دارد که بعد از جبران خسارات نیز بیمه در مقابل یک خساره ثانی دوام میکند.

خسارات ذریعه ممز که از جانب طرفین گماشته میشود تقدیر و تثبیت میگردد.

ماده ۹۳۹ - مدت دوام بیمه در شرکت های بیمه زراعتی که باسناد اعتماد متقابله دایر میگردد مدت دوام شرکت است ولی هم شرکت و هم سهامداران می توانند در ختم هر سال مقاله را فسخ نمایند شرائطیکه بر خلاف این حکم وضع میشود کان لم یکن است.

ماده ۹۴۰ - بیمه تمام حیوانات زراعتی و اهلی در مقابل هر نوع مرض ساری و حادثه جائز است.

#### حصه هشتم

#### بیمه سرقت

ماده ۹۴۱ - به منظور حمایه اشخاص از سرقت و یا اشخاصیکه در اثر سرقت معروض خساره و مسئولیت مالی قرار میگیرند ممکن است علیه سرقت مقاله بیمه عقد نمود.

#### حصه نهم

#### مرور زمان

ماده ۹۴۲- هر نوع دعوائیکه از مقاوله بیمه بوجود می آید بعد از دو سال از تاریخ وقوع اختلاف ساقط میشود.

ماده ۹۴۳- بعد از نشر این اصولنامه های ذیل ملغی و این قانون جانشین آنها میباشد.

۱- اصولنامه دفاتر تجارتي.

۲- اصول نامه دلالي.

۳- اصول نامه تجارتي.

۴- اصول نامه ثبت تجارتي

ماده ۹۴۴ - این قانون دو ماه بعد از تاریخ نشر معتبر میباشد.

ماده ۹۴۵- به اجرا و تطبیق این قانون وزارت اقتصاد ملی موظف است.

انفاذ و اجرای اصولنامه هذا را در جمله سائر اصولات مملکتی امر و اراده مینمائیم.

\*مورخه ۲۱ برج قوس ۱۳۳۴ شمسی مطابق ۲۰ ماه ربیع الثانی ۱۳۷۵ قمری\*

منبع : [bsharat.com](http://bsharat.com)